

در نماز جمعه تهران

حزب الله علیه

رفسنجانی شعار داد

هفته گذشته دهها تن از انصار حزب الله به مراسم نماز جمعه دانشگاه تهران حمله کردند و علیه هاشمی رفسنجانی که امامت جمعه را بر عهده داشت، شعار دادند. انصار حزب الله در برابر دیدگان رفسنجانی با شعار «غارتگر بیت المال اعدام باید گردد»، صفوف نماز جمعه را بر هم ریختند و از نمازگزاران خواستند محل نماز جماعت را ترک کنند، پشت سر رفسنجانی نماز نخوانند و به حرفهای او گوش ندهند. چنین تعرضی در جمهوری اسلامی علیه نماز جمعه و رفسنجانی، آن هم توسط کسانی که «ستون انقلاب» خوانده می شوند، بی سابقه بود. شمار حزب الله بنا به گزارش روزنامه همشهری بیش از ۴۰ نفر بود، اما اقدام آنان آن چنان غیرمنتظره بود که خبر آن به سرعت در تهران و سراسر کشور بازتاب یافت. تهاجم حزب الله به رفسنجانی زمانی روی داد که او مشغول سخنرانی بود. رفسنجانی در سخنان خود پیرامون دستگیری شهردار تهران، حاضر نشد با ادامه در صفحه ۴

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

## احزاب سیاسی در ایران باید آزاد شوند!

نامه سرگشاده شورای مرکزی سازمان به آقای محمد خاتمی، رئیس جمهور

برای برچیدن موانع فعالیت آزادانه احزاب اقدام کنید

پیام شورای مرکزی سازمان به مردم ایران

مردم، از آزادی فعالیت احزاب سیاسی در ایران حمایت کنید!

در صفحه ۲

دفتر تحکیم وحدت: آقای رئیس جمهور به «دیپلماسی

پنهان» پایان دهد و با مردم سخن گوید!

● دفتر تحکیم وحدت به مناسبت دو خرداد همایش بزرگی در دفاع از خاتمی برگزار خواهد کرد

دفتر تحکیم وحدت به دنبال لغو تظاهرات روز سه شنبه ۲۵ فروردین، در یک نشست مطبوعاتی، سیاست دولت را مورد انتقاد قرار داد و از خاتمی خواست دیپلماسی پنهان را کنار بگذارد و مسایل را با مردم

گفتگو کنند و تا حدی که امنیت ملی کشور به خطر نمی افتد، از دیپلماسی پنهان پرهیز کنند. عضو شورای مرکزی تحکیم وحدت ضمن برشمردن اهداف جناح راست، القای این مطلب که پیش و پس از انتخابات دوم خرداد در شرایط عمومی جامعه تغییری حاصل نشده است، ایجاد فضایی که آقای خاتمی نتواند

میان بگذارد. سعیدی، یکی از اعضای شورای مرکزی دفتر تحکیم وحدت در این مورد گفت: «ما از ریاست محترم جمهوری انتظار داریم در خصوص مسایل سیاسی اخیر به طور واضح و روشن با مردم



ویژه اول ماه مه

اطلاعیه شورای مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به مناسبت اول ماه مه

جنبش کارگری و سرمایه داری کهنه نو

ارابه ضد بشری

رفیق بهزاد کریمی سخن گوی شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت):

مردم پیش می روند، روند

حرکت بازگشت ناپذیر است

موجب آن شد که شورا و ارگان منتخب آن هیئت سیاسی اجرای وقت و انرژی خود را به امر سازماندهی اختصاص دهد. به دیگر سخن فعالیت ما در چهار ماه گذشته، پیش از آنکه بیشتر متوجه خود امر سیاست گذاری باشد، تدارک سازمانی برای فعالیت سیاسی بیشتر بوده است. معذرا، آنچه که گفتیم به معنی غفلت ما از فعالیت سیاسی جاری نبوده است. صرف نظر از فعالیت روزمره ارگان های مرکزی سازمان، سرانجام در آخرین نشست هیئت سیاسی - اجرایی شورای مرکزی، تصمیم کنگره معطوف به فعالیت ویژه برای تامین آزادی احزاب سیاسی در کشور، با تنظیم و تصویب دو نامه خطاب به مردم و آقای خاتمی رئیس جمهور جامعه عمل به خود پوشید.

ب علاوه هیئت سیاسی - اجرایی در کار تدارک تنظیم قطعنامه سیاسی برای ارائه به نشست آتی شورای مرکزی است. در این قطعنامه، با توجه به جهت گیری سیاسی کنگره پنجم سازمان، در قبال روندهای مشخص سیاسی در کشور نیز جناح های حکومتی موضع مشخص شورای مرکزی سازمان تعیین و ارائه خواهد شد. همچنین، پیشنهاد های سیاسی و مطالبات سیاسی معین در این قطعنامه مطرح خواهد گردید. س: شما به عنوان سخن گوی شورای مرکزی، نظراتان درباره ادامه در صفحه ۱۱

رفیق بهزاد کریمی در آخرین اجلاس شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به عنوان سخن گوی شورای مرکزی سازمان انتخاب شد. در زیر متن مصاحبه کار را با رفیق کریمی پیرامون تحولات سیاسی کشور و فعالیت های شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) می خوانید.

سوال: رفیق کریمی، از کنگره پنجم سازمان چهار ماه گذشته است، در این مدت ارگان های رهبری سازمان چه فعالیت هایی داشته اند؟  
در چهار ماه گذشته عمده وقت شورا و هیئت سیاسی - اجرایی صرف امور سازمان شده است. در واقع اراده کنگره بر آن بود که سازمان باید در شرایط سیاسی حساس کنونی فعالیت سیاسی - سازمانی گسترده تر و چندجانبه تری را سامان دهد. لازم است این امر هم ایجاد ارگان های تازه و در نتیجه تقسیم کار جدید و وسیع بین اعضای شورا و کادرهای سازمان بود. بعلاوه روی این نکته تاکید بود که کمیسیون دایری در زمینه امور سیاسی تشکیل شود تا سطح فعالیت سیاسی را بالا ببرد و تحرک سیاسی سازمان را افزایش دهد. این همه، با توجه به تنوع سلیقه ها و تفاوت نظر های سیاسی موجود در سازمان، شورا، هیئت سیاسی - اجرایی،

مصاحبه با رفیق مهدی فتاوی  
عضو شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
اتخاذ سیاست بر اساس تقسیم بندی نیروها  
به سهیم و غیر سهیم در قدرت نادرست است  
صفحه ۸

## خاتمی: از حقوق مخالفین دفاع خواهیم کرد

خاتمی با اشاره به روحیه قانون گریزی، آن را ناشی از تحمیلی بودن قانون های قبلی و منافات آن ها با منافع مردم دانست و در تحلیل انتخابات گفت: این حادثه مشخص کرد که یک سلیقه عین اسلام و انقلاب نیست و انقلاب اسلامی و رهبری فراتر از سلیقه ها و گرایشات مختلف است. خاتمی جوامع یک صدایی را مذموم شمرد و افزود: ممکن است بتوان برای مدتی همه صداها را خاموش کرد، اما بالاخره این صداها خاموش شده به سرعت انفجاری بروز خواهند کرد. در جامعه ما صداها مختلفی هست و همه این صداها هم رسمی و محترم

آقای خاتمی، رئیس جمهور در سفر خود به استان بلوچستان گفت مخالفان نظام در ایران حق حیات دارند. او که در شورای اداری استان صحبت می کرد، گفت: امروز جوی به وجود آمده است که باید قانون شکن ترین جریانات و افراد نیز شعار قانون گرایسی بدهند و این دستور کمی نیست. من از این روی کرد به قانون استقبال میکنم. خاتمی افزود: شعار قانون گرایسی جدی است و جامعه باید اطمینان داشته باشد که نه فقط در قوه مجریه، بلکه در قوه قضاییه و قوه مقننه و ادارات و مطبوعات و در همه جا، قانون مبناست.

مجلس تصویب کرد:

## دفاع از حقوق زنان ممنوع شد

مجلس شورای اسلامی در روز ۲۴ فروردین کلیات طرح الحاقی یک بند به ماده ۶ قانون مطبوعات را به تصویب رسانید. طبق این بند از این پس طرح کردن نابرابری حقوق زن و مرد، مغایر با قانون مطبوعات شناخته می شود. منیره نویخت نماینده زیر سوال بردن نحوی پرداخت

مجلس از تهران و رئیس «شورای عالی فرهنگی و اجتماعی زنان» این طرح را در ماه گذشته پس از سخنان خصامه ای و حملات او به مطبوعات به خاطر اشاره به یک سری حقوق زنان و از جمله زیر سوال بردن نحوی پرداخت

مجلس شورای اسلامی در روز ۲۴ فروردین کلیات طرح الحاقی یک بند به ماده ۶ قانون مطبوعات را به تصویب رسانید. طبق این بند از این پس طرح کردن نابرابری حقوق زن و مرد، مغایر با قانون مطبوعات شناخته می شود. منیره نویخت نماینده زیر سوال بردن نحوی پرداخت

یادداشت

## «سردار سازندگی» از آب گل آلود ماهی می‌گیرد

از جمله مشخصات یورش‌های اخیر جناح راست رژیم برای دفاع از موقعیت انحصاری خود در قدرت، به فراموشی سپردن برخی مصلحت‌های کل نظام جمهوری اسلامی است. برخی از چهره‌های جناح طرفدار خاتمی در حکومت، در ماجرای اخیر بازداشت کرباسچی شهردار تهران، به جناح راست هشدار دادند که منافع کل رژیم را فراموش نکنند و از تشنج‌فزایی در مناسبات جناح‌های حکومت دست بردارند.

اما این اندرزاها ظاهرأ بر انفرادی‌ترین شکست‌خوردگان دوم خرداد ۷۶ کارگر نیفتاده است. اینان که هنوز دخالت رفسنجانی در جلوگیری از تقلب در دوم خرداد را فراموش نکرده‌اند، در جریان بازداشت کرباسچی نیز شکست خود را ناشی از زد و بندهای پشت پرده رفسنجانی می‌دانند. گروهی از همان‌ها، هنگامی که رفسنجانی در نماز جمعه ۲۷ فروردین، تلویحاً به دفاع از کرباسچی پرداخت، کوشیدند سخنان او را قطع کنند و شعار «غارتگر بیت‌المال اعدام باید گردد» سر دادند. این شعار، در ظاهر علیه کرباسچی بود اما می‌توانست علیه رفسنجانی و خانواده او نیز که به ویژه در طول هشت سال ریاست جمهوری رفسنجانی از خوان نعمت سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی بهره فراوان برده‌اند، تلقی گردد.

حمله به رفسنجانی، فوراً نزد دلسوزان به حال «کل نظام» زنگ خطر را به صدا درآورد. علی‌اکبر حسینی و مرتضی نبوی از رهبران فراکسیون راست در مجلس، بلافاصله اعلام کردند با حملات به رفسنجانی مخالفتند و او را از «ارکان نظام» نامیدند.

رفسنجانی کسی است که بیش از هر کس دیگری در جمهوری اسلامی، نام او با حیات و ممات این رژیم گره خورده است. از رهبران طراز اول رژیم، رفسنجانی شاید تنها کسی است که همواره و بدون استثنا مورد حمایت خمینی بود و خمینی در هیچ موردی حرفی خلاف سخنان رفسنجانی نزد، در حالی که مثلاً یک بار در حاشیه بحث پیرامون اختیارات ولایت فقیه، خامنه‌ای را که می‌خواست نامحدود بودن این اختیارات را زیر سؤال برد، نادان نامید. رفسنجانی، بیش از هر کس دیگری تبلور تداوم در جمهوری اسلامی است. اگر او زیر سؤال برود، کل نظام زیر سؤال خواهد رفت. در عین حال، رفسنجانی به ویژه به خاطر کارنامه سیاه دولتش در طول هشت سال، در بین مردم منفور است. اگر «خودی‌ها» هم حرمت رفسنجانی را بشکنند، دیگر سنگ روی سنگ بند نخواهد شد. از شعار دادن علیه رفسنجانی در نماز جمعه تا شعار دادن علیه خامنه‌ای در حضور خود او، راه درازی نیست.

حملات اخیر، نشانگر خارج شدن بخشی از جناح راست از کنترل است، اما آنان اکنون به عقرب می‌مانند که به محاصره آتش درآمده و بر خود نیش می‌زند. حملات آنان به رفسنجانی، خود آنان را منزوی و بی‌اعتبارتر کرد. رفسنجانی از این حملات هوشیارانه به نفع خویش بهره گرفت. نه تنها کارگزاران فرصتی یافتند تا بار دیگر مقام او را به مثابه ناجی نظام به رخ کشند و او را حیثیت و آبرو و آینده رژیم وانمود سازند، بلکه رئیس جمهور را نیز به حمایت از او به سخن درآوردند و مهم‌تر از آن مخالفین راست او در وصف محسنات و خیرات و اعجاز‌هایش برای نظام داستان‌ها ساختند. رفسنجانی هوشیارانه از همه این موقعیت‌ها برای عروج بیشتر خود بهره گرفته است. عروجی که هیچ‌گاه به سود مردم نبوده است.

### اطلاعیه شورای مرکزی

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

## آزادی کرباسچی

### شکست قوه قضائیه در برابر اراده مردم

کرباسچی شهردار تهران آزاد شد. آزادی او حاصل اعتراض همگانی، برگزاری تظاهرات دانشجویی - مردمی و ایستادگی دولت خاتمی است. در نبردی که در طی ۱۰ روز اخیر در صحنه سیاسی کشور جریان داشت، سرانجام قوه قضائیه و رئیس آن یزیدی شکست خورد و خامنه‌ای که با موج اعتراض گسترده‌ای اقشار مختلف جامعه مواجه شده بود و از این بیم داشت که اعتراض مردم به یک خیزش توده‌ای منجر شود، سرانجام مجبور گردید دستور آزادی کرباسچی را صادر کند.

آزادی کرباسچی پیروزی مردم و دولت خاتمی و نیروهای طرفدار وی است. جناح حاکم که پس از شکست دوم خرداد ماه، مستله‌ی شهرداری‌ها را علم کرده بود تا دولت خاتمی را تضعیف کند و از مردم انتقام بگیرد شکست سختی خورد. آزادی کرباسچی پیشروی مردم و تحکیم بیشتر دولت خاتمی و عقب‌نشینی ولایت فقیه است. این عقب‌نشینی مردم را به نیروی خود معتقدتر و جرات تعرض را از ولایت فقیه بیشتر سلب کرده است.

آزادی کرباسچی نشان داد که می‌توان تعرضات جناح راست را با اتکا به نیروی مردم متوقف کرد و آنها را عقب راند. اکنون مردم می‌خواهند که یزیدی رئیس قوه قضائیه برکنار گردد و گام‌های ضروری برای استقرار آزادی‌های سیاسی در کشور برداشته شود.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
۲۶ فروردین ۱۳۷۷

رفیق شمس‌ی سعید

در غم سنگین از دست دادن مادر، خود را شریک می‌دانیم و به شما و رفیق مجید صمیمانه تسلیت می‌گوییم

کارکنان «کار»

نامه سرگشاده شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به آقای محمد خاتمی، رئیس جمهور

## آقای رئیس جمهور، برای برچیدن موانع فعالیت آزادانه احزاب اقدام کنید!

آن، بیرحمانه‌تر از آن بود. این نیرو، نیروی مهیب و قدرتمندی است، اما نیرویی قدرتمندتر از آن وجود دارد و آن نیروی مردم است اگر درست به کار گرفته شود. نیرویی که در دوم خرداد تنها گوشه‌هایی از قدرت آن را در آفرینش نامسکن‌ها دیدیم. از آن روز تا به امروز نیز این نیرو بر خواست آزادی پای فشاری کرده است، با استبداد و دسته‌های چماق‌دار جنگیده است، در دانشگاه‌ها و کارخانه‌ها آزادی را فریاد کرده است. این نیرو، نیروی توده زنان و جوانان است که به حرکت درآمده و نشان داده که از پای نخواهد نشست تا آن چه را که می‌خواهد به دست آورد.

آقای رئیس جمهور!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، آرزو دارد که حرف و وعده‌های شما در استانه انتخابات دوم خرداد ماه به عمل درآید و دولت شما در جهت برآوردن خواست فوری و تأخیر ناپذیر جامعه ما و بر چیدن موانع فعالیت آزادانه احزاب سیاسی در ایران اقدامات عاجلی انجام دهد.

ما فدائیان خلق ایران (اکثریت) که اکنون بیست و هفتمین سال تأسیس خود را نیز پشت سر گذاشته‌ایم، مصرانه خواهان آن هستیم که حقوق دموکراتیک ما و دیگر نیروهای سیاسی ایران رعایت گردد و حق فعالیت آزادانه و علنی ما در کشورمان ایران تأمین شود.

ما همواره اهداف و برنامه‌های خود را به روشنی و بدون هیچ گونه پرده‌پوشی و از جمله در پنجمین کنگره سازمان خود که اخیراً برگزار شد، تصریح کرده‌ایم. ما به عنوان سازمانی که هدف نهایی خود را برافکنند ستم‌های طبقاتی، جنسی، ملی و هر نوع دیگری از ستم قرار داده‌ایم، برای برقراری دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشور می‌کوشیم و مهم‌ترین هدف خود را در این دوران برقراری آزادی‌های سیاسی قرار داده‌ایم. اگر چماق و گلوله معیار و تعیین‌کننده حقایق نباشد، هیچ کس و مطلقاً هیچ کس نمی‌تواند این حقیقت را رد کند که فعالیت آزادانه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در کشور، به سود ایران، به سود مردم ایران و به سود دموکراسی در ایران است.

فعالیت مسالمت‌آمیز سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، بدون هیچ‌گونه دلیل و توضیح و حتی حکم قانونی مورد شدیدترین سرکوب‌ها قرار داشته و طی سال‌های حکومت جمهوری اسلامی، صدها نفر از اعضا و کادرهای آن بدون محاکمه و یا در بیدادگاه‌ها به اعدام محکوم شده‌اند، تیرباران شده و یا به چوبه‌های دار آویخته شده‌اند، در گوشه زندان‌ها به بند کشیده شده و یا آواره دیار غربت شده‌اند. این سرنوشت، نه تنها سرنوشت ما، که سرنوشت مشترک همه احزاب و سازمان‌های سیاسی غیر حکومتی و به ویژه غیر مذهبی در این سال‌ها بوده است. فدائیان خلق ایران از شما می‌خواهند برای نقطه پایان گذاشتن بر این سیاست‌ها، بر خواست آزادی‌خواهانه میلیون‌ها ایرانی و نیروی توانمند آنان تکیه کرده و در راه از بین بردن موانع فعالیت آزادانه ما و دیگر سازمان‌های سیاسی اقدام نمایند.

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

فروردین ماه ۱۳۷۶

پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مردم ایران

## مردم، از آزادی فعالیت احزاب سیاسی حمایت کنید!

کس که کوچک‌ترین آشنایی با تاریخ مبارزات فدائیان خلق و اهداف و برنامه‌های آنان داشته باشد، می‌داند که تنها دشمنان آزادی، دشمنان مردم ایران، از سرکوب فدائیان خلق، دستگیری و شکنجه و آزار آنان و تبعید آنان سود برده‌اند و سود می‌برند.

برنامه سیاسی و اهدافی که ما پیش روی خود گذاشته‌ایم و برای آن مبارزه می‌کنیم، از خواست‌های مردم ما و به ویژه زحمات‌کشان کشور سرچشمه می‌گیرد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواهان سربلندی ایران و رفاه و نیک‌بختی مردم است. یک سازمان چپ سوسیالیستی است که هدف و آرمان خود را پایان دادن به ظلم و ستم طبقاتی و ایجاد جامعه‌ای برابری، دموکرات و عادلانه قرار داده است. ما برای جامعه‌ای مبارزه می‌کنیم که در آن فقر و ناداری ریشه کن شده باشد، دموکراسی در همه عرصه‌های فعالیت اجتماعی برقرار شده و مردم به معنای واقعی کلمه حاکم بر سرنوشت خود باشند. در برابر همه کسانی که این اهداف انسانی را نفی می‌کنند و آنها را ناشدنی می‌دانند، ما فدائیان خلق با صدای رسا اعلام می‌کنیم که این اهداف را قابل تحقق می‌دانیم و عمیقاً اعتقاد داریم با کار و تلاش و پیکار مشترک همه نیروهای آزادی‌خواه، دموکرات و عدالت‌جو آزادی و عدالت در کشور ما و در سراسر جهان تحقق خواهد یافت. ما در پاسخ به همه کسانی که می‌پندارند زندگی بشر تا ابد در ظلم و ستم سپری خواهد شد، اعلام کرده‌ایم و باز هم اعلام می‌کنیم که ما سوسیالیست‌ها فقر و ظلم و ستم را سرنوشت همیشگی بشر نمی‌دانیم و کمر به تغییر آن بسته‌ایم.

برنامه ما برای امروز ایران، برقراری دموکراسی و عدالت اجتماعی است و هدف ما این است که از همین امروز زندگی بهتری برای همه مردم تأمین شود. به همین جهت ما با این حکومت و هر حکومتی که رای و اراده مردم را نادیده بگیرد، مخالفت و برای استقرار یک حکومت دموکراتیک در شکل جمهوری در کشور مبارزه می‌کنیم. حکومتی که همه نهادهای آن منتخب مردم و پاسخ‌گو به مردم هستند.

سازمان ما همان‌گونه که در کنگره اخیر خود تصویب کرد، در شرایط کنونی بزرگ‌ترین مانع پیشرفت کشور و مردم ایران را حاکمیت ولایت فقیه می‌شناسد و برای کوتاه کردن دست آن از قدرت مبارزه می‌کند.

ما فدائیان خلق می‌گوییم که نیروی اصلی هر تغییری در جامعه ما توده‌های مردم هستند و تلاش ما این است که نیروی هر چه بیشتری از مردم در جهت این خواسته‌ها به کار آفتد و از همین رو نیز فعالیت آزادانه احزاب سیاسی را مصرأ می‌خواهیم.

تلاش‌های ما فدائیان ایران بخشی از پیگیری است که ده‌ها سال است در این مرز و بوم جاری است. یاران ما اگر که اینک نمی‌توانند به نام خود سخن بگویند اما در میان توده مردم، در کنار زنان، جوانان و کارگران ایران برای این خواسته‌ها که خواست‌هایی انسانی هستند، مبارزه می‌کنند. آن‌ها می‌خواهند برای تحقق این خواسته‌ها به نام خود سخن بگویند و به «جرم» فدایی بودن روانه شکنجه‌گاه‌ها و میدان‌های اعدام نشوند و یا مجبور به ترک وطن نگردند.

هم‌وطن!

فدائیان خلق ایران همیشه این را خواسته‌اند و امروز نیز به ویژه در این دورانی که کشور ما روزهای بسیار حساس و سرنوشت‌سازي را می‌گذراند، با عزمی باز هم بیشتر می‌خواهند که بتوانند با همه توان خود در کنار مردم ایران باشند و به تحقق همان خواسته‌هایی کمک کنند که همه ایرانیان برای آن‌ها به پا خاسته‌اند. از این خواسته‌ها پشتیبانی کنید. از حکومت بخواهید که به سرکوب احزاب سیاسی پایان دهد و تأمین شرایط فعالیت آزادانه احزاب سیاسی را جزو خواسته‌های خود قرار دهد. با کمک به آزادی احزاب سیاسی به رهایی کشور از چنگال شوم استبداد یاری رسانید. آزادی ما آزادی همگان است!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) - فروردین ماه ۱۳۷۶

کارگران، دانشجویان، روشنفکران، زنان و جوانان هم‌وطن!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، در شرایط خطیری که در کشور برقرار است، بیش از پیش و مصرانه خواهان آن است که نیروی فدائیان خلق ایران در مبارزه دشوار مردم برای پس نشاندن استبداد و برقراری آزادی‌های سیاسی، تماماً در خدمت جنبش مردم قرار گیرد و به سهم خود به پیروزی مردم بر استبداد کمک کند. اما با تأسف بسیار، فدائیان خلق، امروز نمی‌توانند همه نیروی خود را در خدمت این وظیفه و این پیکار بزرگ قرار دهند. حکومت اسلامی با ممنوع کردن فعالیت ما که مسالمت‌آمیز بوده است، با سرکوب بی‌امان فدائیان خلق، با دستگیری و شکنجه و اعدام یاران ما، ما را که برادران و خواهران شما هستیم، از حق خود برای فعالیت آزادانه در کشور محروم ساخته است. سرکوب و ممنوعیت سازمان ما بیش از ۱۵ سال است که ادامه دارد، اما اکنون با عزم و اراده‌ای که شما مردم نشان داده‌اید، فصلی تازه در تاریخ ایران ما گشوده، این امید دوباره در دل‌ها زنده شده که احزاب و سازمان‌های سیاسی بتوانند فعالیت‌های آزادانه خود را از سر بگیرند. این انتظاری است که به حق از دولت و رئیس جمهور دارید، این قولی است که او به مردم داده است.

شورای مرکزی سازمان ما در نامه سرگشاده‌ای به رئیس جمهور، از او خواسته است که برای از میان برداشتن موانع فعالیت آزادانه احزاب سیاسی و از جمله سازمان ما در کشور اقدام کند و در جهت تحقق این خواست گام بردارد. اما ما به خوبی می‌دانیم که نیروهای قدرتمندی در حکومت با هر خواسته آزادی‌خواهانه مردم مخالفت می‌کنند. از این رو شورای مرکزی سازمان ما، شما مردم ایران را خطاب قرار می‌دهد و از شما می‌خواهد که به حمایت فعالانه‌تری از احزاب سیاسی برخیزید و خواهان آزادی فعالیت این احزاب شوید. این آزادی نیاز مبرم کشور و یگانه راه حل مسالمت‌آمیز مسایل جامعه ماست. بدون آزادی احزاب سیاسی، بحران سیاسی باز هم عمیق‌تر و مصائب ناشی از تشدید خشونت، دامن‌گیر همه خواهد شد.

مردم!

سران حکومت سال‌ها به مردم گفتند که وجود احزاب سیاسی برای سلامت جامعه ضرر دارد و باعث نفاق و چند دستگی می‌شود، اما اکنون آزادی احزاب آن قدر در کشور ما طرف‌دار پیدا کرده و مورد پذیرش همگانی قرار گرفته است که دیگر نمی‌شود آن را نادیده گرفت. امروز سران قدرت‌مند رژیم می‌خواهند به این نیاز جامعه ما با تشکیل احزاب حکومتی پاسخ دهند، اما این پاسخ به خواست مردم، روشنفکران و نیازهای جامعه امروزی ما نیست. همه جناح‌های رژیم از تشکیل و تأسیس احزاب تازه سخن می‌گویند و به روی خود نمی‌آورند که در ایران حزب‌هایی با سابقه چندین دهه فعالیت وجود دارند که اگر امروز نمی‌توانند در کشور خویش و در میان مردم خود آزادانه فعالیت داشته باشند، فقط به این دلیل است که حکومت آن‌ها را بی‌رحمانه سرکوب کرده است، کادرها و هواداران‌شان را شکنجه و اعدام کرده است و آنان را به زور به تبعید و مهاجرت رانده است.

آزادی احزاب در ایران را نمی‌توان با نفی و نادیده گرفتن و سرکوب این احزاب، یعنی احزاب سیاسی موجود و واقعی در کشور تأمین کرد. آزادی فعالیت احزاب سیاسی، باید به معنای آزادی فعالیت احزاب مخالف حکومت نیز باشد. این حق را سال‌هاست به زور از مردم ایران گرفته‌اند و اکنون زمان آن است که متحداً در راه باز پس گرفتن آن گام بردارید.

فدائیان خلق چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟

جنبش ما بیست و هفت سال پیش در بهمن ماه سال ۱۳۴۹ به وجود آمد و تنها در دوران اولیه انقلاب توانست از آزادی اندکی برخوردار باشد. به جز این دوران کوتاه، در تمام مدت این بیست و هفت سال چه در دوران حکومت شاه و چه در دوران حکومت اسلامی، سازمان ما را سرکوب کرده‌اند و مانع فعالیت علنی و آزادانه آن در کشور بوده‌اند. هر

## جوانان‌بندها رامی‌گسلند!

رهنمودهای خامنه‌ای به مبلغین خویش که جوانان را هدف تبلیغات خود قرار دهند و بکوشند انسان را در چارچوبی که وی می‌خواهد بند کنند، بازتاب نگرانی‌های عمیقی است که او مدت‌هاست به آن دچار شده است. وی خود خوب می‌داند که چنگ بر سر جذب جوانان به افکار پوسیده و ارتجاعی خویش را باخته است. امروز در ایران تنها بخش معدود و محدودی از جوانان آن گونه می‌اندیشند و عمل می‌کنند که خامنه‌ای می‌خواهد. فعالیت‌های سیاسی هزاران جوان و دانشجوی جدایی روز افزون آن‌ها از جناح خامنه‌ای در روزهای اخیر با شفافیت و روشنی به نمایش درآمده است. جوانان نیروی اصلی و مسهله‌ناپذیری هستند که خامنه‌ای و آن چه را که او پاسدار آن است، به چالش طلبیده‌اند. خامنه‌ای درست فهمیده است که جوانان در ایران امروز نقش تعیین کننده‌ای دارند. او بر نقش جوانان در شکست سنگینی که در دوم خرداد به او وارد آمد، واقف است و می‌داند که این جوانان و زنان بودند که در بی‌اعتبار کردن کاندیدای او از همه پیشی گرفتند. او نیز قطعاً شاهد نمایش عظیم جوانان ایرانی در روز هشتم آذر ماه که به دنبال پیروزی تیم ملی فوتبال ایران به خیابان‌ها ریختند و مسیحاها و ارزش‌های او را به هیچ گرفته است. جوانان خامنه‌ای از استعداد جوانان برای جلب افکار پیشرو، نو، دموکراتیک و آزادی‌خواهانه نیز آگاهی دارد و نشانه‌های آن را در خروش دانشگاه‌ها علیه خویش می‌بیند.

اما او برای مقابله با این واقعات ابزار چندانی در اختیار ندارد و آن چه نیز که در اختیار دارد، پوسیده و ناکارآمد است. در حالی که جوانان تشنه دانستن حقایق و دخالت در مسایل سیاسی هستند، او مبلغین خود را از طرح مسائلی که دست همان مسایل مورد توجه جوانان است، نهی می‌کند و می‌خواهد جوانان برخوردش و برانرژی امروز ایران را با احادیث و خرافات سرگرم نگاه دارد! کساری که او و دیگر همدانشان نوزده سال است کرده‌اند و نتیجه‌اش همین است که امروز در برابر او قرار دارد. خامنه‌ای نمی‌خواهد سیاست‌های خود و رژیم خود را در نگرانی که در جوانان برانگیخته است، بپذیرد. او سر در فرغ برده و مقصر را «خارج» و تبلیغات بیرون مرزی می‌داند، اما این جوانان در درون همسان مندراس و جامعه‌ای پرورش یافته‌اند که رژیم او همه امکانات عظیم تبلیغی آن‌ها را در اختیار داشته است و با استفاده از این امکانات همه کار کرده است تا جوانان را در چارچوب قید و بندهایی که خود می‌خواهد بار آورد و جوانان امروز علیه همین قید و بندها شوریده‌اند. او هر چند همه واقفیت‌ها را دگرگونه نمی‌سازد، اما یک واقفیت را درست فهمیده است. آن که بتواند جوانان را به سوی خود و برنامه‌های خود جلب کند، برگ برنده را در اختیار خواهد گرفت.

## روزنامه جامعه: امکان دارد جریان راست

### از آینده سیاسی ایران به کلی حذف شود

روزنامه جامعه که در تهران منتشر می‌شود، در یادداشتی در شماره ۲۵ فروردین ماه خود، پیش‌بینی کرد که جناح «تندرو» در آستانه خودکشی سیاسی قرار دارد و اگر افراد «عصبی» خود را مهار نکنند، امکان دارد از آینده سیاسی ایران به کلی حذف شود.

این روزنامه با اشاره به مداراهای خاتمی در برابر جناح مخالف نوشت: «در حالی که بسیاری از مردم خواهان تحولی اساسی در ترکیب کابینه و حتی حضور زنان در هیات دولت بودند، آقای خاتمی با رعایت برخی از حساسیت‌های جناح مقابل از این کار خودداری کرده».

جامعه با بررسی سیاست‌های

## یک استاد دانشگاه علیه مسئولان

### آموزشی اعلام جرم کرد

دکتر محمد ملکی استاد دانشگاه‌های ایران به خاطر کشته شدن جمعی از دانشجویان نخبه ریاضی‌کشور، علیه وزیر فرهنگ و آموزش عالی، رئیس دانشگاه صنعتی شریف و رئیس دانشکده ریاضی این دانشگاه اعلام جرم کرد. وی مسئولین را به اهمال متهم ساخت و نوشت: من به عنوان یک دانشگاهی، یک پدر و یک ایرانی مسلمان، اظهار تأسف مقام‌های عالی کشور را کافی نمی‌دانم و علیه کلیه مسئولان این واقعه که با بی‌توجهی و اهمال‌کاری خود، موجب کشته و مجروح شدن این عزیزان شده‌اند، اعلام جرم می‌کنم و از مقام‌های مسئول و شخص رئیس جمهوری می‌خواهم موضوع را جدا

بگیری نمایند. این استاد دانشگاه در گفتگویی با رادیو بی‌بی‌سی، اعلام کرد حاضر است در هر دادگاهی حاضر شود و ثابت کند که در حادثه کشته شدن دانشجویان، اهمال شده است. در روز ۲۶ اسفند ماه گذشته (۱۷ مارس)، ۷ دانشجوی نخبه ریاضی دانشگاه صنعتی شریف به هنگام بازگشت از یک کنفرانس ریاضی در اهواز بر اثر سانحه رانندگی جان باختند و گروه دیگری از دانشجویان مجروح شدند. به دنبال انتشار خبر این فاجعه، آن هم درست در آستانه عید، این سؤال در ذهن مردم شکل گرفت که چطور مسئولان حکومتی در هر مسافرتی از هواپیما و هلی‌کوپتر اختصاصی استفاده می‌کنند، اما برای اعزام دانشجویان نخبه کشور به کنفرانس ریاضی، آنان را با اتوبوسی از تهران روانه اهواز می‌کنند؟

جناح راست در ماه‌های گذشته نوشت: «جناح تندرو پس از آن که از شوک اولیه ناشی از مخالفتان نخواهد داشت، هر چند همکاری با دولت و کارشکنی را در پیش گرفت. به گونه‌ای که می‌توان گفت تقریباً به طور مداوم مشغول بحران آفرینی بوده است. بحران‌هایی همچون تشنج در قم، احضار مکرر وزیر کشور به مجلس، تبلیغات منفی صدا و سیما به ویژه پس از مصاحبه آقای خاتمی با سی.ان.ان و... و سرانجام بحران اخیر».

جامعه نوشت: «برای مردم آغاز به کار مقتدرانه دولت مهم‌تر از بحران فعلی است. مردم با امید به دوره پس از بحران

## خامنه‌ای خطاب به مبلغین اسلامی جوانان را هدف تبلیغات خود قرار دهید!

### ● خامنه‌ای روحانیون را از طرح و بحث در مورد اختلافات رژیم در ماه محرم نهی کرد

در راه خدا بهترین و پیشترین استفاده از آن به عمل آید. وی گفت: در ایران اسلامی جوانان در اکثریت هستند و دشمنان اسلام با استفاده از روش‌ها و ابزارهای گوناگون سعی دارند دل‌ها و افکار آنان را تسخیر کرده و در جوانان اعمال نفوذ کنند، بنابراین مبلغان اسلامی باید جوانان را مخاطب قرار دهند و متناسب با نیازهای آنان تبلیغ نمایند. خامنه‌ای افزود: امروزه موج مخرب و مفسده‌انگیزی از خارج برای تأثیرگذاری بر اذهان جوانان مسلمان ایران کار می‌کنند و مبلغ دین باید این موج تخریب‌کننده را به درستی

علی خامنه‌ای در سخنانی که به بهانه نزدیک شدن ماه محرم در برابر گروهی از روحانیون و ائمه جماعت ایراد کرد، از آنان خواست که جوانان را هدف اصلی تبلیغات خویش قرار دهند و در عین حال آنان را از طرح مسایل مورد اختلاف بین جناح‌های حکومت در منابری که به مناسبت ماه محرم تشکیل می‌شود، اکیداً منع کرد.

خامنه‌ای ضمن برشمردن اهمیت تبلیغات برای حفظ نظام اسلامی، گفت: منبر دین و تبلیغ، یکی از مهم‌ترین ابزارها و نعمت‌هایی است که خداوند متعال برای تبلیغ دین در اختیار روحانیون قرار داده است و باید

پشناسد و بداند که کدام خلا را باید پر کند و چه دردی را علاج کند. خامنه‌ای مبلغین اسلامی را از طرح مسایل مورد اختلاف در حکومت برحذر داشت و این مسایل را مسائلی کوچک و بی‌اهمیت نامید و گفت: امواج تبلیغاتی دشمنان اسلام با شیوه‌های روانشناسانه، خط اختلاف، ایجاد تشنج و درگیری میان آحاد مردم و بزرگ‌نمایی مسایل کوچک را دنبال می‌کنند، در این میان، در منابر عمومی تنها باید دین و اخلاق تبیین شود و به هیچ وجه مسایل مورد اختلاف مطرح و مورد بحث قرار نگردد.

## مسابقات چهارجانبه فوتبال در تهران

### یک پیروزی و یک شکست برای تیم ملی فوتبال



دیده است، دفاع می‌کرد. محمد خاک‌پور، جواد زرینچه، مهدی پاشازاده و نادر محمدخانی در خط دفاعی بازی می‌کردند و حمید استیلی، مهرداد میناوند، سیروس دین‌محمدی و نسیم سعادت‌پور چهار هافبک ما را تشکیل می‌دادند. مهدی مهدوی کیا (محمد رضا منصوریان) و علی لطیفی (علی‌رضا امامی‌فر) مهاجمین ایران در این مسابقه بودند.

دیدار نهبی را دو تیم مجارستان و مقدونیه برگزار کردند که تیم مجارستان در ضربات پنالتی با نتیجه ۴ به ۲ پیروزی رسید. مقدونیه در اولین مسابقه خود جامائیکا را ۲ بر ۱ شکست داده بود. در این مسابقات تیم ملی ایران از دو بازیکن پسر ارزش خود علی دایبی و کریم باقری همچنان محروم بود. سربازی تیم آرمینا بیلند آلمان که دایبی و باقری در آن بازی می‌کنند، مانع حضور این بازیکنان در ایران شد. او از دایبی و باقری خواسته است که به او تعهد کتبی بدهند در بازی‌های تدارکاتی ایران شرکت نخواهند کرد و هر دو ملی پوش ایران از سپرده چنین تعهدنامه‌ای خودداری کرده و توسط مربی تیم تنبیه شده‌اند. با پایان مسابقات تهران، تیم ایران در سرورج اردو زد و تمرینات خود را در مجموعه ورزشی این شهر آغاز کرد. برای

تیم ملی فوتبال ایران در مسابقات چهار جانبه تهران که با شرکت تیم‌های ملی ایران، مجارستان، مقدونیه و جامائیکا برگزار شد، با یک شکست و یک پیروزی به مقام سوم رسید.

تیم ایران در نخستین مسابقه خود در روز دوشنبه ۳۱ فروردین در استادیوم آزادی تهران با نتیجه دو بر صفر مغلوب تیم ملی مجارستان شد. در این مسابقه تیم ایران چهره موفق‌تری داشت و توپ و بازی بیشتر در اختیار ایران بود. هر دو گل مجارستان بر اثر اشتباه دفاع و تعلق دروازه‌بان ایران به ثمر رسید و ایران را با یک شکست تلخ مواجه کرد. در این مسابقه تیم ملی ایران با آرایش زیر بازی کرد: عابد زاده، پیروانی، پاشازاده، ناصر محمدخانی، خاک‌پور، منصوریان (مهدوی کیا)، استیلی، دین‌محمدی، میناوند، لطیفی (امامی‌فر) و عزیز (اکبر پور)

تیم ملی ایران در دومین مسابقه خود در برابر تیم ملی جامائیکا با نتیجه یک بر صفر پیروزی رسید. تنها گل این مسابقه را محمد خاک‌پور در دقیقه ۵۵ مسابقه از روی نقطه پنالتی به ثمر رساند. تیم ایران با این مسابقه ترکیب دفاعی خود را دگرگون کرد. از دروازه ایران پرویز برومند به جای عابدزاده که گفته شده صدمه

## هم تغییر قاضی القضاات هم دگرگونی نظام قضایی

قوه قضائیه در جمهوری اسلامی از دیرباز به عنوان ابزار و پوشش حقوقی سرکوب مخالفان عمل کرده است. سازمان‌دهی قوه قضائیه، دادستانی‌ها و دادگاه‌های انقلاب نیز بر این اساس صورت گرفت. از سوی دیگر به دلیل امکانات حقوق و اجرایی این قوه، با بالا گرفتن کشمکش‌های جناحی، قوه قضائیه به مثابه یک اهرم مهم مورد توجه قرار گرفت و به کانون جنگ و جدال‌ها تبدیل شد. رئیس قوه قضائیه مستقیماً توسط ولی فقیه انتخاب می‌شود و این قوه از کانون‌ها و اهرم‌های اعمال قدرت ولی فقیه، فقه سنتی و پیروان این جناح در حکومت محسوب می‌شود.

با گسترش شعار قانون‌گرایی که ظاهراً جلوگیری از باسندهای فشار حزب‌الله را مد نظر دارد، بر زمینه قوانین موجود، نقش قوه قضائیه به عنوان اهرم اعمال فشار قانونی افزایش یافت. خواست برکناری یزیدی رئیس قوه قضائیه از سوی نیروهای اصلاح‌طلب اسلامی مطرح شد و عمومیت یافت. یزیدی به خاطر عملکرد آشکارا جانبدارانه‌اش در موقیعت ضعیفی قرار گرفت. موضوع وجود شکنجه در دستگاه قضایی و نه هنوز در دستگاه مخوف امنیتی رژیم، زمانی که دامن شهرداران جناح اصلاح‌طلب حکومت را نیز گرفت به تشریحات راه یافت و یزیدی در این زمینه مورد سؤال قرار گرفت. شیخ یزیدی در چنان موقیعتی قرار گرفت که پیش از صدور حکم دستگیری کرباسچی، شایعه برکناری وی پخش شد. یزیدی و حامیانش کوشیدند با دستگیری کرباسچی به ضد حمله دست زنند.

تظاهرات دانشجویان و احتمال بروز یک حرکت بزرگ اعتراضی آن‌ها را به عقب‌نشینی واداشت. یزیدی اینک در موقیعت ضعیف‌تری قرار دارد. برکناری او قطعاً گامی به پیش است. برکناری یزیدی نه فقط از جنبه تضعیف اهرم‌های تحت‌اختیار ولایت فقیه بلکه حتی اگر تغییرات در حد تغییرات از فلاحیان به درنیجف‌آبادی باشد، می‌تواند در راستای تضعیف پایه‌های نظام قضایی جمهوری اسلامی مفید باشد. اما در عرصه قضایی توجه به یک نکته ضروری است و اینکه هرگونه تغییر در این ساختار، مستقیماً با بنیان فکر بینادگرایی اسلامی و شریعت به مثابه پایه حقوقی سیستم قضایی کشور در تلاقی قرار می‌گیرد.

هیچ تغییر جدی در وضعیت زنان، قوانین جزایی کشور، به ویژه در مورد مجازات‌های اسلامی همچون سنگسار و غیره پدید نخواهد آمد مگر آنکه قوانین عرفی و متکی بر حقوق مدنی جایگزین شریعت و احکام اسلامی شود. این امر متضمن پذیرفتن اصل جدایی دین از مبانی قوانین حقوقی و قضایی است هیچ یک از دولتمردان جمهوری اسلامی در چنین موضعی نیستند.

اتفاقی نیست که یک «مهره کلیدی» کابینه خاتمی و آن هم وزیر فرهنگ‌اش زمانی که موضوع دفاع از یک حکم اسلامی مطرح می‌شود چنین کمیتش لنگ می‌شود و به دفاع از حکم سنگسار می‌پردازد. مهاجرانی در پاسخ به سؤال روزنامه فردا در باره عدم دفاع از حکم اسلامی سنگسار در مصاحبه خود در پاریس گفت: «تردیدی نیست که همه باید از احکام اسلامی دفاع کنیم... مثلاً در مورد حکم سنگسار آیه قرآن وجود دارد که باید برای سنگسار طایفه‌ای از مؤمنان شهادت بدهند. در این زمینه این بحث وجود دارد که آیا سنگسار در یک میدان باز انجام شود و یا طایفه‌ای از مؤمنان می‌توانند عده‌ای محدود در فضای محدود باشند... ما باید مصلحت کشور را در یک فضای باز تبلیغات جهانی در نظر بگیریم که اگر فیلمی از سنگسار در تلویزیون‌های دنیا نشان داده شد به مصلحت ماست و اگر به مصلحت نیست می‌توانیم همان شهادت طایفه‌ای محدود از مؤمنان را در نظر گرفته و حکم را اجرا کنیم و از آسیب‌های تبلیغاتی آن نیز در امان بمانیم.» (روزنامه رسالت ۱۸ فروردین).

خواست برکناری شیخ محمد یزیدی از قوه قضائیه می‌تواند در عرصه سیاسی در تعادل قوا به نفع «اصلاح‌طلبان» مفید بوده و در خدمت اهداف و امیال مردم قرار گیرد. اما در عرصه قضایی موضوع اصلی و ضرورت روز، تغییر ساختار و مبنای حقوق آن است نه فقط تغییر قاری یک متن پوسیده و ارتجاعی. آیا قرائت آقای مهاجرانی از آن احکام می‌تواند مورد تأیید هیچ انسان شرافتمند و پیشرو قرار گیرد؟ این خواست که قوانین عرفی متکی بر حقوق مدنی باید جایگزین احکام شریعت شود را نباید اپوزیسیون لائیک و دموکرات یک لحظه بر زمین بگذارد و از آن غفلت کند.

## موج را نمی‌توان مهار کرد!

تصویب قانونی در مجلس، که با اضافه کردن بندی به قانون مطبوعات، دفاع از حقوق زنان را ممنوع می‌کند، سد کردن موجی را هدف گرفته است که با نابرابری حقوقی دو جنس به مبارزه برخاسته است. موجی که از نظر اجتماعی، نمونه رفتاری ارائه شده از طرف متحجرین را رد می‌کند. این موج، زن را انسانی می‌نگرد که حق تجربه دارد، می‌اندیشد و خود تصمیم می‌گیرد و الگوی ساخته و پرداخته شرعی از زن، به عنوان همسری با گردن کج در انتظار نطق شوهر را، به نقد می‌کشد.

این موج، در مبارزه خود، مطبوعات را عرصه مهم بیان خود می‌داند. متحجرین با تصویب این قانون و با تهدید مطبوعات، می‌خواهند این موج را مهار کنند. می‌گویند استفاده ابزاری از زن ممنوع. عجیب که این حرف توسط کسانی گفته می‌شود که خود، زن را تنها یک ابزار جنسی می‌دانند، قانون و مقررات محروم برای او تعیین می‌کنند، مرز رفتاری برای او می‌گذارند و حد شرعی شلاق و سنگسار بر او اجرا می‌کنند و تمامی رفتار او را از دریچه ابزار جنسی محک می‌زنند.

در حقیقت سخن، خلاف آن که قانون اخیر می‌گوید، نه بر سر تضاد بین زن و مرد، بلکه ناسازگاری و تضاد بین رژیم مبتنی بر شرع و خواست‌های مدنی یک جامعه در سال‌های پایانی قرن بیستم است. تضاد بین قوانین شرعی ضد زن و قوانین انسانی است. تضاد بین ناهنجاری‌هایی که به عنوان نرم از طرف حکومت ارائه می‌شود، با هنجارهای یک جامعه متعادل است.

در این رویارویی، حاکمیت به طور معمول ابزار سرکوب را برگزیده است و می‌خواهد کسانی را که از این قانون مطبوعات سر باز زنند، به دادگاه‌ها فراخواند و نشریات را سانسور کند و تعطیل نماید. این خود نشان می‌دهد که چگونه مبارزه برای دموکراسی و معیار برای حقوق زنان در هم تنیده‌اند. نمی‌شود از مسایل و خواست‌های زنان دفاع نکرد و ادعای دفاع از دموکراسی و جامعه مدنی را داشت.

## فیتیه را پایین بکشید!

آیت‌الله صادق احسان‌بخش امام جمعه شهر رشت، در نماز جمعه روز جمعه ۱۴ فروردین این شهر، روند رو به افزایش تبلیغ فوتبال در رسانه‌های ارتباط جمعی و به ویژه صدا و سیما را برای تسلسل جوان کشور خط‌ناک خوانده و تأکید کرد: وقت آن رسیده است که فیتیه فوتبال را پایین بیاوریم!

نقل از روزنامه ایران

## محسن رضایی: پرونده الله کرم در سپاه در دست بررسی است

● علیرغم انتقادات و نفرت روزافزون مردم از انصار حزب‌الله، یکی از رهبران آن این هفته در جلسه غیر علنی مجلس سخنرانی کرد

محسن رضایی فرمانده پیشین سپاه پاسداران و دبیر مجمع تشخیص مصلحت رژیم، حسین الله کرم، سردسته چماق‌داران انصار حزب‌الله را مورد انتقاد قرار داد و اقدامات او را «به ضرر انقلاب» خواند. محسن رضایی که در جلسه پرسش و پاسخ دانشجویان دانشگاه علم و صنعت اراک سخن می‌گفت در مورد جایگاه قانونی انصار حزب‌الله گفت: آقای الله کرم ربطی به سپاه ندارد و کارهایی که انجام داده است، اصلاً یک کار شخصی بوده و پرونده این اقدامات در سپاه در دست بررسی است. وی افزود: البته نیات ایشان خیر بوده، ولی متأسفانه شیوه‌های نادرست وی به انقلاب لطمه زده است. حسین الله کرم تاکنون به عنوان یکی از افسران بسیجی شناخته می‌شد و محسن رضایی برای اولین بار «ربط» او با سپاه را تکذیب کرد ولی نگفت اگر او ربطی به سپاه ندارد، چگونه است که برای او در سپاه پرونده تشکیل شده است. محسن رضایی گفت چطور یک نفر توانسته است با «کار شخصی» یک دار و دسته متخلف و مسایل گسترده چماق‌داری به راه بیاورد و هیچ نیرویی را نیز

## علیرغم لغو تظاهرات اعتراضی توسط دولت چندین هزار نفر در تهران

در اعتراض به قوه قضائیه تظاهرات کردند



علیرغم درخواست دولت برای لغو تظاهرات روز سه‌شنبه ۲۵ فروردین و اطلاعیه دفتر تحکیم وحدت در مورد تعویق این تظاهرات، حدود دو تا چهار هزار نفر در برابر دانشگاه تهران گرد آمدند و به بازداشت می‌کردند، اتومبیل‌ها را متوقف می‌ساختند و به دنبال شکار تظاهرکنندگان به هر سو هجوم می‌آوردند. گروه زیادی از نیروهای انتظامی با تجهیزات کامل، کلاهخود و باتوم در محل تظاهرات حضور داشتند، اما تنها ناظر تاخت و تاز حزب‌الله بودند و هر جا که کار به درگیری تظاهرکنندگان با اوباش می‌رسید، به دستگیری دانشجویان اقدام می‌کردند. در اطراف دانشگاه حاضر شده بودند، قرار گرفت، اوباش علیه شهردار تهران شعار می‌دادند و به ضرب و شتم تظاهرکنندگان

## از آن سال‌ها

از ۲۷ فروردین تا ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸

### سنجایی دلایل استعفای خود را فاش کرد

کمیسیون

حکومت‌هایی که در داخل حکومت بوجود آمده، ایجاد نکرانی کنند  
موضوع آیت‌الله طالقانی شکی نیست  
پوده بی‌دولت و مملکت‌وارند

دو روز پس از استعفای خود از سمت رهبری، آیت‌الله طالقانی در جلسه‌ای با حضور اعضای هیئت‌مدیره و مدیران ارشد، دلایل استعفای خود را فاش کرد.

تحصن ۲۷ ساعته دانشجویان پیشگام در دادگستری به دعوت سازمان دانشجویان پیشگام، حدود هزار نفر به مدت ۲۷ ساعت در کاخ دادگستری متحصن شدند. این عده از ساعت ۱۱ صبح پنجشنبه دست به تحصن زده بودند، ساعت ۲ بعد از ظهر روز جمعه تحصن خود را شکستند. در اطلاعیه دعوت به تحصن سازمان دانشجویان پیشگام علت تحصن: «اعتراض به پامال شدن آزادی و حقوق دموکراتیک خلق ایران، محکوم کردن اقدامات غیردموکراتیک عوامل مرتجع و وابسته: حمله به کارگران مستحسن قتل آنان، بیرون کردن روستاییان ارومیه از روستاهایشان، دستگیری و شکنجه محدود اخوان فدایی خلق، حمله و تصرف ستاد فداییان خلق در آبادان، حمله و تصرف دفاتر سیاسی سازمان‌های انقلابی، حمله به دفاتر روزنامه‌ها و بازداشت و مجروح ساختن روزنامه‌فروشان و...» اعلام شده بود. پس از سخنرانی سلطانپور، نمایشنامه «عباس آقا کارگر کارخانه ایران ناسیونال» بوسیله دسته دوره گردان نمایش هستند. به نمایش درآمد ولی به دلیل همه‌همه و اعتراض گروهی که در اطراف کاخ دادگستری شعار می‌دادند، فقط دو قسمت از سه قسمت نمایش به اجرا درآمد. سپس احمد شاملو همراه غلامحسین ساعدی، محسن یلفانی، اسماعیل خوبی، و چند تن دیگر از اعضای کانون نویسندگان ایران به جمع متحصنان پیوستند. احمد شاملو در سخنرانی خود با اشاره به مسایل روز، همبستگی خود و همراهانش را به متحصنین اعلام کرد. پس از سخنرانی احمد شاملو، یکی از متحصنان، قطعه‌نامه اجتماع‌کنندگان در کاخ دادگستری را قرائت کرد. در این قطعه‌نامه به بازداشت مبارزین، واقعه نرده، رسیدگی به اعلام جرم اعضای دستگیر شده سازمان فداییان خلق و محدودیت آزادی کارگران اشاره شده است.

کیهان ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸

در اجتماعی که به دعوت شورای هماهنگی برگزاری جشن اول مه تشکیل شد راهپیمایان خانه کارگر خواستار ملی شدن سرمایه‌های خارجی شدند گروه‌هایی از کارگران و راهپیمایی که از اولین ساعات صبح روز گذشته در مقابل خانه کارگر اجتماع کرده بودند در ساعت ۹ صبح به راهپیمایی کردند و از مسیر خیابان جمهوری (شاه سابق) وارد فردوسی شده و در ساعت ۱۲ و ۳۰ دقیقه نزدیک میدان سپه پس از خواندن قطعه‌نامه راهپیمایی خود را خاتمه دادند. در مسیر راهپیمایی عده‌ای با دادن شعارهای مذهبی به آنان نزدیک شدند و چند بار درگیری‌های مختصری روی داد که سپس به آرامش منجر شد. قبلاً اعلام شده بود که شورای هماهنگی برگزاری جشن اول ماه مه متشکل از سندیکاهای کارگران ایران متشکل از چند سندیکای کارگری، سندیکای مشترک صنعت نفت هیات مؤسس کارگران پیکار و اخراجی، کانون مستقل معلمان، سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران، انجمن دانش‌آموزان پیشگام، دانشجویان پیشگام، جبهه دموکراتیک ملی ایران، جمعیت زنان مبارز، انجمن‌های زن، اتحاد ملی زنان، اتحادیه انقلابی زنان مبارز و چندین گروه و سازمان دیگر راهپیمایی خود را از خانه کارگر شروع خواهند کرد. این سازمان‌ها از کلیه کارگران و نیروهای مترقی برای شرکت در این راهپیمایی دعوت کرده بودند.

کیهان ۱۱ اردیبهشت ۱۳۵۸

### جزئیات تازه‌ای درباره گروه مخفی «فرقان» که مسئولیت ترور را بعهده گرفته است

گروه مخفی «فرقان» که مسئولیت ترور را بعهده گرفته است

جزئیات ترور مرتضی مطهری عضو شورای انقلاب احزاب و سازمان‌های سیاسی: هدف ترور ایجاد اختناق است.

یادبود دوزن فدایی شهید مرضیه احمدی اسکویی شهید شیرین فضیلت‌کلام



فردا ششم اردیبهشت، چهارمین سالگرد شهادت دوزن شهید از سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران است. به همین مناسبت مراسمی از ساعت ۳ و ۳۰ دقیقه بعد از ظهر در قطعه ۳۳ بهشت‌زهر برگزار می‌شود.

## برای آزادی خود...

طور مستمر ادامه یابد. این سیاست باید در سطحی گسترده مورد پشتیبانی قرار گیرد، تبلیغ گردد و توضیح داده شود. به همان اندازه که بتوانیم توده‌های مردم، جوانان، زنان، روشنفکران، دانشجویان و کارگران را بیشتر با ضرورت فعالیت آزادانه احزاب در ایران آشنا و به ضرورت مبارزه برای آن متقاعد سازیم، و به همان اندازه که بیشتر بتوانیم این مطالبه را به طور جدی‌تری در برابر دولت آقای خاتمی و

## حزب‌الله علیه رفسنجانی...

می‌شود همه جا را فساد گرفته، ریشه خارجی دارد و می‌بینیم که خارجی‌ها برای دور کردن قشر جوان، از این موضوع خیلی استقبال کردند تا بگویند در سایه حکومت دینی و ولایت، فساد رشد پیدا می‌کند. رفسنجانی توضیح نداد آیا مقفود شدن یک میلیارد و دوست میلیون تومان در وزارت ارشاد در دوران میرسلیم، که خبر آن را اخیراً مهاجرانی فاش کرد، توطئه اپوزیسیون بوده یا صحت دارد؟ انصار حزب‌الله، رفسنجانی را در گسترش فساد مالی شریک می‌دانند و تهدید کرده‌اند پرونده سوءاستفاده‌های مالی وی و خانواده‌اش را فاش خواهند ساخت. پیش از تهاجم حزب‌الله، رسولی نژاد نماینده فیروز کوه در مجلس شورای اسلامی، اعلام کرده بود پرونده خاندان رفسنجانی در زمینه فساد مالی را منتشر خواهد کرد. حمله به رفسنجانی واکنش تند گروه کارگزاران و انتلاف گروه‌های خط امام و حتی برخی

ادامه از صفحه اول گفت: جریان تمامیت خواه امروز با تمام قوا استراتژی رعب و وحشت را در پیش گرفته است تا به این هدف برسد. وی در تشریح این اهداف گفت: جناح راست می‌خواهد با بهره‌گیری از عوامل مزدور خود فضایی ایجاد کند تا در برابر حق قانونی اعتراض که از لوازم جامعه مدنی است، چنین وانمود شود که فضای عمومی کشور گنجایش هیچ ابراز اعتراضی را ندارد و از همین رو وزارت کشور در اعطای مجوز برای گروه‌ها محدود شود. وی افزود: جریان راست سنتی پس از بازداشت شهردار تهران در پی ایجاد بحران‌های جدی دیگری است. اعضای دفتر تحکیم وحدت در پایان اعلام کردند همزمان با دوم خرداد در حمایت از آقای خاتمی همایش بزرگی بر پا خواهند کرد. نشست ماهانه انجمن‌های اسلامی در روزهای پنجشنبه و جمعه ۲۷ و ۲۸ فروردین ماه در دانشکده علم و صنعت تهران برگزار شد و به گفته دفتر تحکیم وحدت نمایندگان انجمن‌های اسلامی بیش از ۵۰ دانشگاه و مؤسسه آموزش عالی در آن شرکت داشتند.

### با «کار» تماس بگیرد پیام‌ها و خبرهای خود را بر پیام‌گیر «کار» بگذارد!

«کار» برای تسهیل ارتباط خوانندگان خود با دفتر نشریه، شماره تلفن ویژه‌ای را تهیه دیده است. از این پس می‌توان از طریق شماره تلفن ۹۳۲۲۳۶ - ۲۲۱ - ۴۹۹ هر زمان با دفتر نشریه «کار» تماس گرفت و انتقادات، پیشنهادات و پیام‌ها را در دستگاه پیام‌گیر ضبط کرد. در هر نوبت تماس می‌توان پیامی حداکثر به مدت ۳ دقیقه بر روی دستگاه گذارد. با ما تماس بگیرد و خبرها و پیام‌های خود را به اطلاع ما برسانید. شماره تلفن: تماس با دفتر نشریه «کار» را به دوستان و آشنایان خود نیز اطلاع دهید!

## اطلاعیه

### در محکومیت تعرض به جلسات سخنرانی

در چند هفته گذشته، وابستگان به برخی از سازمان‌های اپوزیسیون در خارج از کشور، ضمن تعرض به جلسات سخنرانی‌های دکتر سروش در هامبورگ و اخیراً عباس معروفی و دکتر مهاجرانی در فرانسه و سوئد، با دادن شعارهایی علیه جمهوری اسلامی و حمله شخصی به سخنرانان، کوشیده‌اند از برگزاری چنین جلساتی جلوگیری کنند. این افراد، حرکات خشونت‌آمیز خود را به عنوان اقدامی انشاگراانه علیه سرکوب دگراندیشان در ایران توجیه می‌نمایند.

متأسفانه این اقدامات که به نام اپوزیسیون رژیم صورت می‌گیرد، لاقدر در شکل ظاهر با حملاتی که اویاش و عناصر سرکوبگر همین نظام، به نام انصار حزب‌الله در داخل کشور، علیه سخنرانی دگراندیشان و آزادی‌خواهان انجام می‌دهند، تفاوتی ندارد. صرف تعلق به اپوزیسیون یک رژیم جابجایی و سرکوبگر، مشروعیتی برای این گونه حرکات اعتراضی آزادی سستیزانه نمی‌آورد، نمی‌توان و نباید با شیوه‌های خشونت‌آمیز و غیر انسانی، برای تحقق اهداف انسانی مبارزه نمود.

اپوزیسیون دموکرات و آزادی‌خواه ایران، هم‌راه و هم‌صدا با همه آزادی‌خواهان ایران که برای تحقق جامعه مدنی و برقراری دموکراسی در ایران مبارزه می‌کنند، این شیوه‌ها را شدیداً محکوم نموده و آن را به نفع طرف‌داران سیاست خشونت و سرکوب و مضر به حال آزادی، مدارا و تساهل می‌داند.

به عقیده ما چنین اقداماتی، بر مخالفت مشروع و برحق نیروهای آزادی‌خواه و دموکرات ایران، علیه سیاست‌های خشونت‌آمیز نظام حاکم سایه می‌افکند و دست آن را برای تداوم سیاست‌های سرکوب‌گراانه بازتر می‌گذارد.

دفتر همکاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
سازمان جمهوری خواهان ملی ایران  
حزب دموکراتیک مردم ایران  
۱۵ فروردین ۱۳۷۷

## قرار هیئت سیاسی - اجرائی

### شورای مرکزی

### سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

هیئت سیاسی - اجرائی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در جلسه روزهای ۱۸ و ۱۹ آوریل خود، در مورد حمله به سخنرانی‌ها، مواضع خود را به شرح زیر اعلام کرد:

- هیئت سیاسی - اجرائی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) هر گونه حمله و ضرب و شتم مخالفین رژیم را از سوی هر نیرویی که انجام گیرد، قاطعانه محکوم می‌کند.
- هیئت سیاسی - اجرائی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) افشای سیاست‌های ضد دموکراتیک جمهوری اسلامی را در هر فرصت و از جمله به هنگام سفر نمایندگان حکومت به خارج از کشور، وظیفه حمله و همه نیروهای دموکرات می‌شمارد.
- هیئت سیاسی - اجرائی شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) برخورد خشونت‌آمیز و ایجاد درگیری بین نیروهای اپوزیسیون با نمایندگان جمهوری اسلامی در خارج از کشور را تایید نمی‌کند و به سود جنبش دموکراسی در کشور نمی‌شمارد.

### به دنبال گسترش فشارها

## خامنیه‌ای دستور آزادی کرباسچی را داد

کرباسچی شهردار تهران بعد از یازده روز از زندان آزاد شد و به شهرداری بازگشت. بدون شک در آزادی او مردم نقش اصلی را بر عهده داشتند. آنان با اعلام آمادگی برای برپایی تظاهرات وسیع بار دیگر انتخاب خود را بر رهبری جمهوری اسلامی تحمیل کردند و توطئه جناح رسالت و خامنه‌ای را به شکست کشاندند.

رهبران جمهوری اسلامی اگرچه هر یک به شکلی منابع حضور مردم در خیابان‌ها شدند اما می‌دانستند که شمارش معکوس لحظه‌ها آغاز شده و تأخیر در حل بحران تعادل حکومت را بیشتر برهم خواهد زد و به عصیان مردم منجر خواهد شد. بر اساس گزارش‌های رسیده اگر تظاهراتی که قرار بود در

## دفاع از حقوق زنان ممنوع شد.

ادامه از صفحه اول  
از حقوق آن، توسط مطبوعات، خلاف قانون مطبوعات شناخته می‌شود. در ماه گذشته نشریه «فکور» به دلیل چاپ عکس زانی که با کلبتون رابطه داشته‌اند، مورد تهاجم شدید قرار گرفت. نشریه

## پایان تعطیلات برای خاتمی هم فرا می‌رسد

نامه زیر، نامه‌ای است خطاب به رئیس جمهور که در یکی از روزنامه‌های تهران به چاپ رسیده و بیانگر انتظاراتی است که مردم از آقای خاتمی دارند. جناب آقای خاتمی رئیس جمهور محترم و منتخب: سلام. قسرت سنی اینجانب با حضرت تعالی مرا بر آن داشت که اینسین یساده‌اش را بسنویسم.

می‌خواهم از گذشته حرف بزنم از دوران کودکی و نوجوانی، و فکر می‌کنم این مطلب خاطراتی را در ذهن شما هم تکرار و تجدید کند. خاطراتی که ۱۲ بار در دوران دبستان و دبیرستان برآیم تکرار شده، و شما هم حتماً چیزهایی از آن را به خاطر دارید. هفته آخر اسفندماه را به خاطر بیاورید، از اول هفته سفارشات معلمان شروع می‌شد و تا پایان هفته که ابتدای تعطیلات نوروزی بود ادامه می‌یافت و ما در پایان هفته آخر اسفند ماه بسا یک صورت حساب، که تعداد مسائل ریاضی، و تعداد صفحات خط ز روی سرمشق «آدم مرد به ز دولت اوست» و آتشای فصل بهار را تعریف کنید، ... به تعطیلات نوروزی می‌رفتم.

و سرانجام روز چهاردهم فروردین فرا می‌رسید بی آنکه بسیاری از مشق‌هایم را تمام کرده باشم و تازنگ آخر مدرسه هفتاد و هفت دلیل محکمه‌پسند برای معلمان خود، که تکالیف را مطالبه می‌کردند، سر هم می‌کردیم، و بقیه قضایا که شما هم می‌دانید و یا دیده‌اید و یا با بصورت دریافته‌اید.

من ۱۲ سال دبستان و دبیرستان و بعد هم دانشکده را گذراندم و وارد بازار کار شدم، برای آنکه کار می‌کردم، روشم همین بود، یعنی درست در لحظه‌ای که نزدیک بود وقت بگذرد و همه چیز خراب شود، کار ادامه می‌یافت. و ذکر می‌کردم که من تنها هستم که تحت تأثیر آموزگاران و مربیان دلسوز و کارآموزده، به این رمز عظمی دست یافته‌ام ولی بعداً دیدم که فوتبالیست‌های ما هم در دقایق پایانی مسابقه به تلاش و تکاپو می‌افتند و گل می‌زنند، و اصولاً دقیقه نود نام دیگر رمز عظمی من است.

یچشید جناب آقای خاتمی عزیز، ۴۹ روز دیگر یکساله

می‌شوید، یعنی ۲۵ درصد عمرتان (منظور عمر ریاست جمهوری‌تان است) گذشت، سعدی می‌گوید ای که پنجاه رفت و در خوابی (البته خودش در آن چند روزه‌ای که دریافت کاری کرد که مرجع ادب، عرفان، تربیت و کمال شد) با ۷۵ درصد باقیمانده می‌خواهید چه کار کنید؟

جناب آقای خاتمی عزیز، مواعیدتان را برای نسل جوان به خاطر بیاورید، نسل جوان امروزه بیش از هر زمانی نیاز به کار دارد چون مادر تمام مفسده‌ها، بیکاری است، اگر قرار است نسل جوان را به خاک الک کردن وادارید، این کار را بکنید که ضرر و مفسده بیکاری بیشتر از تاوان مزد خاک الک کردن بی‌حاصل است.

جناب آقای خاتمی عزیز، اگر قرار است نظام حقوق و دستمزد کارمند و کارگر را تغییر دهید هر چه زودتر این کار را بکنید، چون پایه صندلی حکومت شما بر شانه همین زحمتکشان قرار دارد. و در بسیاری موانع به هنگام اجرای قوانین همین‌ها هستند که به نیابت از شما به قضاوت می‌نشینند و اگر قاضی سیر نباشد. وای بر حال جامعه قاضی جوبه‌رشوت‌بخوردن‌پنج‌خیار نصاب‌کنندگان‌زیربزه‌خیزه‌را تورم ناشی از افزایش حقوق و دستمزد کارگر و کارمند و عوارض و پدیده‌های جانبی آن به مراتب بهتر و گوارتر است از مناسد ارتشا و از بین رفتن قیج گناه شود.

جناب آقای خاتمی عزیز: ۲۰ سال از عمر جمهوری اسلامی می‌گذرد و آحاد مردم این جامعه هر یک به نیتی مصائبی را که بر آن گذشته تحمل کرده‌اند، برای روزی که بهتر شود، و در دوم خرداد ماه سال گذشته، این صیوریه‌ها برای بهبود جامعه، در انتخاب حضرت تعالی برای مقام ریاست جمهوری متبلور شد، وای به روزی که این امید ناامید شود، آن وقت است که به مصداق ناامید شیطان است، خطر پیوند با شیطان در راه و مظلمه عواقب آن بر گردن شما خواهد افتاد.

جناب آقای خاتمی عزیز: ملتی که ۲۰ سال صیوری به خرج داد، توقعش از شما برای اصلاحات اجتماعی معادل ۲۰ سال است، و جنابعالی در این سه

## مجلس طرح جدایی جنسی خدمات پزشکی را تصویب کرد

پشتیبان خاتمی به آن رای ندادند ولی علیرغم مخالفت این نمایندگان طرح به تصویب رسید. مرضیه صدیقی نماینده مجلس از تهران و از جناح رسالت در گفتگو با بخش فارسی بی‌بی‌سی در باره ضرورت تصویب چنین طرحی گفت که بعد از ۲۰ سال در مراکز درمانی، در آزمایشگاه‌ها، سالن‌های جراحی، پزشکان پرستاران، بسماران مرد و زن شنوات اسلامی را رعایت نمی‌کنند و این خواست رهبر بود که ما قانون

بر اساس طرحی که هفته گذشته در مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید دولت موظف است درمان بیماران توسط پزشکان هم‌جنس را اجرا کند. طبق این طرح در بیمارستان‌ها و مراکز پزشکی دولتی و خصوصی زنان و مردان باید توسط پزشکان هم‌جنس خود معاینه، معالجه و جراحی شوند. حتی جنابجایی بیماران نیز باید توسط کارکنان هم‌جنس صورت گیرد.

این طرح در کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی مجلس رد شده بود و در جلسه رای‌گیری، نمایندگان در طی مصاحبه‌ای تصویب این طرح را بر برخوردی سیاسی از سوی نمایندگان مجلس دانست و گفت: «تمام مسائل موجود در این طرح در قانون مطبوعات ذکر شده‌است و نیازی نبود که این قانون تصویب شود.» قانون جدید را روزنامه‌نگاران به عنوان اینزاری برای اعمال فشار می‌دانند تا از این پس روزنامه و

دست‌آوردی دشمن را علیه مطبوعات تیز کنند؟ از همه مهم‌تر، مشکل «ایجاد تضاد» بین زن و مرد از طریق دفاع خارج از موازین شرعی و قانونی آن است که ممنوع اعلام شده‌است. این تضاد را چه کسی ایجاد کرده‌است؟ قانون یا کسانی که این قانون را به اطلاع مردم می‌رسانند؟

نشریه‌ای به خود اجازه ندهد وارد مسائلی شود که امکان ابطال مجوز انتشار را به همراه داشته باشد. شیرین عبادی حقوق‌دان در مصاحبه‌ای با نشریه «جامعه» پیرامون این طرح گفت: «در این شرایط اجتماعی و سیاسی چه ضرورتی ایجاد می‌کرد که قانون مطبوعات را اصلاح کنند و بسا چنین

## خبرهای کوتاه

### تشکیل کمیته دفاع از موسویان

جمعی از اعضای خانواده، بستگان و دوستان ابوالفضل موسویان، روزنامه‌نگار دربند، ستادی برای دفاع از حقوق وی تشکیل داده‌اند. این ستاد وظیفه خود را دفاع از حقوق قانونی موسویان و اطلاع‌رسانی در باره وضعیت او اعلام کرده است. موسویان، سردبیر فصلنامه مفید، از شانزدهم دی ماه سال گذشته در زندان است. پرونده این روزنامه‌نگار را به دادسرای ویژه فرستاده‌اند و او این دادسرا را غیر قانونی می‌شمارد و به همین دلیل ماه پیش از رفتن به مرخصی و دیدار با خانواده خود نیز امتناع کرد.

### وزارت فرهنگ و چاپ روزنامه‌ها

معاونت امور مطبوعاتی و تبلیغاتی وزارت فرهنگ و ارشاد با صدور بیانیهای دخالت نیروهای انتظامی در کار چاپ روزنامه‌های ایران، همشهری و جامعه را محکوم کرد. بخشی از متن بیانیه به این شرح است: وزارت فرهنگ و ارشاد دخالت سه‌شنبه شب نیروهای انتظامی در کار لیستوگرافی و چاپ روزنامه‌های ایران، همشهری و جامعه را محکوم می‌کند و آن را اقدامی غیرقانونی می‌داند. به موجب ماده ۴ قانون مطبوعات مصوب سال ۱۳۶۴ مجلس هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله‌ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند. این در حالی است که عوامل نیروی انتظامی صفحات روزنامه‌های ایران و همشهری را به دقت کنترل کرده و پشترانه این اقدام غیرقانونی خود را نیز حکم یکی از شعب دادگستری تهران قرار داده بودند. طبق اصل ۲۴ قانون اساسی نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به «مبانی اسلام» یا «حقوق عمومی» باشند.

### اجرای یک کنسرت بی‌سر و صدا!

محمدرضا شجریان در ایام نوروز اسماال در شهر اصفهان به اجرای یک برنامه موسیقی پرداخته‌است که این برنامه بدون اعلام قبلی و بدون سر و صدا در مطبوعات و رسانه‌های گروهی انجام شده‌است. شجریان بعد از ماجرای برهم خوردن کنسرت وی در بهار ۷۵ تاکنون موفق به اجرای کنسرتی در داخل کشور نشده بود و تلاش‌های وی برای اجرای برنامه‌های به‌نفع زلزله‌زدگان خراسان در ورزشگاه ۱۲هزار نفری آزادی نیز پس از گذشت یک سال با سکوت مسئولان مربوطه روبرو شد.

### مسافرت در روز عید غدیر...

به گزارش روابط عمومی وزارت تعاون احمدرضا عامری مدیرکل اتحادیه شرکت‌های مسافری کشور گفت: افرادی که نامشان علی است می‌توانند با مراجعه به یکی از شرکت‌های تعاونی مسافری و با ارائه‌ی کارت شناسایی خود بلیت رایگان برای مسافرت در روز عید غدیر به نقاط مختلف کشور دریافت کنند. این در شرایطی است که نرخ حمل و نقل و بهای بلیط مسافرتی داخل و خارج از کشور به‌طور سرسام‌آوری (البته برای آنان هم که نامشان علی است) افزایش یافته است.

### اظهارات نماینده دماوند

نماینده دماوند و فیروزکوه در مجلس ادعایی را به این مضمون مطرح کرده‌است که: اگر هاشمی رفسنجانی از حمایت کارگزاران سازندگی و شهردار تهران دست بردارد، مدارکی دارم که انشاء می‌کنم. البته طبق ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی مصوب دوم خرداد ۱۳۵۷ آمده‌است که: هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکوایه یا مراسلات یا عریض یا گزارش و یا توزیع هرگونه اوراق خطی و چاپی، با امضاء یا بدون امضاء اکاذیبی را اظهار نماید و یا با همان مقاصد اعمالی را بر خلاف حقیقت راسا یا به‌عنوان نقل‌قول به شخص حقیقی یا حقوقی و یا مقامات رسمی، تصریحاً یا تلویحاً نسبت دهد، اعم از این‌که از طریق مزبور به‌نحوی از انجا ضرر مادی و معنوی به غیر وارد شود یا نه، علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان، باید به حبس از دو ماه تا دو سال یا به ۷۴ ضربه شلاق محکوم شود. اگر نماینده دماوند نتواند و یا نخواهد مدارکی را که مدعی است در اختیار دارد، ارائه کند، مستوجب این مجازات خواهد شد!

### بازگشت رضا ژیان به صحنه تئاتر

رضا ژیان، کارگردان و بازیگر قدیمی تئاتر و تلویزیون پس از ۱۷ سال دوباره به صحنه بازگشت. وی که حدود ۳۰ سال در عرصه‌های تئاتر و تلویزیون فعالیت داشته، کار خود را از کارگاه نمایش آغاز کرده است. ژیان تاکنون در عرصه تئاتر در نمایشهای سبزه، مش رحیم و گلدرنه خانم، اتر، اکسیون، ستانه، جان‌نثار، رستم و سهراب و در تلویزیون آثاری چون محله بروییا، مثل آباد و... فعالیت داشته است.

## زنان جایگاهشان را در آزادی خواهند گرفت

عفت ماهیار

این بینیم که هر کدام با اسلحه‌ای در کیف به خیابان برویم یا حتی در روز روشن هم فرزندانمان را برای خرید از خانه بیرون نفرستیم؟»

این نامه نشان از انتظاراتی دارد که زنان بعد از دوم خرداد دارند.

به دنبال این نامه اعتراضی، در ۱۹ مهر ماه، ۵۰ نفر از روزنامه نگاران و نویسندگان زن، که اکثر آنان از وابستگان حکومتی و اسلامی هستند، بیانیه‌ای صادر کردند (۲). در قسمتی از بیانیه زنان روزنامه‌نگار آمده است:

«گویی برخی از مراجع قضایی و مسئولان بر این باورند که خانه یک چهاردیواری است و مرد حاکم مطلق آن و ناپستی هیچ قانون و ضابطه‌ای بر اراده او حاکم باشد. مادامی که چنین تفکری سایه بر اندیشه‌ها، داورها و احکام برخی مراجع قضایی افکنده باشد، و تا زمانی که هیچ حرکت جدی و سازمان یافته برای پیشگیری از چنین فجایعی به وجود نیاید، جامعه ما همچنان شاهد وقوع جنایات هولناک و به آتش کشیده شدن، شکنجه و قتل مهربانان، ام‌النبین‌ها، علی‌ها و آرمین‌ها خواهد بود.»

زنان را موجب شد.

۲۸۵ نفر از فرهنگیان نامه‌ای خطاب به رئیس جمهور نوشتند و از او خواستند که به یاری کودکانی که قربانی خشونت خانگی می‌شوند برخیزند و با اشاره به خواست مادران برای سرپرستی کودکان خود، نوشتند: «خواهشمندیم در مورد سرپرستی کودکانی که والدین آن‌ها از هم جدا شده‌اند، حضانت و سرپرستی آنان به والدی تعلق گیرد که شایستگی سرپرستی آن‌ها را دارا می‌باشد و قوانین قبلی مورد تفسیر قرار گیرند، چرا که این درخواست و نیاز اکثر مردم جامعه است.»

در شب هفت آرمین، خانم ناهید نجیب‌پور مادر آرمین، با انتقاد از قوانین، خطاب به مردمی که در مسجد بودند، به رز سفیدی که در دست داشت اشاره کرد و چنین گفت: اگر قانون به اندازه گل‌برگی این گل، از آرمین حمایت می‌کرد، امروز دختر من زنده بود. زنان در این مراسم خواسته‌های خود را فریاد زدند: «بچه حق مادر است» و «قانون اساسی اصلاح باید گردد».

این اعتراض به بیرون مسجد هم کشیده شد. شیرین عبادی، وکیل مادر آرمین در دادگاه پیرامون این فاجعه گفت: «آقای رئیس دادگاه، آرمین را فقط پدر و برادر و نامادری نکشند، آرمین را قانون هم کشت و قانون در قتل آرمین مقصر و موثر است و شاید جا داشته باشد تقاضای قصاص چنین قانونی را بکنیم که قصاص همانا اصلاح آن است.»

در پی اعتراضات علیه قوانینی که زمینه این جنایات را فراهم می‌آوردند، ظاهراً اصلاحیه‌ای به اصل ۱۱۷۳ قانون اساسی افزوده شد که در واقع برای خواباندن سر و صداهاست، زیرا هیچ راه عملی در پی ندارد. شیرین عبادی می‌گوید: می‌بایست ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی تغییر می‌کرد، شاید تغییر آن می‌توانست کمی درد را چاره سازد.

مهرانگیز کار، وکیل دعوی و روزنامه‌نگار در مورد اصلاحیه ماده ۱۱۷۳ چنین نظر می‌دهد: «اثبات عدم صلاحیت یا انحطاط اخلاقی پدر در بافت مذکور موجود به ندرت میسر می‌شود، به خصوص که قانون مذکور اختیارات زیادی به خصیصه نمی‌دهد تا برای تغییر در وضع حضانت طفل انشای رای کند. قانون‌گذار اختیارات چندانی به قاضی نداده است و در نتیجه مادر پس از سال‌ها دودیدن و فریاد کشیدن، نمی‌تواند عدم صلاحیت پدر را ثابت کند. فقط بر تارکام کار قوه قضاییه می‌افزاید و دست خالی باز می‌گردد تا در بستر تنهایی حق هق گریه را سر دهد.»

### زنان در استادیوم آزادی

از پی‌آمدهای دیگر حرکت زنان پس از دوم خرداد، کوشش آنان برای شرکت در همه عرصه‌های فعالیت‌های جامعه است. حرکت اعتراضی باشکوه زنان در روز استقبال از ورزشکاران عزیز، پس از پیروزی تیم ملی فوتبال ایران و راه‌یابی آن به جام جهانی برجسته‌ترین نمونه این تلاش است. در این روز علیرغم هشدارهای مکرر مسئولین که از زنان دعوت می‌کردند در خانه‌ها نشستند و از طریق تلویزیون مراسم استقبال را نظاره‌گر باشند، زنان آن چه را که خود می‌خواستند عمل کردند. پیش از پنج هزار زن به استادیوم آزادی هجوم آورده، درها را شکستند و در جایگاه تماشاچیان نشستند.

زنان جایگاهشان را در آزادی گرفتند. پیام این حرکت بسیار روشن است: اگر آن چه را که حق خود می‌دانیم، از ما دریغ کنید، آن را به دست خواهیم آورد.

۱۹ سال از انقلاب اسلامی ایران سپری گشت. نوزده سالی که مصیبت، بدبختی، جنگ و کشتار لحظه‌ای مردم ایران را آسوده نگذاشت. زنان ایران در این نوزده سال با حکومتی رویو بوده‌اند که کمترین حتی برای آنان قایل نبوده است.

در سال‌های پس از انقلاب بهمن، زنان هر روز بخش بیشتری از حقوق طبیعی، اجتماعی و سیاسی خود را از دست دادند. «نیمه» رای، انسان جنس دوم، تابع و وابسته شمرده شدند. برای مسافرت محتاج به اجازه شوهر گردیدند، برای مادری فرزند بعد از طلاق و یا مرگ همسر، بستگان و جد پدری فرزند بر آنان ترجیح داده شدند، از قضاوت برکنار گردیدند، در شهادت به عنوان یک انسان به حساب نیامدند. اگر به قتل رسیدند، اجرای عدالت به آن موکل گردید که بازماندگان نشان ترسناکی پرداخت نصف دیه را دارا باشند. راه‌روهای دادگستری‌ها از زنان غیبا طلاق داده شده توسط شوهرانشان پر شد. «مهربان‌ها» ایستاد توسط شوهر زنده به گور شدند و وقتی با تلاش‌های فراوان این شانس را یافتند که زنده بمانند و به قانون پناه ببرند، پناهی نیافتند و آن گاه به دست شوهرانشان به آتش کشیده شدند. اجساد «ام‌النبین»‌های شکنجه شده پس از ماه‌ها در زیر زمین خانه شوهرانشان پیدا شد، «آرمین»‌ها مرده در زیر شکنجه، به مادر سپرده شدند. «ساناز»‌ها و «شاهین»‌ها به دست نامادری شکنجه شدند. هزاران زن بر اثر فشارهای روحی و روانی خودکشی و خودسوزی کردند و صدها زن به جرم زنا و حیثانه سنگسار شدند. اخراج از کار و دانشگاه و ضربات شلاق، ره آورد جمهوری اسلامی برای «تنیبه» زنان «خطاکار» بود. صدها زن جوان در زندان‌ها به جرم دفاع از آزادی به اعدام و زندان‌های طولانی محکوم شدند. حاکمان اگر به ندای پاسخ گفتند، ندای «وا اسلاما» و «وا شریعتا» بود.

در برابر این همه تحقیر و ستم، زنان نمی‌توانستند بدون واکنش بمانند. آنان به تدریج به دروغ بزرگ در باره تأمین منافع خود واقف شدند.

حتی توده زنانی که خود به فرهنگ زن ستیز جامعه مرد سالار آلوده بودند نیز در برابر تضییقات و فشارهای روزانه حکومت، به عکس‌العمل و ایستادگی در برابر پای‌مال کنندگان حقوق خود کشیده شدند. زنان کشور ما، از هر گروه و طبقه اجتماعی و هر عقیده و مسلک و تعلق قومی، به مقابله فزاینده با قوانین و مقررات ارتجاعی و نهادهای تدوین کننده و مجری این قانون برخاسته‌اند. علیرغم فشارهای حکومت، زنان با فعالیت‌های فرهنگی و هنری به اشاعه نظریات مترقی در زمینه بازشناسی و دفاع از حقوق زن و افشای قوانین و نهادهای حاکم و بسیج زنان علیه این قوانین و نهادهای اقدام کرده‌اند. آنان به جستجوی راه‌های حل مسایل و مشکلات خویش برآمده‌اند. از جمله این راه‌حل‌ها، شرکت وسیع زنان در انتخابات دوم خرداد بود.

دوم خرداد، در واقع قبل از همه حاصل کار و پیکار زنان و جوانان کشور ماست. زنان که در جریان انقلاب بهمن، بدون آگاهی کامل به خواسته‌های ویژه خود به میدان آمده بودند، این بار با آگاهی نسبی به نیازهای خود و کشور گام در میدان نهادند و به ولایت برقیه «نه» محکمی گفتند. این «نه»، نه به همه سیاست‌های ارتجاعی و زن‌ستیز نوزده ساله بعد از انقلاب بود. زنان در دوم خرداد با صدای رسا اعلام کردند که انتخاب ناگزیر را رد می‌کنند. آنان به وعده‌های آقای خاتمی رای دادند و با این انتخاب خود خواستار قانونی و مدنی‌تری که در آن همه شهروندان حقوق برابر دارند، شدند؛ زیرا که اولین اصل مدنیت، برابری حقوق زنان با مردان است.

پس از انتخابات دوم خرداد، مبارزه زنان برای احقاق حقوق خود گسترش یافت.

### زنان: قوانین باید تغییر کنند

به دنبال گسترش جو خشونت و ناامنی، قتل و تجاوز به زنان، جمعی از زنان خیابان ستارخان تهران در نامه سرگشاده‌ای خطاب به نمایندگان زن مجلس، به آنان هشدار دادند و از آنان خواستند که در جهت دفاع از حقوق زنان اقدام کنند. در این نامه از جمله چنین آمده بود: «چدا از وظیفه خطیر نمایندگی ملت، به عنوان یک انسان باعاطفه و با تعصب، نباید حداقل با سخنرانی پیش از دستور یا دادن طرح استیضاح اقلاً یک نفر از افراد مسئول در ارگان‌های امنیتی و انتظامی کشور، نشان دهید که مانند بقیه افراد جامعه متأثر و متأسف شده‌اید؟»

آنان پرسیده‌اند: «آیا باید ما زنان چاره را در

### نمایندگان زن مجلس چه می‌کنند؟

در برابر این حرکات اعتراضی زنان، نمایندگان زن مجلس که می‌بایست پس از آن همه توهین و آزار به زنان، به قول زنان محله ستارخان تنها امضا کنندگان لایحه‌ها نمی‌بودند و حداقل کسی از مسئولین را مورد سوال یا اعتراض قرار می‌دادند و یا به اعتراض مجلس را ترک می‌نمودند، فریاد والسلا ما و وامصیبتا سر دادند و برای جلوگیری از اندک آزادی بیان که بر اثر فشار مردم در نشریات انعکاس یافته است، طرحی به نام «طرح ممنوعیت استفاده ابزاری از زن در تصاویر مطبوعات» با امضای ۸۰ نماینده به مجلس ارائه دادند. منیره نوبخت نماینده مردم تهران و رئیس شورای فرهنگی و اجتماعی زنان به خبرنگاران گفت: «به این نتیجه رسیدیم که روند موضوعات مربوط به زنان که در بعضی از مطبوعات درج می‌شود، دور از شان و موقعیت زن در نظام است.»

سوال این جاست که آیا مرگ آرمین‌ها، مسرتوش‌ها، تجاوز و آتش کشیده شدن، خودسوزی و صدها سنگسار در این ۱۹ سال دور از شان و موقعیت زن در نظام نبوده است؟ خانم نوبخت و خانم‌های نماینده را مردم برای این انتخاب نکرده‌اند که حجاب آن‌ها را حفظ کنند و حقوق شرعی‌شان را هر چند وقت یکبار یادآور شوند. آن زن در جمهوری اسلامی نداشته و ندارند مدنیت و آزادی و برابری بوده است.

زنان به وعده‌هایشان عمل نمودند و به آقای خاتمی رای دادند و امروز نوبت عمل اوست. اینک پس از گذشت ۸ ماه از انتخابات دوم خرداد، زنان منتظر برآوردن خواسته‌های وعده داده شده هستند، اما دولت جدید هنوز گام مثبتی در زمینه احقاق حقوق زنان برنداشته و تا سبب‌بازتر این که خلاف وعده‌ها و برنامه‌های انتخاباتی آقای خاتمی، طرح الحاق ایران به «کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زن» شده، این تصمیم شرم‌آور به سازمان ملل نیز ابلاغ شده است و همچنین طرح جداسازی و زنانه و مردانه کردن بیمارستان‌ها علیرغم اعتراضات وسیع کادر پزشکی و مردم، در دور اول بحث مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید و نمایندگان زن همچنان سکوت می‌کنند. بهتر است آقای رئیس جمهور و خانم‌های نماینده، صدای فریاد زنان ایران را بشنوند. آن‌ها امروز پاسخ می‌خواهند، فردا دیگر دیر است. زنان ما جایگاهشان را در آزادی به دست خواهند داد.

### ده خواست مبرم زنان

۱. قانون باید حق مادران برای سرپرستی و حضانت کودکان را به رسمیت بشناسد.
۲. چندهمسری به هر شکل باید غیرقانونی اعلام شود.
۳. در ازدواج و طلاق باید حقوق مساوی زنان با مردان تضمین گردد.
۴. سن ازدواج برای دختران باید ۱۸ سال باشد.
۵. تضمین حق آزادی پوشش. مردم باید حق آزادی انتخاب نوع لباس خود را داشته باشند.
۶. ایجاد خانه‌های امن برای زنان. زنانی که قربانی خشونت خانگی از جانب شوهر قرار می‌گیرند، باید تحت حمایت قانون قرار گیرند.
۷. لغو کلیه قوانین و مقرراتی که تبعیض بر اساس مذهب را بر زنان تحمیل می‌کند و جدایی جنسی برای زنان و مردان جامعه را به ارمان می‌آورد.
۸. لغو فوری حکم وحشیانه سنگسار.
۹. برابری حقوقی کامل زنان با مردان در کسب مشاغل. تأمین احراز تمام مشاغل عالی در موسسات دولتی و خصوصی.
۱۰. پرداخت حقوق و دستمزد مساوی برای کار مساوی.

زیرنویس:

(۱) - ماده ۱۱۶۹ قانون مدنی: برای نگاهداری طفل، مادر تا در سال از تاریخ ولادت او اولویت خواهد داشت. پس از انقضای این مدت، حضانت با پدر است، مگر نسبت به اطفال اناث که تا سال هفتم حضانت آن‌ها با مادر خواهد بود.

(۲) - طرح اصلاح ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی و تبصره‌های المانی به آن: ماده واحده - هرگاه در اثر عدم موافقت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، ممکنه مکلف است به نقاشی طفل را به تقاضای قیم او یا به تقاضای مدعی‌العموم، هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی می‌داند، اتخاذ کند.

تبصره ۱ - طفل در این ماده کودک است که به سن بلوغ و رشد مذکور در این قانون نرسیده است.  
تبصره ۲ - مواد ذیل از مصدق عدم موافقت یا انحطاط اخلاقی هر یک از والدین است: ۱. اعتیاد به الکل و مواد مخدر، ۲. معروف بودن به فساد اخلاقی، ۳. فحشا که در خانه تسری یافته، ۳. محکومیت یا غیبت طولانی و یا جترن پدر یا مادری که طفل تحت حضانت اوست، ۴. رها کردن طفل در محیط خالی از سکنه، ۵. جرم بر علیه سلامت جسمانی یا روحی طفل، ۶. ضرب و شتم و تادیب خارج از حد که باعث نقص عضو یا ضربه روحی شود، ۷. سوء استفاده از توان روحی، جسمی، مالی و اقتصادی طفل مانند اجبار به بیگاری

### یک بررسی از وضعیت زنان در کشور الجزایر

## زنان، تاریخ تحریف شده

برگردان: علی صمد

قسمت اول

نویسنده: خدیجه آبادا

بحران امروزه الجزایر دو بحث متناقض در مورد زنان را موجب شده است. از یک طرف اصرار و تاکید مقامات دولتی در جهت این‌که زنان در هر صورت به مردان وابسته باقی بمانند و از طرف دیگر انقضای خشونت علیه زنان، بدون این که به دفاع از حقوق آن‌ها منجر شود.

هدف این مقاله آرایه یک تراژنامه نیست، جمع‌آوری یک سری از نظرات در مورد عمل‌کردها و رفتارهایی است که به وسیله رهبران سیاسی برای پیش‌رفت، رشد فکری و آزادی زن صورت می‌گیرد.

### زن و توسعه

توسعه از یک سری تغییرات، یعنی از تخریب و بازسازی مدام تمام جامعه ناشی می‌شود. اگر تکررات «ژاک اوستدی» را در نظر بگیریم، ملاحظه خواهیم کرد که هیچ‌گونه توجهی به موضوع نقش اجتماعی و اقتصادی زن نشده است. در واقع برنامه‌ی توسعه با حذف نصف اعضای جامعه‌ی الجزایر درک شده‌است. در قانون اساسی الجزایر، در بخش برنامه توسعه، حق کار برای زنان به‌شرطی که موقعیت زناشویی، مادری، ثبات خانواده و نیز جامعه را زیر سوال نبرد، به رسمیت شناخته شده است. «انترکراسیون زنان الجزایری در مدار تولید، باید الزامات نقش مادر در خانواده و زن در بنا و تثبیت کانون خانواده، که هسته سازنده جامعه است، را در نظر بگیرد ... و این انترکراسیون به نحوی است که کار زن به‌طور پیوسته سازنده خانواده و اجتماع باشد.»

قانون خانواده شوهر را به‌عنوان رئیس خانواده که مسئولیت پرداخت هزینه زندگی زن یا زنان را دارد، مشخص کرده‌است. حقوق ماهانه‌ای که زنان شاغل دریافت می‌کنند همیشه به‌عنوان حقوق کمکی در نظر گرفته شده است. در ماده ۲۸ قانون اساسی سال ۱۹۸۹ می‌خوانیم: «قانون دست‌رسانی به مشاغل و مناسب دولتی برای همه شهروندان را بدون هیچ شرطی تضمین می‌کند»، اما علیرغم این، حکومت الجزایر، کنوانسیون سازمان بین‌المللی کار، که در اصل ۱۵۶ آن نسبت به برابری موقعیت‌ها و حقوق کارکنان هر دو جنس صحبت شده است را، تصویب نکرده است. این بسیار با معنی است. در حقیقت زنان موقعیتی را که مردان برای ورود به دنیای کار دارند، ندارند و هیچ‌گونه قوانین ویژه‌ای برای گسترش کار زنان پیش‌بینی نشده است. کار زنان در مواردی استثنائی در عرصه قضائی، اجتماعی و اقتصادی حفظ شده‌است.

آمار و ارقام به خوبی نشان‌گر این است که زنان در برنامه توسعه کنار گذاشته شده‌اند. بین سال‌های ۱۹۷۷-۱۹۶۶، درست در دوری که الجزایر در موقعیت رشد و پیش‌رفت صنعتی قرارداشت، زنان حقوق‌بگیر بین ۱/۸ تا ۲/۳ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهادند. این در حالی است که زنان بیش از ۵۰ درصد جمعیت کشور بودند. در حال حاضر رقم فوق به ۹ درصد افزایش یافته‌است.

در مجموع «انقلاب ارضی»، کشاورزی را امروزی کرد و نیز تقسیم سنتی کار را به وجود آورد. دستگاه قضائی انقلاب ارضی - منشور، حکم و متن اجرائی - حتی یک بار اشاره‌ای به کار زنان نمی‌کند. «زمین‌های آزاد تنها در اختیار کارکنانی قرار خواهد گرفت که مشغول کار بر روی زمین باشند. در دوران ملی کردن، این اراضی به مجاهدین قدیمی، پسران شهدا و رئیس خانواده‌های پسر اولاد اختصاص داده خواهد شد. زنان به‌اندازه مردان کار می‌کنند ولی در آخرین سرشماری تنها ۳ درصد فعالین به حساب آمده‌اند. آنان هم‌چنان به بیگاری، کار بدون مزد، ادامه می‌دهند.

«انقلاب فرهنگی» به بهبود موقعیت زنان نپرداخت. مسخ‌رویت‌های فرهنگی و اجتماعی نقاط ضعف جامعه‌ی الجزایر هستند که رابطه بین دو جنس را مشروط می‌کنند و از مسائل اقتصادی و سیاسی بسیار مهم‌تر هستند. «انقلاب فرهنگی» به طور چشمگیری امکان تحصیل دختران را افزایش داد. باوجود این، خانواده‌ها به‌ویژه در مناطق روستایی، نسبت به ادامه آموزش دخترانشان بعد از دوران ابتدایی مردد هستند. به‌علاوه از سال‌ها قبل علیه دخترانی که قصد ادامه تحصیل در دوره آموزش متوسطه را دارند تبعیض به وجود آمده است. حد متوسط نمره قبولی در درس‌ها برای دختران ۱۲ از ۲۰ است، درحالی‌که برای پسران ۱۱ و گاهی وقت‌ها ۱۰ از ۲۰ است. چنین تبعیضی بدون هیچ توجیهی در حال اجرا است، مدیریت موسسات آموزشی این تبعیض را چنین توجیه می‌کند که توازن مناسب بین قبولی دختران و پسران دانش‌آموز وجود ندارد، زیرا دختران بهترین دانش‌آموزان در دوره آموزش ابتدائی و کالج هستند.

در عرصه تربیت بدنی در مدارس، به دلیل فقدان امکانات، ورزش دختران حذف شده است. یک‌سری اقدامات تبعیض‌آمیز به صورت اراده‌ی در موسسات عمومی آموزشی کشور در معمول شده است. پژوهش‌هایی که در مورد دروس آموزشی مدارس الجزایر انجام شده، نشان‌گر این نکته است که تصویر سنتی زن در کارهای خانگی، همچنان حفظ شده است. کار زنان از جنبه منطقی باعث ایجاد تغییرات

سیستماتیک در رابطه بین دو جنس نمی‌شود. ورود زنان در محیط کار باعث تشویش میان دو جنس می‌شود زیرا سیستم ارزشی جامعه پدرسالارانه، تاکید بر ماندن زن در خانه را دارد. با وجود این ملاحظه می‌کنیم که مردان خوشان را با مشاغلی که زنان در امکان دولتی دارند خیلی خوب وفق می‌دهند زیرا حقوق ماهانه زنان به‌تغی آن‌ها تمام می‌شود و زن هم‌چنان بی‌حقوق باقی می‌ماند. زن شاغل با پولی که دریافت می‌کند، احترام و بهترین زندگی را برای مرد فراهم می‌سازد. تعداد زیادی دختر جوان برای گذران زندگی یک یا چند برادر بی‌کار کار می‌کنند و با وجود این معمولاً تحت فرمان و انواریت برادرانشان قرار دارند. چنانچه ارزش‌های پدرسالاری پای‌داری کنند، مفاهیم پیشین آن‌ها قابل رفته از بین می‌روند زیرا مرد باید در دوران تنگ‌دستی به کمک و حمایت از زن بیاید، اما امروزه مردان از مسئولیتی که سنتاً به عنوان پدر، برادر و یا شوهر به عهده دارند، شانه خالی می‌کنند. زنان مطلقه یا بیوه زیادی در خیابان‌ها دیده می‌شوند، زیرا مردانی که از خویشاوندان نزدیک آن‌ها هستند از کمک به آن‌ها خودداری می‌کنند. زن قربانی تضاد بین ایدئولوژی پدرسالارانه و واقعیت روزمره است.

برخی مشاغل بیشتر تحت تأثیر موانع اجتماعی هستند. زنان مؤلفند تنها مشاغلی را انتخاب کنند که به ارجح و منزلت آن‌ها در جامعه آسیب نرساند. طبق آمار وزارت کار و امور حرفه‌ای ۵۴ درصد زنان شاغل تنها در سه عرصه آموزش و پرورش، بهداشت و اداری متمرکز هستند. لازم به یادآوری است در برنامه توسعه بر کار زنان تکیه شده است.

پیش‌رفت اقتصادی در واقع برای مردان سودمند بوده است. در مورد وضعیت کاری، زنان الجزایر نسبت به عربستان سعودی، که اشتغال زن در آن از همه کشورهای دیگر کمتر است، تنها سه رده بالاتر قرار دارد. توسعه یا سکوت سازمان سنتی جامعه مواجهه است. قانون زنان مشاغل حرفه‌ای جدید زنان و یا مشاغلی را که آنان می‌خواهند داشته باشند، چنان تنظیم کرده است که همیشه زنان وابسته به نقش سنتی خود باقی بمانند.

### زنان حافظین سنت

برخی از رهبران سیاسی و روشن‌فکران از زنان به عنوان حافظین سنت نام می‌برند. زنان با استفاده از برخی سنت‌ها سعی بر پیش‌برد یکسری تحولات را دارند. این کار آن‌ها قابل سرزنش نیست. مردان چندی تحولات زنان را از طریق تحریف سنت‌ها می‌گیرند. باحفظ نقش سنتی که جامعه و خانواده به زن میدهد، زن آینده در واقع مقید می‌شود. نسوه تربیت زنان، آن‌ها را فرمان‌بر و خانه‌نشین بار می‌آورد. زنان نیز بدین طریق «زنجیر انتقال» سنت را حفظ می‌کنند و برای تربیت فرزندان خود از آن استفاده می‌کنند و بدین شکل پایه بنیادگرایی را می‌گذارند. در واقع جامعه الجزایر از زن چنین انتظاری را دارد.

تاکتون مدرنیته به‌وسیله روشن‌فکران به شکلی مبهم توصیه شده است. ما به دشواری می‌توانیم در میان محیط روشن‌فکران الجزایر صحبت کنیم. زیرا این روشن‌فکران برای نهضت آزادی زن تنها از مجموع ارزش‌های مدرنیسم، عرصه‌های سیاسی و اقتصادی را توصیه می‌کنند. روشن‌فکران از مدرنیست‌ها با افراط صحبت می‌کنند ولی آن‌ها هم‌چنان به رفتارهای بسیار عقب‌مانده خود در برابر خواهران و زنان‌شان ادامه می‌دهند. آن‌ها این الگو را که مردان باید بر زنان تسلط داشته باشند، به پسرانشان انتقال می‌دهند. «گیتا ال کیات بنه GHITA EL KHIAI BENNAI»، از این‌سرد می‌نویسد: «مردان عرب نمی‌خواهند از امتیازاتی که از قبل در اختیار دارند، چشم‌پوشی کنند و از زنان توقع دارند که به‌جای آن‌ها مدرن و در صورت لزوم، تا هنگامی که باعث نشاط و تفریح مردان می‌شوند، سنتی باشند. زنان تا وقتی که مردان از شکر و نفع اشتغال آنان بهره‌مند شوند، می‌توانند شاغل بمانند. زنان باید مادرانی نمونه و فداکار باشند که وظایف خانه‌داری را به دو شکل سنتی و مدرن پیش ببرند. زنی زیبا با رنگ و آرایش غریبی برای مردی که در واقع چیز زیادی برای شریک کردن او ندارد.

جنبش کمونیستی خود را به عنوان پیش‌آهنگ «پیش‌رو» مبارزات می‌داند. این جنبش به‌صورت روشن مسائلی بنیادی برای نهضت آزادی زن طرح نکرده‌است، بررسی مواضع حزب چپ سوسیالیست الجزایر P.A.G.S نشان می‌دهد که نظرات این حزب در ظرف ۲۵ سال گذشته هم‌چنان ثابت باقی مانده است. «حزب فوق همیشه سعی کرده‌است با ارائه آرمانی مدرن از عضویت زنان بهره‌مند شود و این ایده الفا را کند که مبارزه زنان در کنار مردان ارزش آن‌ها را افزایش می‌دهد و در حزب ماندن می‌تواند این احساس را در زنان ایجاد کند که آن‌ها از قبل در جامعه‌ای که در آن زنان با مردان برابر هستند، قرار دارند.»

امروزه این سیاست‌های آگاهانه صدزن که از دموکراسی، آزادی بیان و احترام و مبارزه با توجه به ۱۱ ادامه در صفحه ۱۱

# نگاهی به وضعیت

ف. تابان

(۳)

فعلاتهای در جهت آزادی‌ها، فعالیت احزاب، لغو سانسورها، ایجاد تشکلهای کارگری و توده‌ای و در کنار آن‌ها حل مشکل بیکاری و گرانی و تورم آرایه نشده است.

چه در میان اصلاح‌طلبان حکومت و چه در بیرون از آن، بسیاری می‌گویند که طرح این خواسته‌ها را بلند پروازانه قلمداد کنند و مبارزه واقعی و موجود را در عقب راندن راست سستی و محافظه‌کار در قدرت، همان کاری که دولت به آن مشغول است، خلاصه کنند. به این ترتیب می‌بینیم در شرایطی که مردم برای مبارزه سیاسی از خود آسازگی روز افزونی نشان می‌دهند، شعارها و خواسته‌هایی که مطرح می‌شوند، کوچک‌تر شده و به دایره تغییر در مناسبات قدرت در میان دو جناح محدود می‌شوند. خواسته‌هایی نظیر برکناری محمد یزدی، کنترل دولت بر صدا و سیما، واگذاری نیروهای انتظامی به وزارت کشور، که از سوی جناح‌های وابسته به دولت طرح می‌شوند، البته مناسبات قدرت را تغییر می‌دهند. جنبش دموکراسی در کشور می‌تواند از تحقق چنین خواسته‌هایی نیرومندتر شود، اما نمی‌تواند در چارچوب آن‌ها متوقف شود. این جابه‌جایی‌ها اگر با ادامه بی‌توجهی‌های دولت نسبت به مطالبات اساسی نظیر آزادی احزاب و تشکلهای توده‌ای و لغو سانسور و آزادی واقعی مطبوعات همراه نباشد، به تنهایی نمی‌تواند کارساز باشد.

باید همواره امیدوار بود و مصرا نه تیز خواست که اصلاح‌طلبان دفاع از خواسته‌های اساسی مردم را به فهرست مطالبات خود اضافه کنند. اما تا وقتی چنین نشده است و شاید هرگز نیز چنین نشود، نباید در حصارگی که مرزهایش تنها تغییر مناسبات و توازن قوا در حکومت است، باقی ماند.

(۴)

فرصت‌ها را نباید از کف داد. مردم ایران و احزاب سیاسی، به ویژه آنان که مبارزه خود را به مبارزه درون حکومت محدود ساختند، یک بار بهای سنگین بی‌توجهی به سازماندهی مستقل مردم در سال‌های گذشته را پرداختند. شرایط نسبت به آن دوران فرق کرده است، اما این وظیفه همچنان در دستور مبارزه باقی مانده است. سازمان‌دهی مستقل مردم، به معنای ایجاد و برآمد جنبشی مستقل از حکومت و همه جناح‌های آن است.

# خاتمی: هراس یا ناتوانی؟

علی نوید

قصده داشت شهردار تهران را یک ماه در زندان نگاهدارد و در این فاصله مأموران با تجربه مجتمع قضایی او را برای ادای «اعتزافات» و ... آماده سازند. محاسبه یزدی غلط از آب درآمد. حمله‌ای که هدف آن هزیمت مردم و تلافی شکست دوم خرداد بود، به شکاف درون جناح رسالت - خاتمنای و انزروی تندروان هیات متولفه منجر شد و احتمال حذف بخشی از آنان از قدرت، قوت بیش‌تری گرفت. این حرکت فرصتی بود که رفسنجانی از آن بهره گرفت و خود را در کنار خاتمی بر فراز جناح‌ها کشید که بی‌آمد حادتر آن تقویت «مجمع تشخیص مصلحت» و شخص رفسنجانی است. اما خاتمنای با شنیدن صدای پای مردم و آمادگی آنان برای برپایی تظاهرات بزرگ، پا پس کشید. عقب نشینی خاتمنای برای پیوستن به مردم نبود او لحظه‌ای حمله و تناسب قوا را مناسب ندید و از سر ناچاری عقب‌نشینی کرد. یزدی انتظار نداشت خاتمنای پشت او را خالی کند اما خاتمنای تشخیص داد عقب‌نشینی در آن لحظه عدم تعادل قوا و حکومت هم به‌سود ولایت‌فقیه است و هم نظام تا حمایت از رئیس قوه قضائیه و رویا رویی آشکار با مردم که چشم انداز آن نارووشن است. خمینی در زمان حیات خود بارها به چنین مانورهای دست زده‌بود تا نگذارد در جنگ قدرت جناح‌ها، ولایت مطلقه او و منافع کل نظام به خطر افتد. روی‌دادهای آنتی نشان خواهد داد دوری خاتمنای از پای‌گاه اصلی خود برای «لحظه» بود و یا در آینده نیز تکرار خواهد شد.

با آزادی کریاسچی، بهران اندکی فروکش کرد اما خطر تهاجم تازه علیه نهضت دوم خرداد، خطر مسخ شعارهای آن و پرسش‌های بی‌پاسخ مردم از رئیس جمهور باقی است. جانب‌داران خاتمی با آزادی شهردار تهران اعلام کردند مردم پیروز شدند و پیروزی مردم را نشانه درایت رئیس جمهور خواندند. درایت رئیس جمهور در این روی‌داد چهبود؛ سکوت. او مردم را از خیابان‌ها تفرستد و تسخیر مجلس درهای بسته به بده و بستان با جناح مقابل نشست، بدون شک کامیابی خاتمی در جنگ قدرت با جناح مقابل، با متافع مردم هم‌سو است. اما مردم در روز دوم خرداد با این تپت به پای صندوق‌های رای نرفتند

قدرت گسرتن اصلاح‌طلبان در حکومت، ضرورت‌های ایجاد یک آلت‌رناتیو دموکراتیک در کشور را به هیچ وجه منتفی نساخته است. اصلاح طلبان اگر واقعا می‌خواهند در اصلاحات جدی و پیگیر باشند، خود باید مشوق چنین سیاستی گردند. یکی از اساسی‌ترین پایه‌های جامعه مدنی که آقای خاتمی نیز میباید آن است، ایجاد و گسترش نهادهای جنبش‌های میباید وابسته به حکومت است. تنها کسانی می‌توانند بدون دغدغه از نفعی ضرورت چنین آلت‌رناتیو و یا جبهه سومی سخن بگویند، که بخواهند تلاش‌ها را در چارچوب دولت محدود کنند و از پیروزی راهی که آقای خاتمی آغاز کرده است، مطمئن باشند و همه موجودیت و سرمایه خود را به آن وابسته سازند. اما این اطمینان به معنای درک درست روی‌دادهای نیست، به معنای کشاندن همه نیروها در راهی است که شاید انتهای آن بن‌بست و یا گودال مهیبی باشد.

کوشش در جهت ایجاد یک جبهه دموکراتیک، کوشش در جهت سازمان‌دهی نیروهای سیاسی و مردم ایران حول خواسته‌هایی است که راه ایران به سوی دموکراسی را واقعا هموار سازد. در صدر این خواسته‌ها برقراری آزادی‌های سیاسی در ایران قرار دارد. برقراری آزادی‌ها برای مردم ایران و نیروهای سیاسی غیر حکومتی، یعنی همان چیزی که هنوز در دولت خاتمی سختی جدی در باره آن گفته نمی‌شود، مبارزه برای تشکیل چنان جبهه‌ای را نباید در برابر تلاش‌های امروز اصلاح‌طلبانه دید و اصلاح‌طلبان نیز نباید نیروهای دموکراتیک کشور را که برای سازماندهی خویش می‌کوشند در برابر خود ببینند. لاف‌ها تا زمانی که نیروهای اصلاح‌طلب حاکمیت در جهت تغییر سیاست‌های موجود و باز شدن فضای سیاسی کشور عمل کنند، باید چنین باشد.

پس تلاش‌های اصلاح‌طلبانه دولت آقای خاتمی، چنانچه وظایف دموکراتیک ما نباید باشد. این وظایف به قوت خود باقی است و باید برای انجام آنان به نیروهای انکار کرد که انجام آنان را واقعا می‌خواهند. اعلام منع پیگردهای سیاسی، آزادی احزاب، آزادی زندانیان سیاسی، لغو سانسورها و آزادی بیان و قلم، آزادی ایجاد تشکلهای کارگری و دانشجویی و سایر تشکلهای مردمی می‌تواند از جمله مهم‌ترین خواسته‌هایی باشد که امروز مدافعین آزادی و مخالفین ولایت فقیه را برای شکل دادن به یک جبهه سیاسی نیرومند گرد هم آورد.

در ماه‌های اخیر برای من بارها پیش آمده است که به‌دلیلی چند روزی از تعقیب دقیق وقایع کشور دور مانده و مجبور بودم که به شنیدن پاره‌تی از اخبار بسته کنم. در پایان چنین روزهایی که به‌ندرت از یک‌هفته تجاوز کرده‌است، هربار که با فراغ خاطر به مطالعه و بررسی رویدادهای کشور پرداختم، با صحنه‌تی تازه از نظر آرایش نیروهای سیاسی در کشور و تغییر توازن نیروی آن‌ها مواجه بودم. شتاب تغییرات چنان است که ما کناره‌نشیمان هر قدر هم که سعی کنیم در کوران حوادث باشیم، باز از آن عقب می‌مانیم. تاکتیک دیروزی امروز بیهوده و ناکارآمد است و غفلت در کاربرد تاکتیک مناسب در زمان مناسب ما را از تأثیرگذاری بر روندهایی که باید در آن شرکت داشته باشیم، باز می‌دارد.

از هم‌گسستگی نسبی نیروهای رژیم

تنها در دهفته‌ی اخیر، آزادی شهردار متعاقب آمادگی مردم برای تظاهرات چندمیلیونی به‌حمایت از او و بسیار بیش از آن به مخالفت با دشمن او و مذاکرات پشت پردهی خاتمی و خاتمنای در جمع سران سه‌قوه و رفسنجانی و خارج از آن، وقایع روی‌داده در نماز جمعهی پیشین در تهران و آمادگی طرفداران منتظر برای اعتصاب نامحدود تا رفع محدودیت از وی نشان می‌دهد که مناسبت غلبه در تضاد خاتمنی و «جناحش» با مردم کشور در حال تغییر است. «جناح» راست حکومت که به خاتمنای متشبث است، روند تلاش را آغاز کرده است و سردمداران آن از هم‌کانون در تدارک مغری از «مهملکه»ی پیش رو هستند. «رسالت» به یزدی می‌تازد؛ «ارزش‌ها» به رسالت؛ «فردا» زبان انتقاد را بر رسولی‌نژاد نمایندهی فیروزکوه و دماوند می‌گشاید که چرا خودسرانه عمل کرده و بدون در نظر گرفتن منافع جناحی، بر رفسنجانی تاخته است؛ محسن رضانی فرمانده سابق سپاه پاسداران حسین‌الله‌کرم یکی از فرماندهان انصار حزب‌الله را به کارهایی که به انقلاب اسلامی لطمه زده متهم می‌کند و الله‌کرم که خود نمود «تجاوز به قانون» است از «رسم یک جامعهی قانونمند» که در آن نباید «قبل از تفهیم اتهام فردی را محکوم و یا حتا متهم کرده» سخن می‌گوید و سعی می‌کند خود را از ندهمگی و حاجی‌بخشی‌ها جدا کند؛ روزنامهی «جمهوری اسلامی» کوشش می‌کند که میانه‌داری را پیشه‌ی خود سازد و ضمن انسجام بخشی به جناح راست، با دادن امتیازاتی به جناح دیگر، آن‌ها را به گردآوری پیرامون خاتمنای رهاخواند. این نشریه هم‌چنین پس از اختلال‌گری دارودستهی دهنکی به‌هنگام سخنرانی رفسنجانی در نماز جمعهی هفته‌ی پیش، در مقاله‌ی با عنوان «بدعتی شوم»، آنان را به‌باد حمله گرفت.

«جناح» متقابل حکومتی نیز که جریان‌ات اخیر را به‌دقت دنبال می‌کند، به این واهمه دچار شده است که رشتنیهی کنترل اعتراضات از دستش در برود. روزنامهی ایران هفته‌ی گذشته از جریان «ناشناخته‌ی سوم» یاد کرده که با «آلوده‌سازی چهره‌ی ملت ایران، گشایش‌های موعود را در خطر تهدید قرار می‌دهد»، «سلام» نیز نوشت: «اکنون دولت و ملت باید هوشیار باشند که عناصری که نه خاتمی را و نه جبههی خاتمی را قبول دارند و نه می‌خواهند انحصار را، در این قلمه(?) نفوذ نکنند که این عناصر نه‌تنها نسبت به اسلام نامحرم‌اند که در اعتقاد و علاقه‌ی آنان نسبت به ایرانی مستقل از قدرتهای استکباری نیز بسیار محل تردید است». نشریات این «جناح» چون ایران و اطلاعات و همشهری و کار و کارگر و اخبار و تا حدی سلام، حمایت بی‌دریغ خود را ابتدا از کریاسچی و پس از آزادی او از رفسنجانی اعلام کردند و بار دیگر آنان را تا مقام «امیرکبیر»ی بالا بردند.

اما نیروی دیگری در درون و پیرامون حکومت، بر کنترل بیشتر شهروندان بر دستگاه‌های حکومتی و مسئولان آن پای می‌نشیند. نشریهی «جامعه» که جریان دستگیری کریاسچی بارها از خاتمی انتقاد کرد که چرا «موضع شفافی» در قبال این مسئله نمی‌گیرد و به‌جای طرح مسئله با مردم سعی می‌کند که از طریق سازش پشت‌پرده با جناح مخالف مسئله را حل کند. این نشریه در سرمقاله‌ی یکی از شماره‌های خود، تأکید کرد که «موضوع بازداشت می‌تواند مرحله‌ی تازه‌ی را در تفکیک قوای سه‌گانه و استقلال عمل آن‌ها در فرآیند توسعه‌ی سیاسی و اجتماعی ایران

آن‌هم از سوی وزیر کشور یعنی رادیکال‌ترین عنصر نظام، التزام فکری و عملی «نهضت‌آزادی» نسبت به قانون اساسی جمهوری اسلامی بر کسی پوشیده نیست. فعالیت دانش‌جویان که رهبری آن‌ها را نیروهای سهمیم در قدرت سیاسی در انحصار گرفته‌اند بازتاب تضادها و پیامد نهضت دوم خرداد است و با کارنامه دولت چندان ارتباطی ندارد.

جانب‌داران خاتمی ناپیگیری او را با برشردن دشواری‌ها و موانع توضیح می‌دهند و مقایسه‌ی کنتار و کردار او را زودرس و عجولانه می‌دانند. پرسش آن است که زمان سنجش خاتمی کی فرا خواهد رسید؛

# بر روند انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی تأثیر بگذاریم

فرود سیاوش‌پور

نوید دهد، به شرط آن‌که از قول مقاله‌تی دیگر «عدالت و تساری در برخورد با مسائل مشابه در نهادهای دیگر از جمله در قوهی قضائیه» رعایت شود. نشریهی «عصر ما» نیز در مقاله‌تی با وجود تعریف و تمجید فراوان از کریاسچی از خاتمی انتقاد کرده است که چرا خود را «در مظان شبهه‌افکنی معاندان مبنی بر زیرپا گذاردن پرنسپ و شعار قانونمداری» قرار داده و به جای تقاضای «تضمین محاکمه‌ی سریع، علنی و توسط مراجع و قضات بی‌طرف و مرضی‌الطرفین» از خاتمنای آزادی کریاسچی را خواستار شده است.

به این ترتیب، اکنون در طیف نیروهای درون حکومت و پیرامونین مجاز به فعالیت سیاسی آن، ۴ نحوی برخورد و نگرش کلی دیده می‌شود که در جامعه نیز بازتاب می‌یابد.

فروریزش قداست‌ها

شاخص دیگر ریزش‌های هفته‌های اخیر فروریزی علنی قداست کسانی چون رفسنجانی بود. ابتدا «جامعه» با روش متین خود، «الزام طبیعی و حقوقی» دستگیری شهردار را آن دانست که دادگاه «آقای هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور سابق و آقای بشارتی وزیر پیشین کشور را نیز برای ادای تضامین به دادگاه فراخواند» و سپس دهنکی و رسولی‌نژاد با روش‌های نخراشیده‌ی خود به رفسنجانی حمله کردند. به این ترتیب، رفسنجانی دیگر نخواهد توانست موفقیت قبلی خود را بازیابد و «آب» رفته را به‌جوی باز گرداند. برخاستن فغان بسیاری از قلم‌زنان مطبوعات داخلی در اعتراض به این‌که چرا عدول «تازه به دوران رسیده»، یکی از «ستون‌های انقلاب اسلامی» و «عزیز رهبری» را به‌زیر سؤال برده‌اند، بعید است که باوجود «شایعاتی» که سال‌ها است درباری رفسنجانی و خانواده‌ی او را شنیده می‌شود، راه به جانی برد و «حقیقت» وی را اعاده کند. حال که کسانی در درون کشور از «خط قرمز» فرضی در مورد رفسنجانی عبور کرده‌اند، با در نظر گرفتن روحیهی عمومی مردم و دیدگاه آنان نسبت به خاتمنای، روزی که آنان در مورد خاتمنای نیز چنین کنند، چندان دور به‌نظر نمی‌رسد.

عاجل‌ترین وظیفه‌ی پیش رو

در این شرایط که جامعه یک‌پارچه در شور و غلیان است، مهم‌ترین واقعه‌ی پیش رو که می‌توان و باید بر آن تأثیر گذاشت، انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی (خبرگان) است. مردم در انتخابات دوم خرداد، به‌تعمیری به کلیت نظام جمهوری اسلامی و به‌تعمیری دیگر به شکل تا آن‌زمان تجربه‌شده‌ی جمهوری اسلامی «نه» گفتند. مردم کار خود را پایان‌یافته نمی‌دانند و خواهان تغییراتی بنیادی در ساختار سیاسی کشور هستند. انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی (خبرگان) که در تابستان برگزار می‌شود، فرصتی است برای ابراز نظر و اقدام معین در جهت تغییر قانون اساسی ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی. تعیین مضمون و حتا نام آن، با میزان انتظارات مردم از آن و حد مشارکت آنان در تدارک آن تناسب دارد. مردم با شرکت ناچیز در انتخابات میان‌دوره‌ی مجلس نشان دادند که مشروعیتی برای اعمال نظر و نظارت استصوابی اعضای شورای نگهبان قائل نیستند. آن انتخابات تعیین‌کننده نبود و اکثریت چشم‌گیر مردم با عدم شرکت در آن به دادن هشدار به خاتمنای و هواداران او اکتفا کردند. اما این‌بار، انتخابات تعیین‌کننده است. حکام جمهوری اسلامی باید تاکنون متوجه شده باشند که مردم بیدار و آگاه کشور حق خود را در مشارکت امور سیاسی و اداری هتجار جامعه طلب می‌کنند و دیگر حاضر نیستند که از این حق بگذرند.

با این وجود، شکستن مقاومت شورای نگهبان که فرمانبردار خاتمنای است، محتاج صرف انرژی معینی می‌باشد. برای خاتمنای هنوز این فرصت وجود دارد که با لغو مصوبه‌ی «نظارت استصوابی» شورای نگهبان و یا تغییر ترکیب شورای نگهبان به‌شکلی که اعضای آن به نظارت استصوابی خود اعتقاد نداشته باشند، عقب‌نشینی منظمی را برای خود و جناح خود تدارک ببیند و گزینه طبعاً برای این غفلت تاریخی خود تاوان گزافی خواهد پرداخت.

برای تأثیرگذاری بر روند انتخابات پیش رو هنوز فرصت‌هست. زمان و حساسیت اوضاع را دریابیم.

زمان سنجش فرارسیده و حتی گذشته است. در جمهوری اسلامی همیشه جناحی مانع جناح دیگر بوده این تصور که «جناح مترقی» را تضعیف نسازد، این پرسش را به‌تعمیق انداخته است.

معیار سنجش و ملاک برخورد چه باید باشد؟ عمل خاتمی و نه حرف او، در یک کلام تلاش عملی در جهت تحقق خواسته‌های مردم. آزادی بلادرنگ احزاب سیاسی، از سرگیری فعالیت کانون نویسندگان، برپایی شوراهای ایالتی و ولایتی، عدم مخالفت با ادامه در صفحه ۱۱

## مصاحبه با رفیق مهدی فتا پور عضو شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

### اتخاذ سیاست بر اساس تقسیم‌بندی نیروها به سهیم و غیرسهیم در قدرت نادرست است

پرسش: شما در کنگره پنجم به دو سند «برای دموکراسی و عدالت اجتماعی» و «اوضاع کنونی و سیاست‌های ما» رای دادید. تا آن‌جا که در خاطر من هست، شما در کنگره چهارم با سند «خط مشی سیاسی» موافق نبودید. چه تغییراتی موجب این تفاوت برخورد شما شده است؟

○ پاسخ: مرکزی‌ترین مسأله هر خط مشی تعیین راستا یا راستاهایی است که در فعالیت یک جریان بعنوان یک مشی و در یک دوره معین الویت می‌یابد و در نتیجه آن نوع رابطه‌ایست که با دیگر نیروهای اجتماعی برقرار می‌کند. مشی سیاسی مصوب کنگره پنجم بر اساس اولویت مبارزه علیه استبداد که شکل مشخص آن در ایران ولایت فقیه است و تلاش در راه تامین آزادیهای سیاسی تنظیم گردیده. در کنگره چهارم هرچند عناصری از این برخورد پذیرفته شد ولی طرح صریح و روشن این نحوه برخورد در تصویب نرسید و حتی پیشنهاد رقیق شده طرح «رژیم استبدادی» در سند نیز رد شد. طبیعتاً نمی‌توانستیم با سندی که سمت‌گیری سیاسی سازمان و رابطه آن با نیروهای اجتماعی را مبهم تعیین می‌کرد توافق داشته باشیم.

○ ولی ما در سند کنگره چهارم تصویب کرده‌ایم که در مشی سیاسی ما مبارزه علیه استبداد و برای تامین آزادی‌های سیاسی، اجتماعی نقش محوری دارد و همچنین خصلت فقهاتی و استبدادی جمهوری اسلامی را مانع اصلی تحقق دموکراسی در ایران اعلام کرده‌ایم. آیا اختلاف بر سر تعیین این امر بعنوان هدف سیاسی نبود؟

○ در سند کنگره چهارم در این زمینه احکام متناقضی که ناشی از تفاوت نظر تصویب‌کنندگان سند است وجود دارد. علاوه بر این در سازمان ما سالیانست که هیچ‌کس در اهمیت مبارزه برای آزادیهای سیاسی حداقل بعنوان یک خواست بسیج‌گر تردید ندارد. این امر نه تنها امروز بلکه ۲۲ سال پیش در پلنوم وسیع سال ۶۵ همان زمان که اکثریت شرکت‌کنندگان وظیفه مقدم سازمان را مبارزه برای استقرار جمهوری دموکراتیک خلق میدانستند، نیز مورد تأکید بود. اساساً عدم درک اهمیت مبارزه برای آزادی‌های سیاسی برای سازمانی که تحت پیگرد و سرکوب قرار دارد، غیر طبیعی است. همچنین من تصور نمی‌کنم خواستونی می‌تواند در مرکز تبلیغات ما قرار گیرد بدون آنکه بهمان نسبت هدف ما باشد و اگر در این زمینه ما اختلاف داشته و یا داریم، بی‌بایست بحث‌های مقدماتی تری انجام دهیم. آنچه را ما در دستور تبلیغات خود قرار می‌دهیم، خواستار تحقق آنیم و یا به عبارت دیگر بهمان نسبت که بر آن تأکید می‌کنیم بهمان نسبت نیز آنرا هدف می‌دانیم. ممکن است در مورد برخی جریانهای سیاسی چنین نباشد. مثلاً ممکن است سازمان مجاهدین در دوران جنگ بر اهمیت تبلیغ علیه جنگ تأکید کند، به‌این دلیل که این خواست می‌تواند بیش از هر شعار دیگری مردم را علیه رژیم بسیج کند. ولی ما وقتی پایان جنگ را یکی از خواست‌های مرکزی خود می‌دانستیم به این دلیل بود که پایان جنگ را به‌سود مردم کشور، و بسود خود می‌دانستیم و در نتیجه در همان حدی که بر آن تأکید می‌کردیم، آنرا هدف خود می‌دانستیم.

بحث ما در کنگره چهارم و قبل از آن این بود که در خط مشی سیاسی ما نه بعنوان صرفاً یک شعار تبلیغی نه بعنوان صرفاً یک برخورد تاکتیکی، بلکه بعنوان سیاست در این مرحله چه سمت‌گیری اولویت دارد و بر اساس آن ما چه رابطه‌ای با دیگر نیروهای اجتماعی برقرار می‌کنیم. هیچ‌یک از سازمان‌های سیاسی حتی آنهاییکه ظاهراً این متد را رد می‌کنند قادر نیستند از تصمیم‌گیری در این زمینه بگریزند. مثلاً در اوایل انقلاب کسانی که اعتقاد داشتند مبارزه در راه برقراری جمهوری دموکراتیک خلق وظیفه مقدم نیروهای چپ است، طبیعی بود تمام کسانی را که در این راه با آنها همگام نبودند یعنی همه نیروهای بورژوازی، چه اسلامی، چه لیبرالی و ... را دشمن خود و علیه مصالح انقلاب بدانند. حزب توده که مبارزه علیه کلان سرمایه‌داری و امپریالیسم را مقدم می‌دانست طبیعتاً با نیروهای ضد امپریالیست و ضد کلان سرمایه‌داری برخورد مثبت می‌نمود و کسانی که گسترش دموکراسی و تقویت و تثبیت آزادیهای سیاسی را مرکزی‌ترین مسأله می‌دانستند از این زاویه با نیروهای اجتماعی

تماس می‌گرفتند. قبل از انقلاب طرفداران نظرات مسعود احمدزاده هیچگاه اهمیت مبارزه علیه دیکتاتوری را حداقل بعنوان یک شعار بسیج‌گر رد نمی‌کردند ولی آنها بدرستی می‌فهمیدند که پذیرش نظرات بیژن بمفهوم برخورد مثبت با بخشی از نیروهای بورژوازی است که با استبداد مخالفند ولی جمهوری دموکراتیک خلق را تأیید نمی‌کنند و آنها این نیروها را دشمن خود میدانستند.

نتیجه بحث چندین ساله سازمان، بحثی که در اشکال دیگر از روز تاسیس سازمان تا به‌امروز در درون سازمان ما و در درون جنبش چپ وجود داشته، نوع رابطه با دیگر نیروهای اجتماعی است. مصوبه کنگره اخیر، موضع در قبال آزادیهای سیاسی را در مرکز ارزیابی خود از نقش مثبت یا منفی هر نیرو در این مقطع می‌داند و سایر نزدیکی‌های برنامه‌ای ما با دیگر نیروها را در وهله بعدی مورد توجه قرار می‌دهد. مثلاً آن بخش از لیبرالها که از زاویه نوع برخورد با مسائل اجتماعی، اقتصادی و به‌عبارت دیگر عدالت اجتماعی با ما فاصله دارند ولی به آزادیهای سیاسی معتقدند و در این راه عمل می‌کنند. در جامعه ما در لحظه کنونی نقش مثبت دارند و بالعکس.

جوهر تمامی مباحث در این بود که نیروهایی وجود دارند که به شکلی از جمهوری اسلامی اعتقاد دارند ولی مخالف استبدادند و این نیروها امروز نه در برابر ما بلکه همسو با ما هستند. سیاست‌ها و تاکتیک‌های ناشی از این نحوه برخورد با برخوردی که مقابله با کل جمهوری اسلامی را در دستور سیاسی روز قرار می‌داد از پایه با هم متفاوتند. در آن زمان شاید برای برخی‌ها مشاهده خیل نیروهای مسلمان معتقد به آزادیهای سیاسی دشوار بود و امروز خوشبختانه انکار آن ناممکن.

○ در سازمان تمایز مابین نیروهای مذهبی و سکولاری که در درون آنها در سالهای اخیر روی داده مورد توجه بود. نحوه برخورد با این نیروها تفاوت داشت.

○ کاملاً صحیح است. سازمان همواره تمایزات درون نیروهای مذهبی و درون نیروهای حاکم را مورد توجه قرار داده و این امر در تمامی استاد سازمان منعکس است. ولی در یک دوره متأسفانه دیدن این تمایزات با نتیجه‌گیری سیاسی بنظر من صحیح توأم نگردید. شما نشریات سازمان مجاهدین را ورق بزنید. این سازمان با دقتی بیش از ما تمایز هر یک از نیروهای سیاسی را مورد توجه قرار می‌دهد. خامنه‌ای و شیخ محمد یزدی با هم متفاوتند. از نظر ما تفاوت این دو کیفیتی متفاوت با تفاوت خامنه‌ای با ملا میجرانی و یا سروس و طبیعتاً نیروهای اجتماعی مشکل شده حول آنها دارد و از نظر سازمان مجاهدین تمایزات یزدی و خامنه‌ای و خاتمی و میجرانی و ... همه تضاد اردوی دشمن بوده و تنها در جهت تضعیف این اردو باید مورد توجه قرار گیرد. در تدوین سیاست دیدن تمایزات ضروری ولی ناکافیست.

○ در برنامه برای دموکراسی و عدالت اجتماعی آمده است، کشور ما نیازمند حکومتی دموکراتیک در شکل جمهوری به جای جمهوری اسلامی است. نظر شما پیرامون این موضوع چیست؟

○ ما خواهان جدایی دین از دولت و یا عبارت دیگر یک حکومت لائیک هستیم و طبیعی است که با هر حکومت مذهبی مخالفیم. پس از رد دیکتاتوری پرولتاریا و جمهوری دموکراتیک خلق ما در زمینه‌های برنامه‌ای تا به‌امروز اختلاف پر اهمیت و مرزبندی نداشته‌ایم. مباحثی که در این یا آن زمینه برنامه‌ای مثلاً در رابطه با مسأله ملی در سازمان جریان داشت و دارد بیش از آنکه مرزبندی اختلاف نظر باشد در خدمت روشن شدن ابهام‌ها و تدقیق برنامه بوده و من در کنگره از این سند منجمله فرمولبندی فوق دفاع کرده و بدان رای دادم. این بدان معنا نیست که این سند و این خط مشی سیاسی را فاقد نقطه ضعف و بی‌دقتی بدانم. بنظر من بی‌دقتی‌هایی در این اسناد وجود دارد که امیدوارم در آینده اصلاح شود. مثلاً در زمینه برنامه، من معتقدم اساساً باید انبساطی حرف زد. بیان نفی تصویر محدودی از اهداف یک سازمان ارائه می‌دهد. ما نه تنها با سیستمی که امروز بر جامعه حاکم است، بلکه با هر حاکمیت غیر دموکراتیک دیگری که فردا در فرمی دیگر بر کشور حاکم شود مخالفیم. تصور می‌کنم با بحث در یک فضای آرام پذیرفته خواهد شد که بکارگیری زبان نفی، زبان مناسبی

برای ارائه برنامه نیست. باید به مردم گفت ما چه حکومتی را خواهیم و چه پیشنهاداتی برای اداره کشور داریم. بکارگیری زبان نفی برخلاف ظاهرش نه در جهت بیان رادیکالتر، بلکه در جهت بیان محدودتر اهداف برنامه‌ای عمل می‌کند.

در عین حال موضوع دیگری که مورد بحث بوده اینست که برخی رفتاری ما بر توجه به مصالح و واقعیات سیاسی در فرم بیان احکام برنامه‌ای منجمله جمله فوق تأکید داشته و دارند. من چنین توجهاتی را برای یک سازمان سیاسی ضروری و چنین تاکیدی را مثبت می‌شناسم ولی در شرایط کنونی و این‌هاهایی که بدلیل شکست‌های نظری جریان‌ها چپ پدید آمده من در این عرصه از صراحت بیان احکامی که مورد پذیرش ماست دفاع کرده و می‌کنم.

○ در دو سند اوضاع کنونی و سیاست‌های ما موضوعات اساس دیگری نیز وجود دارد مثلاً نقش مردم در تحولات، نحوه برخورد با نیروهای حاکم و سطح و کیفیت جنبش توده‌ای. شما در این زمینه‌ها که موضوع بحث عملی سیاسی امروز همه نیروهاست چه نظری دارید؟

○ من با راستاهای تصویب شده در سند «اوضاع کنونی و سیاست‌های ما» موافقم و نیازی به تکرار آنها نمی‌بینم. امروز همه از جنبش توده‌ای و ضرورت تکیه بر انسان سخن می‌گویند. طبیعی است که ما بعنوان یک نیروی چپ به مردم تکیه داریم. ولی من می‌خواهم از زاویه دیگری تمایز با آنچه امروز در نشریات چپ معمول است و برای برخی ممکنست نامانوس و حتی نامطبوع باشد وارد بحث شوم.

شما یکبار نشریات هر یک از سازمانها را ورق بزنید و مجموعه مشخصاتی که برای جنبش توده‌ای در مقالات ذکر می‌شود در کنار هم بنویسید. هر آنچه از این سازمانها مربوطه ترفی خواهد بود و دموکراتیک و احیاناً انقلابی و خلاصه مثبت است از زبان جنبش توده‌ای بیان می‌شود. تا آنجا که بی‌التصمیم‌ترین مابین خواست‌هایی که به جنبش توده‌ای نسبت داده می‌شود و برنامه سازمان مربوطه دشوار است و جالب اینست که برخی از این سازمانها مربوطه می‌خواهند راجع به نیروهای مخالف خود ولی با نفوذ در میان مردم سخن گویند، همه تمایزات برنامه‌ای و سیاسی خود را بیاد می‌آورند.

من چندی پیش بمناسبتی مروری بر سیاست‌ها و نشریات پس از انقلاب داشتم. یاد یکی از جلساتی افتادم که با شرکت کیانوری داشتم. از وی سؤال کردم، ما با‌آزاد معین سیاسی آنچه وی بنام خط امام مطرح می‌کند چیست؟ کدام نیروهای مذهبی مشخصاً این خط را نمایندگی می‌کنند؟ وی پاسخ داد چنین نیروی وجود ندارد. خط امام یعنی برنامه حزب توده ایران. ما هرآنچه که امام می‌گوید و با برنامه ما همسوست بزرگ کرده و منعکس می‌کنیم. و باین وسیله برنامه خود را به‌میان توده‌ها می‌بریم. امروز جنبش توده‌ای یا خواست‌های توده‌ها چنین خصوصیتی یافته. آنچه بنام جنبش توده‌ای توسط بخشی از نیروها طرح می‌شود نه یک واقعیت بلکه یک ساخته ذهنی و یا به‌عبارت دیگر آن بخش از مردمند که با برنامه و سیاست‌های جریان مربوطه توافق دارند.

حزب مردم در ایران امروز خوشبختانه یک حرکت خودبخودی نیست. جریانهای سیاسی، اجتماعی در میان مردم نفوذ دارند و بسته به نفوذ خود بر سمت‌گیری آن موثرند. آنچه امروز در ایران رخ می‌دهد، نتیجه تعادل نیرو و کشتی و واکنش این نیروهاست. حرکت مردم امروز چیزی جز انعکاس سمت‌گیری این نیروهای اجتماعی نیست. نمی‌توان از حرکت مشخص تمجید کرد و رهبران و با نفوذترین نیروهای موثر در آن حرکت را نفی کرد. شما نمی‌توانید جنبش دانشجویی را بعنوان یکی از رادیکالترین و موثرترین نیروهای جنبش تأیید کنید و چپ‌های اسلامی که با نفوذترین نیرو در این جنبش هستند را نفی کنید و یا فراموش کنید بخشی از نیروهای موثر این جنبش کسانی هستند که همگرا با ما را از دانشگاهها اخراج کردند و برخی همین امروز نیز از این عمل خود دفاع می‌کنند. شما نمی‌توانید از جنبش نیرومند زنان سخن گویند و موثرترین نیروهای این جنبش را چه آنها را بتوانیم فمینیست‌های اسلامی بنامیم و چه نتوانیم، فاقد ظرفیت دفاع از حقوق زنان بدانید. هر یک از این جنبش‌ها انعکاسی از مجموعه نیروهاست و نقاط مثبت و منفی نیروهای موثر در آن جنبش را نیز منعکس

می‌کند. شما نمی‌توانید نیروهای اجتماعی و سازمانها و یا افراد هدایت‌کننده آنها را چه در قدرت باشند و چه نباشند از دو ماهیت متمایز بدانید. چپ‌های اسلامی هم بخشی از وزیران دولت را شامل می‌شوند، هم به‌زاد نبوی‌ها و سلامتی‌ها، هم دانشجویان دفتر تحکیم وحدت و هم همه نیروهایی که به تصمیم آنان به‌خیابان می‌آیند. هر تاکتیک ما باید بتواند توضیح دهد که چگونه می‌خواهد بر مبارزه واقعی موجود در جامعه موثر بوده و بر تعادل نیروهای اجتماعی تأثیر گذارد.

○ آیا فکر نمی‌کنید این تمایل که قطعاً با زیاد روی‌سایه‌ی نیز توأم است، ناشی از تمایل به رابطه‌گیری با این جنبش است. ممکن است انگیزه برخی چنین تمایلی باشد ولی اگر عمل سیاسی و نه تمایل و حرف را ملاک قرار دهیم اینگونه برخورد تنها جدایی نیروهای چپ در خارج از کشور بر ضرورت گسترش جنبش مستقل توده‌ای، جنبشی که خارج از نفوذ نیروهای سیاسی - اجتماعی باشد، سخن می‌گویند و معتقدند در چنین شرایطی توده‌ها می‌توانند با خواسته‌های واقعی خود به صحنه بیایند. وجود جنبشی که مستقل از نفوذ جریانهای سیاسی، اجتماعی باشد یا به‌عبارت دیگر جنبش خودانگیخته، نه نشانه پیشرفت که نشانه ابتدایی بودن سطح مبارزه است و این نحوه برخورد نه تمایل به توده‌ها بلکه تقدیس عقب‌ماندگی آنهاست.

شما نشریه راه کارگر را یکبار ورق بزنید. در هر پاراگراف آن یکبار از جنبش مستقل توده‌ها و یا خواست واقعی آنها سخن گفته می‌شود. معنای خواست واقعی توده‌ها چیست. توده‌ها خواستار آنند که مشکلات جامعه حل شده و زندگی آنها بهبود یابد و همه سازمانها و جریانهای سیاسی مدعیند که برنامه آنها پاسخگوی این خواست است. ما خود را هوادار مردم می‌دانیم. ما معتقدیم که برنامه ما راه حل مشکلات جامعه و پاسخگوی خواست‌های مردم است ولی این دلیل آن نمی‌شود که مردم هم حرف ما را بپذیرند و نظرات ما را تأیید کنند. اگر منظور از خواست واقعی مردم آن چیزی باشد که ما فکر می‌کنیم به تعداد جریانهای سیاسی خواست مردم وجود دارد. در ابتدای انقلاب بیش از ۹۰ درصد مردم به جمهوری اسلامی رای دادند. بسیار ساده‌اندیشی است که تصور کنیم این نه مردم بلکه فقط خمینی بود که خواست مردم را در استقرار جمهوری اسلامی منعکس می‌دید. من چندی قبل در بحثی با شرکت یکی از رهبران حزب کمونیست شرکت داشتم. او معتقد بود مردم خواستار جدایی دین از دولتند و یک وجه این جدایی آنست که در حکومت فردا هر نوع تدریس امور مذهبی به کودکان و حضور افراد زیر ۱۸ سال در مساجد ممنوع باشد. کسانی هم هستند که فکر می‌کنند، انجام فرائض مذهبی و تدریس آن در مدارس باید اجباری باشد. کسانی هم مثل ما اینها را اموری اختیاری و آزادی می‌دانند. شاید دوست ما واقعاً معتقد باشد که وی می‌خواست واقعی مردم را منعکس می‌کند ولی چند درصد از مردم در جامعه ما مثل او می‌اندیشند.

ارائه تصاویر غیر واقعی یا به دنباله‌روی از توده‌ها منجر می‌گردد و یا اینکه تنها آن بخشی از مبارزه که با علائق و مندهای ما نزدیک و یا مشابه است مورد توجه قرار می‌گیرد. شما بیاد دارید که در کنگره پیشین توجه به مبارزات آرام توده‌ای که در اشکال قانونی و نیمه‌قانونی جریان دارد بعنوان یکی از وظایف سازمان به تصویب رسید. این پیشنهاد در شورای مرکزی قبل از کنگره ۴ رد شد. کمیسیون منتخب کنگره این پیشنهاد را نپذیرفت و در کنگره این ایده با اکثریتی نه‌نیرومند رای مخالف بخشی از مسئولین سازمان به تصویب رسید. این مبارزات که نیروی خود را در انتخابات ۲ خرداد به نمایش گذاشت در تمامی این سالها در کشور وجود داشت و مشاهده آن بیچ و وجه دشوار نبود. چه عاملی موجب می‌شد که بخش بزرگی از کادرهای سازمان و اکثر سازمانهای چپ در خارج از کشور از دیدن این مبارزه ناتوان بمانند. آیا اگر در انتخابات دوم خرداد بجای ۲۰ میلیون، ۱۰ میلیون نفر به خاتمی رای می‌دادند این حرکت نامش یک جنبش توده‌ای نبود. آیا آنچه در انتخابات مجلس مثلاً در اصفهان رخ داد پیش‌زمینه ۲ خرداد در ابعاد کوچکتری نبود؟ مسأله این بود که در این جنبش نیروهایی که مورد تأیید ما نبودند نیرومند بودند و روشهای بکارگرفته

شده در این مبارزه بنظر خیلی‌ها غیر رادیکال می‌آمد. دیدن این تلاشها در جامعه دشوار نبود ولی برای کسانی که فکر می‌کردند اهداف بزرگتری را می‌توانست مستقیماً تعقیب کنند و اشکال رادیکالتری را می‌پسندیدند، این مبارزات حقیر جلوه می‌کرد و بهمین دلیل اصلاً دیده نمی‌شد. برای من تعجب‌آور است که هنوز خیلی‌ها نادرستی ارزیابی از پروسه‌هایی که به انتخابات ۲ خرداد منجر شد را تنها ناشی از کمبود اطلاعات می‌دانند. شرکت تا این حد گسترده مردم قابل پیش‌بینی نبود ولی ندیدن یا کم بها دادن به این جنبش نه ناشی از کمبود اطلاعات بلکه به دلیل نشان دادن خواسته‌های خود بجای واقعیات بود.

رابطه گرفتن و نفوذ در میان مردم ذره، ذره بدست می‌آید و این تنها در صورتی ممکن است که مردم بهمان صورتی که هستند، درک شوند. گذاشتن خواسته‌های خود بجای مردم نه تمایل به رابطه با مردم، بلکه دوری از آنان را منعکس می‌کند.

ایده‌های ما در بسیاری زمینه‌ها در جامعه ایران در اقلیت است. بجای ادعاها و تصاویر غیر واقعی بهتر است بدان بیاندیشیم که چگونه می‌توانیم عمل کنیم که مردم به حرف‌های ما گوش دهند و بدانها بیاندیشند.

○ در این رابطه راجع به نیروهای سهیم در قدرت چه فکر می‌کنید.

○ من فکر می‌کنم به این سؤال شما پاسخ دادم. در ایران شما نمی‌توانید صرفاً بر اساس بودن یا نبودن در قدرت نیروها را تقسیم‌بندی کنید. نیروی غالب در حاکمیت کاملاً نیرویی است که مخالف تحول بوده و می‌کوشد که جامعه را به شرایط قبل از ۲ خرداد بازگرداند. تعادل نیرو در یکسال اخیر مداوماً بزبان این نیرو در درون حاکمیت و در سطح جامعه تغییر پیدا کرده. ولی در جمهوری اسلامی چپ‌ها و لیبرالها و تکنوکرات‌های اسلامی نیز هر یک به نحوی در قدرت سیاسی سهیمند. در جمهوری اسلامی زمسانی بازرگان نخست‌وزیر بود، دوره‌ای بنی‌صدر رئیس جمهور و امروز نیز نیروهای مختلفی در قدرت شرکت دارند. شرایط کنونی ایران یک استثنا نیست. مثلاً امروز اگر کسی در فرانسه بگوید مخالف قدرت سیاسی است جای خود را در سمت‌گیری‌های اجتماعی روشن نکرده. هیچ نیروی سیاسی در فرانسه موضع واحدی در قبال شیراک رئیس جمهور، نخست‌وزیر سوسیالیست و وزیران کمونیست ندارد.

اتخاذ سیاست بر اساس تقسیم‌بندی نیروها به سهیم و غیر سهیم در قدرت در شرایط کنونی ایران نادرست و زیانبار است. ما بی‌بایست نسبت به هر یک از این جریانها بر اساس مواضع و عملکردهای موضع بگیریم.

○ به‌رحال جنبش توده‌ای مایملک کسی نیست. نیروهای مختلف در آن شرکت دارند و از سطح فعلی آن نیز درک‌های گوناگونی وجود دارد. ضمناً خطر وابسته شدن جنبش‌های مردمی و دموکراتیک به بخشی از حکومت نیز وجود دارد.

○ اینکه جنبش توده‌ای مایملک کسی نیست و نیروهای مختلفی در آن شرکت دارند کاملاً صحیح است. این خصوصیت یک مبارزه و نقطه قوت آن است. آنچه در جامعه ما جاریست انعکاس کشتی و واکنش مجموعه‌ای از نیروهای گوناگون است. چپ‌های اسلامی یا کارگزاران، هردوی آنها با لیبرالها و هر سه آنها با ما متفاوتند. ما با ایده‌ها و نظرات خود در این مبارزه شرکت می‌کنیم. خواست آزادی سیاسی نه فقط خواست دیگران بلکه بیش از همه خواست خود ماست. ما هیچ ابایی نباید داشته باشیم در آنجا که متفاوت با هر نیرویی میان‌دیشیم نظر خود را بیان کنیم. مثلاً بخش مهمی از نیروهای سیاسی کشور برداشت نادرستی از رابطه با کشورهای غربی و مسأله استقلال دارند. ما نباید از هیچ تلاشی جهت نقد نظرات آنان، تبادل نظر و تلاش در راه تأثیرگذاری متقابل با این نیروها خودداری کنیم. متأسفانه در جامعه ما همواره زور و سرکوب رابطه مابین نیروهای سیاسی، اجتماعی را تعیین کرده. اتحاد و همکاری موقتی و در بسیاری از موارد تنها یک امر تاکتیکی جهت قوی شدن و سرکوب دیگران بوده. تا آنجایی که کلمه سازش در فرهنگ سیاسی ما بلاخص فرهنگ سیاسی چپ واژه‌ای با بار منفی است. ما در غرب زندگی می‌کنیم و می‌بینیم که اینجا نیروها چقدر راحت با هم سازش می‌کنند، اما در صفحه ۱۱



# اپوزیسیون دمکرات و استراتژی در قبال رژیم جمهوری اسلامی ایران بعد از پیروزی خاتمی

## بخش اول

## فرامرزدادور

یقیناً حادثه دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ اوضاع جدیدی فراهم کرده که یک سازمان جدی سیاسی (در داخل و یا خارج از کشور) نمی‌تواند بدون توجه به آن سیاست مبارزاتی خود را سامان بخشد. فعالیت در جهت تدوین استراتژی برای استقرار دمکراسی (حکومت مردمی) و در آن راستا تلاش در جهت دستیابی به آزادی، عدالت اجتماعی و همبستگی انسانی، از مبارزین تجمیعی، انعطاف و دوراندیشی می‌طلبد. وگرنه خیلی راحت است که همچون گذشته به مسائل به شیوه رادیکالیسم افراطی (ارزیابی به مثابه سیاه و سفید) نگریسته شعارهای حماسه‌ای / انقلابی ولی در عین حال ساده‌انگارانه طرح نمود. واقعیت این است که در شرایط کنونی جامعه و در مقایسه با قبل از دوم خرداد، مستغیرهای جدیدی وارد عرصه سیاسی گردیده و در نتیجه طرح شیوه‌های فعالیت و خواسته‌های جدیدتر ضروری گشته‌اند. در عین حال، در اینکه نظام جمهوری اسلامی، قانون اساسی آن و بویژه اصل ولایت فقیه، همچنان بعنوان موانع اصلی در مقابل تحولات دمکراتیک قرار گرفته‌اند شکی نیست. ولی سؤال عمده این است که آیا با توجه به انجام تغییر کیفی در ترکیب گردانندگان حکومت فعلی، نمی‌تواند برنامه مبارزاتی متفاوت‌تری نیز در مقایسه با گذشته داشت؟

در این نوشته بحث اصلی این است که با انتخاب خاتمی از طرف اکثریت مردم بعنوان رئیس جمهور و در دست گرفتن قدرت اجرایی بوسیله طیف معتدل‌تری از حکومتگران، شیوه مبارزات سیاسی نیز می‌بایست بر بستر شرایط جدیدتر و در عین حال هموارتر و با توجه به فرصت‌های ممکن «قانونی» و «غیر قانونی» اتخاذ شود.

هم‌اکنون، در میان محافل حاکمه اختلافات سیاسی عمیق‌تری شده است. جناح راست سنتی و سازمانهای آن از قبیل جامعه روحانیت مبارز، جماعت مؤتلفه اسلامی و جمعیت دفاع از ارزشها هنوز بر نهادهای عمده سیاسی مسلط بوده با برخوردار از پشتیبانی «ولی فقیه» (آقای خامنه‌ای)، اکثریت مجلس، دستگاه قضایی، مجلس خبرگان و شورای نگهبان، قدرت فراوانی دارد. بخشی از روحانیت، بویژه تعدادی از علما در حوزه علمیه قم و همچنین برخی از جرائد مثل رسالت و کیهان، مدافع این طیف از حکومت هستند. در درون جامعه سرمایه تجاری و بخصوص سرمایه‌داران بزرگ سنتی در بازار، عمدتاً بنیاد مالی این کپ را تشکیل می‌دهند. همچنین برخی از طیفهای جوان از اقلیت زحمتکش و سنتی، که اکثر ناروشن بوده و دچار توهمات و تعصبات مذهبی هستند، در قالب گروههای حزب‌اللهی، عملاً نقش نیروهای فشار و سرکوب را علیه شخصیتها و گروههای آزادیخواه بازی می‌کنند.

در مقابل، جبهه متشکل از معتدلین میانه و چپ اسلامی که موقتاً حول محور انتخاب آقای خاتمی بوجود آمده بود، طبیعتاً یکدست نمی‌ماند. بخصوص اینکه در گذشته سیاستهای اقتصادی / اجتماعی رفسنجانی (که اکنون بعنوان رئیس شورای مصلحت نظام و معاون سخنگوی مجلس خبرگان عمل می‌کنند)، مجمع روحانیون مبارز، کارگزاران سازندگی و تکنوکراتهای فعال در این کپ، در مجموع بدون توجه به موضوع عدالت اجتماعی و آزادی و همچنین تحکیم غیر دمکراتیک این نظام بوده است.

در واقع، اگر آقای خاتمی، رئیس جمهور جدید بطور جدی خیال پیشبرد برنامه‌های ذکر شده در دوران کاندیداتوری و طرح شده در چند ماه اخیر را دارد، می‌باید در پاسخ به خواسته‌های مردم و گروههای اجتماعی در جامعه مدنی (سازمانهای کارگری، انجمن‌های دانشجویی، کانونهای نویسندگان و هنرمندان، متخصصین و غیره) و در همراهی با طیفهای تحول‌یافته رادیکال و معتدل اسلامی در پیرامون حکومت (مانند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و فعالین حول محور نشریاتی از قبیل سلام، عصر ما، کیان و ایران فردا) و همچنین در کنار تمامی نیروهای آزادیخواه (مذهبی و لائیک) که پیرو مبارزه مسالمت‌آمیز هستند، اعم از سازمانهای درون کشور (مثل نهضت آزادی ایران، جبهه ملی، حزب ملت) و همچنین سازمانهای خارج از کشور (مانند حزب دمکراتیک مردم، سازمان فدائیان خلق / اکثریت، سازمان جمهوریخواهان ملی و

سازمانهای جبهه ملی) به سازندگی دمکراتیک جامعه بپردازد.

بخشی از گفته‌های خاتمی، مثل احترام به آزادی اندیشه، حکومت قانون و تعمیق جامعه مدنی، در واقع از جمله خواسته‌های اصلی مردم و تمامی نیروهای مترقی است. خاتمی در مصاحبه‌اش (۱۳)، در قبال از انتخابات خردادماه، به مرتضی حاجی که در آنوقت مسئولیت تیم انتخاباتی وی را داشت و اکنون وزیر تعاونی است، می‌گوید که: «پیشرفت اقتصادی بدون وجود یک نظام مناسب سیاسی و جامعه دمکراتیک انجام نمی‌گیرد». طرح نظرها باید آزاد باشند وگرنه محدودیت و کنترل افکار که غیر انسانی است موجب پیدایش فرهنگ بندگی و تسلیم طلبی می‌شود. «هرجامعه‌ای که خالی از تحمل و تساهل نسبت به نظرگاههای مختلف باشد محکوم به استبداد است». وی اضافه می‌کند که اگر مطبوعات آزاد باشند می‌توانند به مثابه یک رکن اصلی در جامعه به پخش اطلاعات و روشنگری در میان مردم بیفزایند. مطبوعات و روزنامه‌های محلی می‌باید «بعنوان صدای مردم و آینه‌های از شرایط زندگی آنها عمل کنند».

یقیناً یک‌چنین خط فکری در صورت عملی شدنش در برنامه‌های دوران ریاست جمهوری خاتمی، زمینه مناسبی برای تحریک حق‌طلبانه گروههای اجتماعی در جامعه مدنی و آزادی عمل بیشتر برای مردم و بویژه اپوزیسیون دمکرات خواهد آورد. البته برخی از گفته‌های دیگر خاتمی، هنوز نگران‌کننده است و در صورت تسلیم و تغییر برنامه در زیر فشار جناح قدرتمند راست و سنتی و تقویت و تکرارهای مستبدانه در دولت وی، نمی‌توان امید زیادی به انجام دگرگونیهای عمیق در عرصه سیاس / اجتماعی داشت. در میان این جنبه از نظرات غیردمکراتیک می‌توان به اظهارات خاتمی در مورد وفاداریش به اصل ولایت فقیه و تدوین سیاست سرکوب علیه «گروههای مخالف نظام سیاسی موجود» اشاره نمود. در این مورد می‌توان انعکاس یک همچون پیش و برنامه سیاسی مستفاد را در رابطه با حوادثی از قبیل ضرب و شتم آیت‌الله منتظری، حمله به سخنرانی‌های برخی از شخصیت‌های دگراندیش و مخالف مثل عبدالکریم سروش، حبیب‌الله پیمان و ابراهیم یزدی دید. پس از دستگیری منتظری، در ابتدا خاتمی، اعضای کابینه وی و نمایندگان متعلق به این کپ (معتدل) سکوت کردند و سپس بطور رقیق، آنها را تأکید به حراست از اصل ولایت فقیه، از برخورد خونین‌تر برخی از «گروههای فشار» انتقاد نمودند.

این در حالیست که بعضی از جریانات در پیرامون حکومت مثل سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، در عین حال که به اصل ولایت فقیه ابراز وفاداری می‌نمودند، ولی بطور آشکارتری به نحوه عملکرد برخی از نهادهای قدرت و از جمله رئیس قوه قضائیه، شبکه صدا و سیما و همچنین «توطئه» از طرف جناح «استبداد و انحصار» اعتراض کردند. البته تعدادی از شخصیتها مستقل‌تر سیاسی مانند اعظم طالقانی (نماینده مجلس)، علناً در دفاع از حقوق مدنی آیت‌الله منتظری، شیوه برخورد دستگاه قضائی و سازمان اطلاعات را شدیداً محکوم نمودند. آقای خاتمی و دولت وی، بعنوان دستگاه اجرایی کشور پس از سکوت اولیه، تنها به ابراز تأسف (بطور ملایم) او نحوه عملکرد برخی از گروههای حزب‌الله قناعت نمود. اینگونه سیاست رقیق، در صورت ادامه، به اعتبار برنامه‌های اعلام شده از طرف دولت خاتمی، یعنی تقویت جامعه مدنی و نهادینه کردن آزادیهای سیاسی و اجتماعی ضربه می‌زند. در هر صورت، با توجه به واقعیت سیاسی در ایران و جوهر غیر دمکراتیک قانون اساسی جمهوری اسلامی است که اپوزیسیون آزادیخواه می‌بایست، در قبال ماهیت مستفاد این نظام، رقابت‌های درون حکومتی و نوسانات سیاسی متأثر از آن به اتخاذ یک استراتژی مناسب دست یابد.

**نقش اپوزیسیون دمکرات**

سؤال عمده در حال حاضر این است که آیا نیروهای دمکرات و بویژه چپ آزادیخواه، در شرایط کنونی، چگونه می‌توانند دوش بدوش مردم به فعالیت ادامه دهند؟ جنبش دمکراتیک ایران در دو عرصه درون و بیرون از کشور

مبارزه می‌کند. در داخل ایران افراد و سازمانهای آزادیخواه (مذهبی و لائیک) مانند حبیب‌الله پیمان، عزت‌الله سحابی، عبدالکریم سروش، نهضت آزادی، جبهه ملی، حزب ملت و غیره، همواره توانسته‌اند که به شکل محدود در بخشی از جامعه مدنی، در حیطه مطبوعات و در اشکال نامه‌های اعتراضی و مباحث روشنگرانه فعالیت‌هایی انجام دهند. گرچه جناح راست‌گرای سنتی، بخصوص در چند سال اخیر، با هجوم فرهنگی از طریق سیاست سانسور و توطئه (از قبیل برنامه هویت) و همچنین شیوه‌های سرکوب (با استفاده از سازمان اطلاعات و گروه‌های حزب‌الله) فضا را برای فعالیت‌های دمکراتیک فوق‌العاده تنگ نموده است، با اینهمه طیف فعال آزادیخواه توانسته است با بررسی‌های تحلیلی - انتقادی از مسائل مهم جامعه، شرایط غیرانسانی موجود را افشا نموده پیام‌های روشنگرانه و خواسته‌های رهائی‌بخش را در بین افکار عمومی مطرح کند. انتخاب خاتمی به ریاست جمهوری زمینه مساعدتری را برای این کارزار اجتماعی و بویژه در حیطه جامعه مدنی (حداقل در عرصه فعالیت‌های فرهنگی و صنفی) بوجود آورده است که در موقعیت کنونی می‌باید از آن استفاده شود. در ماههای اخیر، فعالیت داخل کشور با توجه به شرایط تحول یافته، بدرستی به دامنه مبارزه افزوده‌اند.

البته شیوه فعالیت‌ها یکی نیست و تفاوت‌های محسوسی در سیاست این گروهها و افراد وجود دارند. برای مثال گروه‌هایی مانند نهضت آزادی ایران اعتقاد بر این دارند که باید در چارچوب قانون اساسی موجود، «صرف نظر از اعتقاد و یا عدم اعتقاد به اصول مذهب» در آن فعالیت نمود. یعنی این مفهوم که می‌باید به اصل ولایت فقیه به مثابه یک بند از قانون اساسی احترام گذاشت و مبارزه سیاسی را عملاً در فضای محدودی که این اصل تحمیل می‌کند به پیش برد. گروه‌های دیگر مثل جبهه ملی و حزب ملت با نفی اصل ولایت فقیه مبارزه مسالمت‌آمیز را وجود اختلاف‌نظر در طرح استراتژی، طبیعتاً، وجود اختلاف‌نظر در طرح استراتژی، بویژه در بعد از خردادماه ۱۳۷۶، به یکی از موضوعات مهم و بحث‌انگیز برای اپوزیسیون در خارج از ایران، نیز تبدیل گشته است. روشن است که اپوزیسیون بیرون مرزی که از آزادی عمل بیشتری برخوردار است می‌تواند به کارزار گسترده‌تری در دفاع از حقوق بشر و افشای گری از شرایط غیر دمکراتیک جامعه دست زند. ولی در عین حال طرح شعارها و شیوه‌های مبارزه که عمدتاً برای حرکت سیاسی در داخل ایران است باید با واقعیت‌های جامعه نیز همخوانی داشته باشد. تنها در سایه هماهنگ نمودن فعالیت‌های سیاسی از طرف تمامی نیروهای دمکراتیک در داخل و خارج و بوجود آوردن یک انسجام جبهه‌ای است که می‌توان بطور جدی در معادلات سیاسی جامعه تأثیر گذاشت. در این صورت نمی‌بایست فرق زیادی بین استراتژی اپوزیسیون آزادیخواه در هر دو طرف مرز و در رابطه با طرح اصلی‌ترین شعارها و اشکال حرکت سیاسی وجود داشته باشد. البته در این نوشتار نظر بر این است که بخاطر پیشبرد یک مبارزه وسیع در جهت استقرار آزادی و عدالت اجتماعی، جوهر حرکت نیز می‌باید به روش‌های مسالمت‌آمیز و شیوه‌های بیانی و گفتن انگیز متکی باشد. در واقع پیشی که متد منظره و دیالوگ را در مرکز استراتژی مبارزه می‌گذارد می‌بایست محور اصلی برنامه‌های اپوزیسیون در داخل و خارج از کشور را تشکیل دهد.

اما شعار مبارزه مسالمت‌آمیز تفاسیر مختلفی از خود بجای گذاشته است و همانطور که در بالا اشاره شد، برخی از طیفهای اپوزیسیون در داخل ایران (مثل نهضت آزادی) شکل و مضمون آنرا به فعالیت در چارچوب قانون اساسی محدود می‌کنند. طبعاً این نیروها بر اساس شناخت فلسفی و نگرش خاص خود به عرصه کارزار سیاست استحال در نظام سیاسی حاکم را اتخاذ نموده‌اند که می‌توان آنرا بعنوان یکی از زوایای فشار به رژیم به حساب آورد. اما میدان مبارزه را می‌توان بشکل دیگری نیز نگریست و متناصب با آن شیوه مبارزاتی دیگری اعمال نمود. از نقطه‌نظر این نوشتار، برای نیل به اهداف آزادیخواهانه و عدالت‌طلبانه، ضروری است که در شعارها و برنامه‌ها، اهداف کوتاه مدت و همچنین

خواسته‌های استراتژیک، همواره منعکس باشند. وگرنه برای بسیاری از مردم، با توجه به تجربه انقلاب اخیر و درجه بالای شناخت از ماهیت غیر دمکراتیک نظام موجود، ذکر یک سری شعارها و اظهارات کلی و نامشخص دیگر به تنهایی کافی نیستند. با توجه به آگاهی بیشتر مردم راجع به نیازهای اساسی جامعه و در عین حال رشد تنوع فکری در میان مردم، موضوعی که پیشاپیش عیان است، وجود طیف‌های سیاسی مختلف با دیدگاههای متفاوت مبارزاتی است که در صورت تشکل آنها در یک جبهه وسیع از اپوزیسیون دمکرات، علاوه بر توافق بر روی یک برنامه حداقل حول محور مبارزه برای احقاق دمکراسی، طبیعتاً خواسته‌ها و شیوه‌های فعالیت ویژه (فردی و گروهی) خود را نیز به همراه خواهند داشت. با توجه به این واقعیت، تقریباً غیر ممکن خواهد بود که یکجانبه گستره‌ای از مطالبات را بتوان در سطح یک برنامه دقیق و محدود در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی محدود نمود. مثلاً طیف چپ بنا بر خصصت ضد سرمایه‌داری آن نمی‌تواند هیچگاه از بررسی نقدانه شرایطی که در ایران و جهان حکمفرماست طفره رود. در عین حال که ضرورت مبارزه در جهت استقرار دمکراسی را همچنان می‌بیند. و با گروه‌های لیبرال / دمکرات (اسلامی و لائیک) که عمدتاً حول محور مبارزه برای اخذ آزادی در چارچوب قوانین مدنی حرکت می‌کنند طبیعتاً انرژی مبارزاتی خود را معطوف به فلسفه آزادیخواهی نموده و حول محور آن تمرکز فعالیت خواهند داشت. بدین خاطر، تشکیل یک جبهه دمکراتیک از افراد و سازمانهای آزادیخواه (در درون و خارج از ایران)، حول محور مبارزه در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی که خود پایه‌ای‌ترین حقوق انسانی را نقض می‌کند، هیچگاه به واقعیت نخواهد پیوست، مگر اینکه این جبهه خود را به سطح یک اپوزیسیون «قابل قبول» برای رژیم یک نظام مردم سالار و احقاق خواسته‌های بنیادی مردم معطوف می‌نماید.

در مسأله، با توجه به تجربیات غیر دمکراتیک در نظام‌های برآمده از انقلابات بنیادگرای سوسیالیستی و توده‌ای در این قرن برای اپوزیسیون دمکرات و چپ آزادیخواه ضرورت طرح شعارهای واقع‌گرایانه که با خواسته‌های منطقی و همچنین درازمدت مردم خوانایی داشته باشند نیز وجود دارد. برای مثال، تبلیغ سیاست خشونت در برابر حکومت که سوار بر موج احساسات زودگذر مردم باشد معمولاً به رویارویی قهرآمیز و حرکت‌های تخریب‌آمیز و تیجتها سرکوب شدید شورشگران از طرف عوامل رژیم می‌انجامد که لزوماً تأثیر مثبتی در جهت تحولات دمکراتیک ندارد. در حالیکه می‌توان با تمرکز بخشی از فعالیت‌ها در چارچوب جامعه مدنی، در اشکال مختلف و با متفاوت مسالمت‌آمیز مبارزه مسالمت‌آمیز گسترده‌تری را پیش برد. آندسته از طیف‌های سیاسی (مانند نهضت آزادی ایران) که می‌خواهند در محدوده قانون اساسی جمهوری اسلامی (حتی اگر با برخی از مواد آن و از جمله اصل ولایت فقیه مخالف هستند) فعالیت کنند، عمدتاً استراتژی حرکت را در مسیر استحال و اصلاحات سیاسی در درون نظام و نهایتاً تعویض قدرت در حکومت جمهوری اسلامی قرار داده‌اند. طبیعتاً شکل مبارزه و ماهیت شعارهای آنها نیز متفاوت است. با توجه به واقعیت حضور نیروهای متنوع در صحنه جامعه، این یکی از جبهه‌های نبرد برای دمکراسی است. اما در برابر جنبش دمکراتیک و بویژه طیف‌های چپ آزادیخواه شیوه‌های آلترناتیو دیگری نیز وجود دارند. در واقع تحولات بنیادین دمکراتیک، عمدتاً بر روی شالوده فعالیت‌های جنبش‌های متعدد با برنامه‌های متفاوت اجتماعی و در نتیجه سبیلور سیاسی فرآیند این نیروهای مختلف در یک جهت مشخص (برکناری نظام ولایت فقیه) تحقق می‌یابد. با شناخت از وجود این تنوع مبارزاتی است که سازمانها می‌باید به حفظ بنیادهای فکری و خواسته‌های ویژه خود، قاطعانه برنامه‌های مشخص خود را مطرح کنند و در عین حال در صورت تشکل در صفوف جبهه وسیع مردمی به درجات مختلف در نبرد برای دمکراسی شرکت کنند.

اعتقاد به اصول آزادیخواهی و عدالت‌طلبی ژرف‌تر از آن است که تنها با تعویض نظام سیاسی فعلی و حتی با استقرار دمکراسی سیاسی برآورده شود. بخصوص برای اپوزیسیون چپ دمکرات که در عین حال به اتوپیای استثمارزدانی در تمام شئون جامعه معتقد است مشکل خواهد بود که شعارها و برنامه مبارزاتی خود را به سطح قانون اساسی جمهوری اسلامی تنزل بدهد. و البته، به احتمال قوی آن شکل از مبارزه مسالمت‌آمیز که همواره اصول بنیادین قانون اساسی را زیر سؤال برد از طرف رژیم ولایت فقیه تحمل نخواهد شد. واقعیت این است که حتی در محدوده شعارها و برنامه‌های معتدل طرح شده از طرف رئیس جمهور جدید خاتمی، نیز یک استراتژی مدافع دمکراسی واقعی، امکان عملی کمی برای پیگیری در چارچوب قانون خواهد داشت. بنا به گفته خود خاتمی هر جریانی که مخالف نظام حاضر (سیستم ولایت فقیه) باشد می‌باید شدیداً سرکوب گردد. با تمام این وجود، بر عهده نیروهای آزادیخواه (چپ و ملیون) است که با طرح مشخص خطوط فکری / مبارزاتی خود، رژیم ولایت فقیه را در جبهه‌های متعدد مورد خطاب قرار داده درصدد تغییر و تحول در جامعه سیاسی حول محور خواسته‌ها و برنامه‌های متنوع و دمکراتیک برآیند. از نقطه‌نظر این نوشته، مناسبترین حرکت سیاسی برای اپوزیسیون دمکرات و جمهوریخواه، استفاده از تمامی راه‌های ممکن مسالمت‌آمیز است که بدون شک از طرف حکومت فعلی، عمدتاً «غیر قانونی» محسوب می‌شوند.

با توجه به این واقعیت، اگر در چارچوب موازین سیاسی حاکم نمی‌توان فعالیت «قانونی» نمود، پس ضرورت چاره‌جویی برای روش‌های دیگر است که فعالیت در اشکال تجمع‌های اجتماعی - سیاسی محور اصلی آنرا تشکیل می‌دهد. برخلاف شرایط موجود در جوامع پیشرفته غربی که رشد جامعه مدنی برای تحمیل اولیه قانونی و آزادی عمل لازمه را برای حرکت سیاسی فردی و گروهی بوجود آورده است، در ایران مثل خیلی از کشورهای دیگر که تحت سلطه حکومت‌های خودکامه هستند، شیوه‌های مبارزه برای دمکراسی، لزوماً شکل «قانونی» به‌خود نمی‌گیرد. فعالیت‌های همچون اعتصاب، تظاهرات، تحریم و نامه‌های اعتراضی به مثابه حرکت‌های سیاسی هستند که در اغلب اوقات از طرف رژیم فراقانونی و یا غیر قانونی اعلام می‌گردند. البته اینجا جای تأکید است که حتی در جوامع لیبرال - دمکراتیک که نهادهای سیاسی (امثال جمهوری و پارلمان) به‌تنهایی قابلیت حمل خواسته‌های مردمی را ندارند، برای جنبش‌های مردمی مانند سازمانهای سیاسی، اتحادیه‌های کارگری، گروه‌های طرفدار حقوق بشر و محیط زیست و انجمن‌های اقلیتها و زنان، فعالیت‌های سیاسی همیشه به‌خود شکل قانونی نمی‌گیرند. وجود شرایط ناعادلانه زندگی در این جوامع نیز نشان می‌دهد که حتی استقرار آزادی‌های سیاسی و حقوق مدنی، بخودی‌خود چندان به تعمیق دمکراسی به مثابه توزیع عادلانه منابع قدرت و ثروت و مشارکت فعال مردم در امور جامعه کمک نموده است. زیرا وجود قدرتهای عظیم مالی و مدافعی سیاسی آنها در احزاب محافظه کار و پستهای دولتی، بطور فاحش از قدرت سیاسی / اجتماعی اکثریت جامعه که هرچه بیشتر به نوعی از زندگی فردی و پراکنده از همدیگر رانده شده‌اند، برای عموم مردم در جوامع غربی، دمکراسی به واقعی آن یعنی مشارکت خلاق و پویای همگانی در اداره امور جامعه وجود ندارد. بهرحال مسله‌ای که می‌باید برای اپوزیسیون دمکرات در ایران روشن باشد این است که اصول لیبرالی (حقوق مدنی) و موازین دمکراتیک (مشارکت موثر مردم) بخشی از ارزشها و خواسته‌های یحق انسانی است که برنامه‌ریزی برای احقاق آنها نباید به قالب‌های سیاسی تحمیل شده از طرف رژیم محدود شوند.

در مجموع می‌توان گفت که پیشرفت انسانی در جامعه، عمدتاً در گرو فعالیت خلاق شهروندان در تجمع‌های مردمی حول محور موضوعات با اهمیت مثل تعمیق آزادی و عدالت اجتماعی و از جمله تحقق خواسته‌های صنفی / اجتماعی کارگران، اقلیتها و زنان است. ادامه دارد

## گزارش یک هفته گفت و گو

گفت و گوی رفیق کیانوش (مسرور) با...

چندی پیش با یکی از اعضای قدیمی سازمان درباره اسناد کنگره به بحث نشستیم. آن چه که در زیر می خوانید حاصل این گفت و گو است.

س می دانی که سازمان در یک فراخوان به نحوی خواسته است که اعضا و فعالین گذشته را به همکاری دعوت نماید، راستی چرا با سازمان کار نمی کنی. آیا دست از فعالیت سیاسی برداشته ای؟

ج) ببین، بعد از ۲۷ سال فعالیت سیاسی که پیش از نسبی از آن را به شکل حرفه ای گذرانده ام، تازه احساس می کنم، دارم سیاست را درک می کنم و اکنون فعالیت سیاسی را در همان حالات متعارف گذشته اش قبول ندارم و درک امروزی فعالین سیاسی در سازمان را بسیار ابتدایی و به یک بازی سیاسی شبیه می دانم و درباره فعالیت سیاسی لازم به ذکر است. وقتی رژیم ولایت فقیه، شائیدن، مردم را سیاسی قلمداد می کند، در واقع از سیاست گریزی نیست. من از فعالیت سیاسی نبریده ام، بلکه از احزاب و سازمان های اپوزیسیون (خارج از کشور) به طور جدی ناامید شده ام و فعالیت در آن ها را بی ثمر می دانم و اعتقاد دارم فعالیت در این چارچوب، آن هم در خارج از کشور، مانع بروز خلاقیت های فردی اعضای این گروه ها و مانع رشد فکری و سیاسی آنان می شود.

س می دانی که سیاست تئوری قدرت است. وقتی احزاب در جامعه فعالیت علنی، نیمه علنی و یا حتی مخفی دارند، برای یادگیری و کسب آرا، خواست های و افکار عمومی، جامعه را می بایست در نظر گیرند و تلاش نمایند با جامعه پیوند برقرار کنند و احزاب در چنین جوامعی ناگزیرند، با طرح ها و شعارهای نو و برنامه های پبتری به میان مردم بروند. اما نگاه کنیید به کارنامه ۱۶ سال فعالیت احزاب سیاسی در خارج از کشور، آنان فرما را از دست داده اند. به جای این که با هم همکاری کنند، امکاناتشان را یک کاسه نمایند، فعالیت شان را متمرکز کرده، از گذشته بیاموزند و از امکانات بی نظیر بین المللی استفاده کنند و تری دهن ولایت فقیه بزنند و آن را به عقب نشینی وادارند تا از این طریق، فضا برای رشد اپوزیسیون در داخل کشور مهیا شود. پیشان را تری یک کفش کرده اند، که جمهوری اسلامی ظرفیت تحول ندارد، به رفم سیاسی باور ندارند در نتیجه، اهمیتی به جنبش اصلاح طلبانه داخل کشور نمی دهند و برخی آن را «جنگ گرگ ها» می نامند و اپوزیسیون داخل کشور را به عنوان نیروی اصلی اپوزیسیون به رسمیت نمی شناسند و همچنان از خارج کشور تبلیغ انقلاب می کنند و هرچه زمان می گذرد شعارهایشان تند، تیز و لوکس تر می شود. واقعیت این است که اپوزیسیون خارج از کشور هیچ ارتباط ارگانیک با داخل کشور و با مبارزه مردم ندارد و در فضای دموکراتیک خارج از کشور هم ارتباطشان با ایرانیان به حداقل رسیده است. علل واقعی را باید در سکتاریسم، گروه گرایی و خلاصه بی منطقی اپوزیسیون جست و جو کرد. که متأسفانه یک نوع سیاست گریزی در بین ایرانیان خارج از کشور ایجاد کرده، به خصوص سازمان های چپ هم چنان نیرو از دست می دهند و اثربخشی خود را بر مبارزات در داخل کشور را از دست داده اند و دچار بن بست و بحران همه جانبه شده اند.

س) فکر نمی کنید، دارید همه را به یک چوب می رانید، به هر حال استثنا وجود دارد. ج) به نظر من در مورد سکتاریسم گروه های چپ ایرانی البته شدت و ضعف دارد، اما استثنا وجود ندارد. در واقع خوب که بنگریم هیچ حزب و سازمانی که واقعاً دموکرات (یا ملاًک غربی) باشد، نداریم. نزدیک به ده سال است که چپ های دموکرات تلاش کرده اند، یک جبهه ایجاد کنند، سرانجام منشور هم کاری سه سازمان را با هزار اما، اگر و مگر، شرط و شروط انتشار داده اند. اعضای منشور مشور شده، به باطنی تاریخ سپرده شد. در مورد چپ های رادیکال و انقلابی که دیگر جای خود دارد، واقعیت این است که هر سازمان چپ ایرانی تنها حاضر است، با چپ تر از خودش وارد گفت و گو و احتمالاً همکاری گردد، از این که با احزاب راست تر از خود وارد گفت و گو و همکاری شود، هراس دارند و به عبارتی سازمان های چپ اسیر تبلیغات خود ساخته هستند، به لحاظ عملی آنان قبل از این که به فکر تاثیر گذاری بر مبارزات مردم باشند از ۱۶ سال پیش به این طرف تنها به فکر حفظ سازمان و گروه خود هستند. بگذار مثال دیگری از سکتاریسم، مشخصاً «در سازمان» بیاوریم. بگویم. سازمان در این سال ها به جای جبهه دموکراسی، شعار جمهوری مبتنی بر دموکراسی را راه نمای عمل خود قرار داده و تا امروز با مشروطه خواهان دموکرات خط و مرز کشیده و حاضر به همکاری با آنان نیست. به راستی نمی دانم فلسفه این گونه سرزکشی ها چیست؟ س) فکر کنم، یک تناقضی در نظرات هست. از یک طرف عملاً تو با چپ هایی که شعار

سرنگونی می دهند، مرز داری و از سوی دیگر نمی توانم بفهمم، چرا نمی شود با سلطنت طلبان «که خیلی آشکارتر و جدی تر خواهان سرنگونی هستند» مرز داشت؟ ج) ناچارم حرف هایم را تلگرافی بزنم: اولاً دموکرات واقعی تنها با استبداد و تفکرات مستبدانه عملاً مرز دارد. ثانیاً در شرایط فعلی به آشتی ملی و بیرون راندن استبداد ولایت فقیه از قدرت سیاسی باور دارم. ثالثاً سلطنت طلبان بخشی از جامعه ایران هستند و اگر اعتقاد به دموکراسی داشته باشیم نمی توانیم این نیروی اجتماعی را به دل خواه حذف کنیم. رابعاً سلطنت طلبان خود به چند گروه و سازمان سیاسی تقسیم شده اند. که متظور من، «سازمان مشروطه خواهان ایران» است که از گذشته دیکتاتوری شاه درس گرفته و به اعتقاد من در جبهه، دموکراسی قرار دارد و یا حداقل چنین ادعایی دارد.

س) خوب، کنگره پنجم سازمان برگزار شد، برایم عجیب بود، علی رغم این که دعوت شده بودی، در آن شرکت نکردی و دیگر این که، ارزیابی تو از کنگره و مصوباتش چیست؟ ج) شاید از این که به من حق رای داده نشده بود و بهانه کردم و در آن شرکت نکردم، بگذریم، به عقیده من مصوبات کنگره، از مسایل ایران به دور بود، به طور نمونه بگویم، در چهار انتخابات مهم پیش روی کنگره پنجم، که عبارت باشد از: انتخابات میان دوره ای، انتخابات شورای شهر و استان، (که شورای نگهبان حق نظارت در تعیین نامزدها را ندارد)، انتخابات خیرگان (که حق عزل رهبر را دارد) و سرانجام انتخابات ششمین دوره مجلس شورا، که کنگره کلمه ای راجع به این انتخابات مهم و تا حدودی سرنوشت ساز صحبت نکرد، تنها تحریم انتخابات توسط شورای مرکزی چهارم را محکوم کرد، بدون این که مشخص کند در انتخابات آتی شورای مرکزی دقیقاً چه روشی را بایستی در پیش گیرند. نشریه گوا به جای تدارک فکری کنگره، که مشخصاً می بایست اوضاع کنونی کشور و تعیین سیاست های روز را مورد بررسی دقیق قرار دهد به بحث های بی پایان (سیمای امروزین چپ) پرداخت. حتی اسناد کمیسیون فرستاد نقد و بررسی را پیدا نکردند.

اما در بررسی اسناد، از مقبول ترین اش به نام «اوضاع کنونی و سیاست های ما» که علی رغم برخی اشکالات جدی، یگانه مصوبه ای است که با اوضاع ایران هم خوانی دارد، آغاز می کنم. «سند» به درستی اوضاع موجود را ناپایدار و جامعه را آستین رویدادهای جدی ارزیابی می کند و سمت اصلی مبارزه را افشاگری و بسیج نیروها علیه ولایت فقیه می داند. «سند» اما از طرفی به درستی، آقای خاتمی را به انجام وعده های انتخابی اش دعوت می کند و از سوی دیگر می گوید: «ملاک برخورد سازمان ما با خاتمی، عمل کرد او در قبال خواست های مردم است.» یک بام و دو هوا که نمی شود، ملاک هم وعده های انتخابی باشد و هم خواست های مردم که هیچ معلوم نیست که این مردم از چه گروه و طبقه ای هستند و چه خواست های به جا و یا نابهنگامی را طرح خواهند کرد، با این سیاست احتمال آن می رود که سمت اصلی مبارزه کم رنگ شود و مبارزه اصلاح طلبان با محافظه کاران سنی (طرفداران ولایت فقیه) مبارزه درونی و تنها برای قدرت ارزیابی گردد. بنابراین ضروری است که سمت اصلی حرکت اصلاح طلبان و پشتیبانی همه جانبه از اپوزیسیون داخل کشور به عمل آید.

در اولین بند «اوضاع کنونی و سیاست های ما»، «آزادی بی قید و شرط و انتخاب محل سکونت» را طرح می کند، باز هم «سنگ بزرگ و علامت نزدن» اولین بار این شعار توسط لنین قبل از اکتبر طرح شد، که بعد از انقلاب اکتبر حتی آزادی با قید و شرط هم به مردم اتحاد شوروی سابق ندادند و سرانجام، آن نظام فرو پاشید. هم اکنون نیز عملاً در هیچ کجای جهان آزادی بی قید و شرط نداریم. حالا این شعار برای ایران، کشوری که ابتدایی ترین حقوق مردم در آن پای مال می شود، در کشوری که ۶۰۰ هزار روستا دارد و نزدیک به ۴۰ درصد بی سواد دارد و به لحاظ مذهب و برخی سنت های بازدارنده دموکراسی، مشخص می شود. آیا به نظر تو شعار لوکسی نیست؟ در ضمن شعار «انتخاب محل سکونت» شعار بی معنایی است، چرا که وقتی آدم توی ایران پول داشته باشد، مشکلی در انتخاب محل سکونت ندارد. س) نظرت راجع به (فعالیت آزادانه سازمان در داخل کشور) که توسط یکی از اعضای شورای مرکزی طرح شد و به نوعی هم در کنگره به تصویب رسید، چیست؟

ج) طرح فعالیت علنی سازمان اولین بار توسط آقای حسین جواهری در کنگره دوم، طرح شد. که اتفاقاً «مورد مخالفت جدی آقای «ف» تابان» قرار گرفت و ایشان مقاله (چند گام به پس) را علیه آن نوشت واقعاً چه مسأله ای اتفاق افتاده که این بار با این همه سر و صدا مطرح می شود. در ضمن فعالیت علنی خواست همیشگی احزاب سیاسی است. س) ببین، طرح ها متفاوتند و شرایط هم فرق می کند، رفیق تابان کاری به اجازه قانونی ندارد و مبارزه از پایین را طرح می کند. ج) به عبارتی ایشان اوضاع کنونی را شبیه سال ۵۷ می داند که احزاب بدون اجازه دولت فعالیت علنی یافتند. به عقیده من این بدفهمی از دوم خرداد است. چرا که رژیم ولایت فقیه تمام تلاش تبلیغاتی را به کار گرفت که ناطق نوری را به مسند ریاست جمهوری برساند، اپوزیسیون تحریم را برگزید، مردم هم به ولایت فقیه «نه» گفتند و هم به اپوزیسیون، به عبارتی نشان دادند که حال انقلاب دیگری را ندارند، در واقع مردم دنبال معجزه و ناجی می گشتند، مردم کوچک و بزرگ در حقیقت چندان شناختی از خاتمی نداشتند، اما رقیب ایشان را یعنی ناطق نوری را خوب می شناختند. به هر حال مردم به ویژه جوانان و زنان به وعده های اصلاح طلبانه ایشان باور دارند و جناح محافظه کار حاکم را سذ این روند می دانند و مهم این است که مردم بی تفاوتی سیاسی را کنار گذاشتند و یک بار دیگر به نیروی خود ایمان آوردند و وارد صحنه سیاسی شدند و از سوی دیگر مردم تجربه خوبی از احزاب سیاسی چپ و به طور کلی اعتماد چندان به اپوزیسیون خارج از کشور ندارند و چشم شان از احزاب سیاسی ترسیده و مضاف بر این که مردم آن قدر مشکلات دارند و این کاملاً غیرواقعی است که فکر کنیم، مردم برای آزادی فعالیت سازمان و یا سایرین دست به قیام بزنند!

از سوی دیگر توان سیاسی و اجتماعی اپوزیسیون در حدی نیست که بتواند جنبش مسلطی را سازمان دهند و ابتکار عمل را در دست گیرند و با یک انقلاب دیگر کار را یک سره کنند، حقیقتاً صدای ما به گوش مردم نمی رسد. و آن هایی هم که «صدای سیمایی مقاومت» به داخل کشور می فرستند و پشتوانه مالی و بین المللی بی نظیری در اختیار دارند، در همه این سال ها از سازمان گری یک حرکت توده ای زیر پرچم خود عاجز مانده اند.

واقعیت این است که تغییر و تحولات سیاسی ایران تابعی از مبارزه درون حکومتی است و با اراده گرای نمی شود این واقعیت را تغییر داد. فعلاً چاره ای جز انتظار نیست، تنها کاری که می شود کرد این است که یک تبادلی فکری مابین روشن فکران و کلاً نخبگان داخل و خارج از کشور را سازمان داد و هم اکنون کارزار بزرگی در سمت تغییر قانون اساسی و راندن گام به گام طرفداران ولایت فقیه در جریان است و سازمان باید به روشن فکران و سیاسیون چپ توصیه کند که در احزاب اصلاح طلب شرکت نکنند و سعی نمایند آن را دموکراتیزه کرده و افکار اصلاح طلبانه را در همه عرصه ها توسعه دهند، در واقع پس از این مرحله است که راه برای فعالیت علنی احزاب سیاسی باز می شود. س) تاگزیریم صحبت تو را قطع کنم و به شما یادآوری کنم که دوسوم جمعیت کشور زیر سال است و می دانیم جمعیت جوان همواره خطرناک است و به روند اصلاح طلبی زیاد خوشبین نباشد. اعتصابات کارگری و دانش جویی رو به گسترش است، انتخابات میان دوره ای در تهران از جانب چپ اسلامی تحریم می شود و به دور دوم می افتد، کاهش درآمد ارزی که در پی کاهش قیمت نفت پدید آمده... و خلاصه این که جامعه آستان حوادث غیر قابل پیش بینی است و بنابراین سرمایه گذاری این چنینی روی خاتمی و دیگر اصلاح طلبان خطاست. اصلاً چه ضرورتی دارد که شکل تحولات آتی را از همین امروز تعیین کرد به عقیده من هر گونه حساب باز کردن و این که تحولات اساسی در جامعه ایران توسط سرنگونی و یا از طریق استحاله صورت پذیرد، نادرست است. به سؤال اصلی برمی گردیم، برایم روشن کن، چرا با طرح (فعالیت آزادانه در کشور) مخالف هستی؟

ج) به هیچ وجه این طور نیست، ببین، سیاست مشخص است، سیاست سازمان دهی امکانات موجود است و با خیال پردازی نمی خواند. باز تاکید می کنم، مردم نه تنها اکنون خواهان آزادی فعالیت سازمان نیستند، بلکه اکثریت جمعیت کشور اصولاً ماها را نمی شناسند. می ماند، راه قانونی که بایستی بروید از وزارت کشور اجازه فعالیت بگیرید، قطعاً به شما خواهند گفت: «مگر ما مغز خر خورده ایم، به سازمانی که رسماً

خواهان سرنگونی ماست، اجازه فعالیت بدهیم، تجربه نهضت آزادی جلوی ماست، حزبی اصلاح طلب و معتقد به مبارزه پارلمانی که یک جریان اسلامی نیز می باشد، تا زمانی که اهرم های قدرت دست طرفداران ولایت فقیه است، به آن ها اجازه فعالیت قانونی داده نخواهد شد، بنابراین اول باید قانون عوض شود از این رو لازم است، اپوزیسیون شعارهایشان را در این جهت تنظیم نمایند. مگر این که اصلاح طلبان شکست بخورند و یا مردم سر به شورش بزنند، آن وقت از دست هیچ کس کاری ساخته نیست. قابل پیش بینی است که در یک کشور جهان سوم، متشکل از اقوام و زبان های مختلف، نبود یک آلترناتیو مورد اعتماد مردم، سرنگونی خلا قدرت ایجاد خواهد کرد، این یعنی جنگ داخلی و تجزیه ایران. این البته تنها یک احتمال است. به عقیده من شرایط داخلی و بین المللی در جهت تثبیت یک دولت میانه رو و اصلاح طلب سیر می کند و احتمال چنین وضعیت دردناکی هر روز ضعیف تر می شود و به نظر من بخش بزرگی از اپوزیسیون از درک این واقعیت لاجرم سرباز می زند. به اعتقاد من اوضاع کنونی ایران ملقمه ای از «انقلاب سفید» و «انقلاب بهمین» است.

س) بالاخره چه رسالتی برای سازمان در اوضاع و احوال کنونی قابل هستی؟ ج) این چیزهایی که در کنگره تصویب کرده اید، دست و بال شروای مرکزی را برای مانور سیاسی و تاثیر گذاری بر روی داده های جاری در کشور بسته اید، به اعتقاد من شرایط کنونی ایران سرنوشت ساز است، از سوی دیگر هنوز فرصت باقی است که سازمان بتواند سیاست هایش را تصحیح نماید. بنابراین لازم است، کنگره فوق العاده و فراتشکیلاتی را در این رابطه سازمان دهد. به اعتقاد من فدائیان خلق ایران (اکثریت) حداقل در خارج از کشور خیلی فراتر از تشکیلات موجود است و این کنگره بایستی به این سؤال پاسخ دهد که آیا هم چنان به سیاق گذشته به جای مردم و برای مردم تصمیم می گیرد و به عبارات دیگر اپوزیسیون باید با قبول مشارکت سیاسی به جای (هدایت سیاسی مردم) اعتماد مردم ایران را به دست آورد. به طور مثال مصوبات کنگره پنجم را می شود این طور فرموله کرد: اول جمهوری دموکراتیک (با مضمون سرمایه داری دموکراتیک) که بایستی به جای جمهوری اسلامی بنشیند و سپس نظام سوسیالیستی برپا گردد. این بدین معناست که بدون حضور مردم و آیندگان، برای صد سال آتی تصمیم گرفته اید. به جای (هدایت سیاسی) می بایستی در مبارزه عملاً موجود شرکت نماید. سرانجام، این مردم ایران هستند که در هر مرحله، شکل و نوع نظام آتی را با رای خود تعیین خواهند کرد.

س) نظرتان راجع به سند آماج ها و دیدگاه ها چیست؟ ج) این سند شامل ۱۹ بند است، که به جز بندهای ۱۵، ۱۶، ۱۷ و ۱۸ که به مسئله هویت سوسیالیستی مربوط می شود و بقیه مقوله هایی نظیر زنان، مسئله ملی، حقوق بشر، دموکراسی و... تکراری هستند و در سایر اسناد گنجانده شده است و در واقع این سند، هویت سازمان را مشخص می کند و مصاحبه های تحت عنوان (سیمای امروزی چپ) تدوین این سند را منظر داشته بود.

س) می خواهم بدانم نظرت درباره سوسیالیسم به عنوان ارزش و یا نظام چیست؟ ج) من خود را سوسیالیست می دانم، حداقل در زندگی شخصی، سعی می کنم، این طور باشم ولی در سیاست، آن را وظیفه امروزی «چپ ایران» نمی بینم. در سند دیدگاه ها، بند ۱۶، نظام سوسیالیستی را این طور تعریف می کند: «نظامی انسانی و دموکراتیک که جامعه ای است، برپایه خودگردانی دموکراسی وسیع سیاسی و اقتصادی... آشتی جو... سوسیالیسم نه یک غایت تاریخی بلکه مبارزه ای هدف مند برای فرارفتن از مناسبات سرمایه داری».

بنابراین سازمان نظام سوسیالیستی را برای امروز تبلیغ می کند. سازمان از یک طرف «سوسیالیسم واقعاً موجود» را از این نظر که در آن دموکراسی نبود، رد می کند و از پیوند سوسیالیسم و دموکراسی وسیع نوید می دهد. ولی کلمه ای درباره چه گونگی ساختمان سوسیالیسم و رابطه اش با قدرت سیاسی نمی گوید. قطعاً وضعیت ناعادلانه ی جهان امروز به این شکل باقی نخواهد ماند. همان طور که وضعیت صد سال پیش با امروز کاملاً فرق داشت. بنابراین ایجاد جامعه سوسیالیستی در ایران، وظیفه نسل های آینده است. سازمان نمی تواند و نباید برای آیندگان تصمیم بگیرد. س) در رابطه با سوسیالیسم به عنوان یک جامعه و یا نظام، از آن جا که مسأله امروز ایران

نیست، انسان حق ندارد راجع به آن از همین امروز فکر کند و یک کار تحقیقی را سازمان دهد.

ج) من با تو موافقم، انسان حق دارد از تخیل خود استفاده کند، اکثر اختراعات و اکتشافات بزرگ از تخیل انسان سرچشمه گرفته و اگر قدرت تخیل نبود، تمدن بشری در موقعیت امروزی قرار نمی گرفت. اما سیاستون حق ندارند، با تخیل شان مردم را رهبری نمایند. انسان، موش آزمایشگاهی نیست. بنابراین این هر اشتباه سیاسی می تواند، موجب مرگ هزاران انسان و سرنوشت ملتی به زور گرفته شود. به جای این سند که به درد جامعه امروز ایران نمی خورد و تنها روشن فکران آرمانگرا را ارضا می کند. می توانید یک مرکز پژوهش و تحقیقاتی مثلاً در اروپا ایجاد نمایید. نتیجه را در اختیار نسل های آتی قرار دهید. برخی از سوالات می تواند این طور طرح شود: چرا سوسیالیسم واقعاً موجود شکست خورد؟ آیا کمونیست ها و سیال دموکرات ها به یک اندازه دچار بحران هستند؟ چرا در جوامع دموکراتیک اختلاف آرا مابین سوسیال دموکرات و کمونیست ها این قدر فاحش است، دست آورد کمونیست ها با این همه فداکاری و میلیون ها کشته در مقیاس ملی و بین المللی و در مقایسه با سوسیال دموکرات های «بقیه سفید» به چه میزانی است؟ آخر در مقایسه است که ارزش ها مشخص می شود و همین طور صدها سؤال دیگر. اراده گرایان را کنار بگذاریم و با یک چرخش قلم دوباره به گذشته برگردیم که «آزموده را آزمون خطاست».

س) در رابطه با وظایف فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور و پیوندشان با مبارزات مردم ایران را چه گونه می دانید؟ ج) صداقت فدائیان در جنبش سیاسی ایران انکارناپذیر است. از این رو از همه فعالین سازمان می خواهم، یک بار هم که شده، جلوی آینه بنشینند و از خودشان سؤال کنند، انگیزه و هدف آنان از فعالیت سیاسی چیست؟ آیا یک نوع سرگرمی و عادت است، و یا برای جاه طلبی و بست و مقام سازمانی تلاش می کنند و یا برای خروج ایران از این کلاف سردرگم و برای آزادی و آبادانی ایران تلاش می کنند.

س) آیا خودتان چنین کاری را کرده اید؟ ج) دقیقاً این کار را بارها کرده ام. البته در انسان، نیروی عادت و انگیزه سرگرمی و حتی جاه طلبی می تواند عمل کند ولی آن چه مرا وادار به ادامه فعالیت سیاسی می کند این است که خودم را در نایبامانی وضعیت کنونی ایران سهمی می دانم، بنابراین، برای سازندگی ایران لازم است، تجارب نسل های ما و قبل از ما از طرق مختلف به جوانان کشور که سازندگان آینده ایران هستند، برسد. تمام تلاش ها باید صورت گیرد که نسل جوان ایران خطاهای دیروزمان را تکرار نکند. اما در رابطه با پیوند با مبارزات مردم ایران اشاره به چند نکته از ضروری می دانم، ما سالهاست در خارج از کشور به سر می بریم، به قول معروف (دست ما کوتاه و خرما بر نخیل) وقتی به تاریخ ۲۷ ساله سازمان مراجعه می کنیم، می بینم، تنها در دو مقطع تاریخی توانستیم، با مردم در اشکال مختلف ارتباط برقرار کنیم. که یکی در مقطع انقلاب بود که شعارهای سازمان به میان مردم رفت. بار دوم در فاصله سال های ۶۰-۶۲ هم راه «حزب توده ایران»، از طریق ایجاد و «نفوذ» در تشکل های توده ای توانستیم سازمان دهی مبارزه روزمره ی مردم را در دست بگیریم. می دانیم در هر دو مرحله خط مشی سیاسی حاکم بر سازمان غلط بود و هم چنین در فاصله سال های ۶۲-۷۰ تشکیلات مخفی ما بارها ضربه خورد و سرانجام منحل شد. این دوره ۸ساله در حقیقت برای ما یک دوره حیثیتی محسوب می شود. در این سالها رفتای بسیاری را از دست داده ایم، دانستیم تشکیلات مخفی عمر درازی ندارد و تجربه کردیم که با تشکیلات مخفی، تنها نمی شود با مبارزه مردم که علنی است، تماس گرفت. به عبارتی تا زمانی که حزب علنی نداشته باشیم، ارتباط با مردم و یا گسترش پیوند با مبارزات آنان، خود فریبی است.

س) آخرین سؤال این است که اگر روندهای درون سازمانی در چپتی که مورد نظر توست، جریان یابد و با استفاده از حق ایجاد فراکسیون نظری که در کنگره پنجم قانونی شد، آیا فعالیت با سازمان را مجدداً از سر خواهی گرفت؟ ج) جبهه، واقعیت وجودی سازمان است و با تاکید بر این موضوع که مناسبات عاطفی قبیله ای به تاریخ پیوسته و لازم است مناسبات نوبنی را برگزید. از سوی دیگر فراکسیون نظری هنوز مادیات نیافتد است. به طور مثال ضروری است که شورای سردبیری فورا جنبش اداری نشریه کار را به دست گیرد. بنابراین پاسخ به سؤال تو را موقوف به برخورد عملی شورای مرکزی با حقوق اقلیت های فکری درون سازمان می کنم.



## اولین شماره بولتن شورای هماهنگی نهادهای سیاسی - فرهنگی منتشر شد

ماه گذشته اولین شماره بولتن شورای هماهنگی نهادهای سیاسی - فرهنگی ایرانیان انتشار یافت. در این بولتن بخشی از فعالیت مشترک کانون‌ها انعکاس یافته و مقالاتی از طرف نمایندگان کانون‌های مختلف در رابطه با این فعالیت‌ها درج گردیده. در مقاله‌ای با عنوان «چشم‌انداز فعالیت مشترک را به بحث درونی کانون‌ها تبدیل کنیم» نماینده تلاشگران جامعه باز می‌نویسد: هماهنگی و ایجاد سازمان سراسری کانون‌ها و نهادهای همسو بایستی در راستای ایجاد یک جنبش گسترده سیاسی دمکرات و آزادخواهانه از کلیه این مجموعه سامان یابد. یک جنبش سیاسی - فرهنگی مدرن و پیشرو دربرگیرنده عمومی‌ترین خواسته‌های مدرن و دمکراتیکی است که برپادارندگان آن جنبش درباره آن توافق و اتفاق نظر دارند.

در این جنبش در حالیکه هر یک از کانون‌ها و نهادها استقلال منثوری و تشکیلاتی خود را حفظ می‌نمایند در عین حال همزیستی دیدگاه‌ها و جهانی‌های سیاسی - فکری گوناگون امکان‌پذیر می‌باشد. آنچه که برای برپایی یک جنبش سیاسی - فرهنگی اهمیت دارد تدوین

اهداف و خواسته‌های مشترک سازندگان این جنبش و عینیت یسختین به ضوابط و روابط تشکیلاتی مدرن و دمکراتیک در درون آن می‌باشد برای تحقق این نکته این موضوع باید به بحث درونی کانون‌ها و نهادهای همسو و هماهنگ تبدیل گردد.

نماینده کانون دفاع از دمکراسی در ایران (مالمو) در مقاله «اوضاع کنونی و برخی از وظایف نهادهای دمکراتیک» می‌نویسد: نکته‌ای که هم‌نقطه قوت و هم‌نقطه ضعف این تشکلهای را تشکیل می‌دهد خلصت جنبشی آن است. نقطه قوت زیرا که هیچ مرز سنتی سیاسی آنها را محدود نمی‌کند، بلکه بر آمال و تجزیه چند دهه اخیر ایران استوار است که گسترده‌گی آن اکثریت بزرگ و متنوعی از روشنفکران و علاقه‌مندان به فعالیت سیاسی را دربرمی‌گیرد. این تشکلهای در اصل و اساس خود جز آن منحرف مشترک پیش‌گفته هیچ مرزی نمی‌شناسد و می‌توانند دربرگیرنده تمامی افرادی باشند که به آن فرهنگ سیاسی رسیده‌اند یا بر آن تعلق دارند. نقطه ضعف زیرا که جنبش سیاسی - روشنفکری ایران تجربه چندانی در این گونه فعالیت ندارد که آثار مخرب ده‌ها و صدها بند عاطفی، سیاسی و

فرهنگی سنتی ناشی از جزم‌گرایی‌ها، سکاریزم ریشه‌دار را با خود حمل می‌کند.

نماینده جامعه ایرانیان آزادخواه برن می‌نویسد: فعالیت این نهادها در تضاد با فعالیت و یا ضرورت وجودی احزاب سیاسی نیست، بلکه به تامین پیش‌شرط‌های فکری و فرهنگی امر حزب یاری می‌رسانند.

نماینده جامعه ایرانیان دمکرات (کلن) در مقاله‌ای تحت عنوان «چند نکته در رابطه با وظایف و چشم‌اندازها» می‌نویسد: ۲ - مشکل کردن وسیع‌ترین نیروهای که اهداف یک تشکل دمکراتیک را می‌پذیرند و حاضرند در ایسین راه فعالیت نمایند از

مرکزی‌ترین وظایف هر یک از این تشکل‌هاست. افزودن موادی به مرامنانه این تشکل‌ها با هدف ممانعت از پیوستن این یا آن گرایش با اهداف این حرکت مغایر است. آنچه محدود نیروهای شرکت‌کننده در این تشکل‌ها را تعیین می‌کند عمل ماست و اگر نیرویی این عمل را تایید کرده و خواهان همکاری در این راه است ما مجاز نیستیم به اتکا تفاوت نظر در دیگر عرصه‌های را دفع کنیم.

گوناگونی نیروهای شکل‌دهنده این تشکل‌ها که نقطه قوت اصلی این تشکل‌هاست، در عین حال مشکلات خاص خود را نیز همراه خواهد داشت. موضعگیری عمومی به محض آنکه از اعتراض صرف و مسکومیت و سرکوب یک قدم فراتر رفته و به ایده‌های ایتانی بیانجامد با سد تفاوت مواضع منجر خواهد گردید. موضعگیری به اتکا اکثریت نیروهای شرکت‌کننده در این تشکل‌ها از درازمدت به کناره‌گیری بخشی از نیروها خواهد انجامید و بتدریج به محدود شدن این تشکل‌ها به یک یا چند گرایش سیاسی اجتماعی منجر خواهد گردید. باید گوشید بر نقاط مشترک تکیه کرده و بر این زمینه اقدامات مشترک را سازماندهی نمود.

## دو امکان پیرامون حمله به سخنرانی عباس معروفی

کلام و فکر و قلم حاجت به قیام ندارد. انسیدیه و سخن «ولایت فقیه» برنی‌تاید. مردم عقل و هوش و گوش دارند. می‌دانند چه می‌خواهند و می‌فهمند چه می‌گویند. حاجتی به فرمانده و رهبر و مسیز و ولی فقیه ندارند، که این همه در ذات خودکامگی ریشه دارد. همین وبس، پس برچیده باد!

ما شیوه و به طور کلی فرهنگ حزب‌الله را در هر شکل و لباسی، در هر کجای جهان محکوم می‌کنیم و قاطعانه در برابر آن ایستاده‌ایم. ما حوادث اخیر را هشداری می‌دانیم جدی و زنگ خطری که میباید ناشنیده بماند و ایستادیم برای آن حزب و یا سازمانی که آشکار و پنهان این گونه کردار و رفتار را تشویق می‌کند همین کافی باشد زیرا در کارنامه هیچ سازمانی مترقی و مردمی میهنان

نیست که در طول مبارزاتش برای احقاق آزادی و دمکراسی برابر هشدارهای روشن‌بینانه کانون نویسندگان ناپیایی و ناپیاسی نشان داده باشد. آنکه امروز دگراندیش را در محیطی آزاد تهدید کند، فردا بر دار آونکش خواهد کرد و این اعلام خطری است جدی به تمامی میهنان آزاده و مترقی و همچنین سازمان‌ها و نیروهای که برای رهایی بشر و دمکراسی و حقوق شهروندی انسان‌ها مبارزه می‌کنند. همه آنهاهی که در مقابل جمهوری اسلامی ایستاده‌اند.

حزب کمونیست کارگری ایران در اطلاعیه‌ای به تاریخ ۲۱ آوریل تهاجم به معروفی را تکذیب کرده و نوشته است: «حضرات در ایسین تازه‌ترین شاهکار جمعی‌شان، ابتدا صحنه‌ای جعلی مبنی بر تهدید به

مرگ عباس معروفی و تهدید به آتش کشاندن «نشر باران» در سوئد خلق می‌کنند... اما این مانع از آن نیست که این «کشند و آتش زدن» را یک سطر بعد به سفیخ‌ترین شیوه به حزب کمونیست کارگری نسبت بدهند. این حضرات اظهار نویسند، ظاهراً درآرند به عنوان نویسنده کلاه می‌رخانند و نان می‌خورند، اما در پاسخ به اطلاعیه‌های نادر بکاش و نویسنده‌های دیگری که به روش سازشکارانه‌شان در قبال حکومت اسلامی اعتراض کرده‌اند، دستشان به قلم و تحلیل نمی‌رود، بلکه یکسر دست به سنت رسوای هیتلر و هور و پستیوشه و نصیری می‌برند و برای حریف سیاسی‌شان پرونده «آتش زدن» و «افسادم علیه امنیت»... می‌تراشند. تنگ!

مثبت دارند هر چند به دو سیاست متضاد منجر می‌گردد، هر دو از یک خطا سرچشمه می‌گیرند.

گفتن اینکه ما از آنچه مثبت است دفاع می‌کنیم و آنچه را مخالفی انتقاد می‌کنیم صحیح ولی ناکافی است. امروز شما نشریاتی را که در کشور منتشر می‌شود مطالعه کنید و ببینید برخی از آنها تا چه حد روشن نظرات خود را که در برخی جنبه‌ها با بانفوذترین افراد و جریان‌ها در میان مردم متفاوت است منعکس می‌کنند و از آنها انتقاد می‌کنند ولی شما از تمامی کلمات این نشریات پیوند آنها را با آنچه در جامعه جاریست مشاهده می‌کنید. من در اینجا از ذکر تیترا و مقالات نشریات مختلف که احساس متفاوتی را منعکس می‌کنند اجتراز کرده و مثال مشخصی می‌زنم. سه ماه پیش سخنرانی عبدالکریم سروش در هامبورگ مورد تهاجم قرار گرفت.

من راجع به کسانی که برهم زدن سخنرانی وی و یا هر مخالف نظری دیگری مثلا سخنرانی داریوش همایون چند ماه قبل‌تر را سازمان می‌دهند و یا رسماً و یا تلویحاً از آن دفاع می‌کنند سخن نمی‌گویم. این نیروها هزار بارهم واژه دمکراسی و آزادی را تکرار کنند، زمانیکه در خارج از کشور نمی‌توانند سخنرانی یک مخالف خود را تحمل کنند، آیا فردا اگر قدرت را در دست داشته باشند از سرکوب دیگران ابا خواهند داشت. ولی بخش بزرگی از نیروهای که این عمل را رد می‌کنند، به یک موضع‌گیری خشک و خالی نیز مبادرت نکردند.

اگر چنین تهاجمی به سخنرانی یک هنگر ما می‌شد، مطمئن باینکه بدستی تیر اول بخشی از نشریات می‌گردید ولی حمله به سخنرانی سروش مساله پراهمیتی جلوه

نی‌کنند. حال آنکه همکوران ما در دانشگاه‌ها برای دفاع از سخنرانی سروش در برابر چماق انصار حزب‌الله مقاومت می‌کنند و بدستی تصور می‌کنند که تدارک حقیر بلکه کار بزرگی انجام می‌دهند. عدم حساسیت در این عرصه نشانه فاصله فاصله ولایت و احساسات بخشی از نیروها از آن جنبش است. این احساس است که می‌بایست دگرگون گردد. مخاطراتی که جنبش را تهدید می‌کند واقعیت. مقابله با این مخاطرات از جانب نیروهایی عملی است که خود را بخشی از نیروی جنبش عملاً موجود با تمامی ویژگی‌ها و گوناگونی‌هایش می‌دانند و نقادی خود را در مقام یک نیروی شرکت‌کننده در این مبارزه و نه یک تماشاگر انجام می‌دهند.

● رفیق قنابور، از اینکه وقتان را در اختیار ما گذاشتید، متشکرم. مسامحه‌توسط داراب‌شکب‌انجام گرفته‌است.

## اتخاذسیاست...

ادامه از صفحه ۸

انتلاف می‌کنند و بدون آنکه با یکدیگر دشمنی کنند تا چه حد مرزهای روشنی با هم ترسیم می‌کنند. اگر نیروهای مختلف با گرایش‌های گوناگون وجود نداشتند و همه چیز سیاه و سفید بود و صف مردم مخالفین مردم با یک فرمول ساده توضیح داده می‌شد، دیگر این همه مباحث ما ضرورت نداشت. تمامی دشواری مساله چگونگی رابطه با نیروهای است که مثل ما نمی‌اندیشند. نئی گوناگونی چند از موضع نئی همه آنهاهی که با ما فاصله دارند و چه بصورت یگانه جلوه دادن ما با همه کسانی که امروز بنظر ما نقش

## زنان، تاریخ...

ادامه از صفحه ۶

ناید دست زده شود، یعنی تحویل در مورد وضعیت زنان خود را نمی‌پذیرند.

زنان اسیر ویژگی فرهنگی هستند و امکانات لازم برای خارج شدن از این وضعیت ناهنجار را ندارند. آنان پسران خود را طوری تربیت می‌کنند که این پسران آنها را تحت کنترل خود بگیرند. از زنجیر اسارتی که از دوران نوجوانی خود برای تربیت پسرانشان برپایشان بسته شده به خوبی آگاهند و با وجود این، تغییرات را می‌خواهند.

ادامه دارد

## مردم پیش می‌روند، روند حرکت...

ادامه از صفحه اول

روندهای سیاسی در کشور چیست؟

جمع‌بست عمومی از آرایش صحنه سیاسی کشور در پی تحول دو خرداد ماه گذشته، چنین است: ۱ - مردم در صحنه سیاسی کشور حضور فعال دارند و به روندها ست و سو می‌دهند، مردم با آنکه از حق داشتن تشکل‌های سیاسی مستقل محرومند اما از طریق انواع نهادهای موجود تساهه پناخته مستقیم و غیرمستقیم منبر خود را بر فعل و انفعالات سیاسی می‌کوبند، مردم، در صنف‌آرایی بین نیروهای درون حکومت، آگاهانه و فعالانه دخالت می‌کنند و بر این مبارزه تاثیر قطعی می‌گذارند و به نتیجه آن شکل می‌دهند. مردم، خود را قانع و صاحب اصلی میدان مبارزه ۲ خرداد می‌شناسند و در یازده ماه گذشته هشیارانه برای تحکیم این دستاورد خود کوشیده‌اند.

نهضت دانشجویی که رفته رفته شکلی مستقل تر از حکومت به خود می‌گیرد، جنبش رو به نضج کارگری، برآمد روزافزون نیروی اعتراض زنسان، تضعیف خودسانسوری در روزنامه و نشریات مجاز و غیره و بازتاب‌های حضور و تاثیر روزافزون مردم در معادلات سیاسی کشور است. درونمایه اصلی جنبش مردمی هم عبارتست از ایستادگی در برابر ترور و تحمیل الیگارش بازار -روحانیت حکومتی؛ و هدف عاجل این جنبش هم، عقب‌نشاندن ایسین گروه قدرت‌مدار از مواضع قدرت است. در یک جمله، مردم پیش آمده‌اند و پیش می‌روند. روند حرکتی آنها بازگشت‌ناپذیر است. اوضاع سیاسی کشور به وضعیت پیش از ۲ خرداد - وضعیتی که قدرت حاکم خود را در آستانه تسخیر و قبضه همه قدرت می‌دید برنخواهد گشت.

۲ - موقعیت جناح شکست‌خورده در انتخابات، طی یکسال گذشته نه تنها در جامعه که در خود حکومت هم مدام تضعیف شده است. سران این جناح و چاقاداران آلت دست آنها در این دوره از هیچ توطئه عیان و نهان برای حفظ سیطره خود بر جامعه و حکومت باز نایستاده‌اند و هر آنچه را که توانستند کرده‌اند. اما در عین حال هر چه کرده‌اند، نف سربالا از آب درآمده و زخم‌خوردتر شده‌اند. کارنامه یکساله آنها، کارنامه سراسر شکست است. البته آنها هنوز ارگان‌ها و نهادهای مقتدر، پول و پلد بسیار و دستجات چماقدار زیادی در اختیار دارند و مهم‌تر از همه دستگاه ولایت فقیه، خود ولی فقیه را، پس باید در انتظار تهاجم‌ها و توطئه‌های دیگر آنها بود. ولی منتظر شکست‌های بزرگتر آنها هم باید شد. زمان کاملاً به زیان آنها عمل می‌کند.

۳ - موقعیت جناح اصلاح طلب حکومت که آقای خاتمی به سبیل آن بدل شده است، قوام بیشتری یافته است. اعمال نیروی جامعه، قاطعیت بخش‌های رادیکال جناح و نیز مقاومت خود آقای خاتمی هر آنچه که ایستاده است، در مقابل یورش‌های جناح حاکم مانع از مغلوب شدن رئیس جمهور دولت وی در برابر

تسوطه‌ها و دسیسه‌های شکست‌خوردگان خرداد شده است. آقای خاتمی امید فعلی مردم برای عقب‌نشاندن هر چه بیشتر جناح ارتجاع و استبداد حکومت می‌باشد و به همین دلیل هنوز حمایت وسیع مردم را با خود دارد. آقای خاتمی و دولت او البته در جهت وعده‌هایی که به مردم داده‌اند، پاره‌ای اقدامات کرده‌اند و برخی زمینه‌سازی‌ها را تدارک دیده‌اند، ولی در همان حال فرصت‌هایی را هم از دست داده‌اند و از دست می‌دهند. فرصت‌هایی که اگر بیشتر از دست برونند، چه بسا جبران‌ناپذیر شوند. این نگرانی جدی صنف‌آرایی بین نیروهای درون خاتمی هنوز هم اصل نه پیشبرد برنامه‌هایی وعده داده است، بلکه اصرار بر پیشبرد این برنامه‌ها در توافق با ولی فقیه و زیر پرچم ولایت فقیه باشد. با توجه به آنچه گفته شد، علیرغم پیشرفت‌های محسوس و امیدبخش در روندهای سیاسی کشور که در سمت تقویت عناصر آرای، جمهوریت و مدیثت صورت گرفته است هنوز هم نبردهای سنگین‌تر در پیش رو است. از همین رو برای ما اتخاذ مواضع درست در روندهای سیاسی ما آن است که با همه قوا باید علیه جناح گردآمده زیر علم و کتل ولی فقیه مبارزه شود و هر شکست تاکتیکی، مقطعی و معین آنها را در خدمت تضعیف موقعیت خاسنه‌ای ولی فقیه و ولایت فقیه کاتالیزه کرد. ما مسلماً از هر برنامه مثبت آقای خاتمی استقبال کرده و از اقدام برای تحقق آن حمایت خواهیم کرد. اما هر آنجا که برنامه اصلاح‌طلبانه ایشان با برنامه‌های جناح حاکم در آمیزد و با ولی فقیه گره بخورد، با آن مخالفت خواهیم کرد. معیار ما در برخورد با هر جریان و نیروی، برنامه سیاسی ماست و در برنامه سیاسی ما، جمهوریت بدون ولایت یک رکن اساسی است. هر زمان جناح اصلاح طلب حکومت و مشخصاً آقای خاتمی از جمله در آنجا و بویژه در آنجا ترسیم می‌شود که ما با ولایت فقیه و ولی فقیه سرزبندی کرده‌ایم بازهم می‌گویم که ما از همسویی آقای خاتمی و جناح اصلاح طلب حکومت با جنبش دمکراتیک مردم خرسندیم و از این همسویی که یک شانس تاریخی برای جنبش دمکراتیک کشور است، قاطعانه پشتیبانی می‌کنیم. ولی برنامه همسویی‌های وی با برنامه فوری جنبش دمکراسی در کشور که مخالف ولایت فقیه است، چشم برنی‌بندیم. و نه فقط چشم نمی‌بندیم که بر فشار خیرخواهانه مردم به رئیس جمهور و مدافعان وی در حکومت برای اینکه آن همسویی بر این ناهمسویی‌ها غلبه قطعی یابد، تاکید داریم. ما پشتیبان خواسته‌ها و شعارهای اصلاح‌طلبان حکومت که در خدمت آزادی‌خواهسی، مدنیثت‌گرایسی، جمهوریت و مردم‌سالاری، ترقی و عدالت اجتماعی قرار دارد، هستیم و این خواسته‌ها را خواسته‌های خود می‌دانیم. ما در همان حال مردم را به طرح مطالباتی فرامی‌خواهیم که هنوز از سوی این اصلاح‌طلبان مطرح نمی‌شود یا دستکم بسیار کم‌رنگ

فرم درخواست اشتراک

اشتراک جدید □ تمدید اشتراک □ شماره اشتراک: □

مدت اشتراک: شش ماهه □ یک ساله □ تاریخ: □

نام: Name:.....

نشانی: Address:.....

فرم را همراه با بهای اشتراک (حواله بانکی یا تمبر) به آدرس □ پست‌کنید!

## بازار مشترک

### قاره آمریکا

هفته گذشته سران ۳۴ کشور قاره آمریکا در سانتیاگو پایتخت شیلی گرد آمدند تا در باره تأسیس یک بازار مشترک تبادل نظر نمایند. مذاکرات در باره چگونگی تشکیل این بازار از روز ۱۶ ژوئن امسال در بوئنوس آیرس آغاز و تا پایان سال ۲۰۰۵ قرار است ادامه یابد. بانک جهانی و بانک توسعه قاره آمریکا ۱۹ میلیارد دلار برای راه اندازی این بازار تخصصی داده‌اند.

در بازار مشترک قاره آمریکا «ALCA» ۷۵۰ میلیون نفر زندگی می‌کنند و تقریباً یک سوم درآمد سرانه کل جهان در این منطقه تولید می‌شود. بنا بر تخمین صندوق بین‌المللی پول ۲۲ درصد از تجارت جهانی در این قاره صورت می‌گیرد. در این منطقه تجاری ایالات متحده آمریکا به تنهایی ۶/۶ درصد کل تولید ناخالص ملی را به خود اختصاص می‌دهد در حالی که بازار مشترک «Mercosur» شامل آرژانتین، برزیل، پاراگوئه و اوروگوئه تنها ۷/۱۰ درصد از درآمد ناخالص ملی این بازار را در اختیار دارند.

کارلوس منم رئیس جمهور آرژانتین در رابطه با تشکیل این بازار گفت: نباید فراموش کرد که کشورهای عضو این بازار به لحاظ شرایط و وضعیت توسعه اقتصادی در مراحل نامتجانسی بسر می‌برند. فرماندو هنریکه رئیس جمهور برزیل نیز توانست ترس خود را از قدرت اقتصادی آمریکا در قبال باز نمودن بازار داخلی برزیل پنهان دارد.

آگاهان اقتصادی تشکیل بازار مشترک در قاره آمریکا را به عنوان جوابی بر بازار مشترک اروپا ارزیابی می‌کنند و حتی بعید نمی‌دانند در شرق آسیا نیز حول محورهای ژاپن، چین و کره جنوبی بازار مشترک جدیدی در آینده نه چندان دور به وجود آید.

## روسیه: چهره جدید برای بحرانی کهنه

دموکراتیک قدرت را به همراه داشته باشد.

پلستین سرمایه سیاسی گزافی را خرج کرینکو نمود، تا سرحد انحلال دوما پیش رفت و سرنوشته سیاسی خود را به موفقیت کرینکو گره زد. اگر کرینکو از پس حل بحران عظیم اقتصادی، ارتش و فساد در دستگاه اداری و ناپسامانی‌های اجتماعی برنیايد، آنگاه به نظر می‌رسد پلستین با دشواری‌های بزرگتری روبرو شود.

مجلس را به توپ پست به تصویب رسید و در آن رئیس جمهور دارای اختیارات بی حد و حصر شد. همین اختیارات نامحدود است که رئیس جمهور را از تفاهم و همکاری با مجلس نمایندگان منتخب مردم بی‌نیاز می‌کند. همین اختیارات بود که به وی اجازه اعزام ارتش به چین را داد. و امروز هم پلستین مجلس را در مقابل انحلال یا انتخاب کرینکو قرار داد. قانون اساسی که فقط به یک نفر اجازه می‌دهد کنترل مطلق بر امورات کشور داشته باشد نمی‌تواند تفکیک

جدا از خط فراقسویونی خود به کرینکو رای دهند. این نمایندگان اعلام کردند: رای ما نه به کرینکو بلکه رای مخالفت با انحلال دوما بوده است.

سخنگوی کاخ سفید «میشائیل مک کوری» انتخاب کرینکو را به فال نیک گرفت و ابراز امیدواری کرد راه برای امضای قرارداد خلع سلاح «استارت ۲» هموار شده باشد.

ریشه بحران سیاسی روسیه را اما در قانون اساسی آن باید جستجو کرد. این قانون بعد از سال ۱۹۹۳، زمانی که پلستین

روز جمعه گذشته دوما روسیه بعد از دو بار رد کردن کاندیدای پلستین، به سرگئی کرینکو رای اعتماد داد. وی برای احراز پست نخست وزیر احتیاج به ۲۲۶ رای مثبت داشت.

در دو رای‌گیری گذشته فراقسویونی‌های اپوزیسیون شامل کمونیست‌ها و بلوک «پابلوکو» از دادن رای به کرینکو خودداری کردند. در دور آخر، رای‌گیری مخفی انجام شد و بدین ترتیب بسیاری از نمایندگان فراقسویونی‌های مختلف توانستند

## زمین سوخته



هزاران هکتار جنگل در مالزی و اندونزی بر اثر آتش‌سوزی از بین رفته است. عوامل بزرگ مالکان جنگل‌ها را آتش می‌زنند تا از زمین آن برای کشاورزی استفاده نمایند. تاکنون بر اثر این آتش‌سوزی‌ها نسل صدها نوع از حیوانات ساکن این جنگل‌ها از بین رفته است. علاوه بر آن هنوز از بارش باران‌های موسمی خبری نیست و این مسئله باعث چیره‌بندی آب گردیده است. تاکنون ۴۲۹ نفر بر اثر ابتلاء به طب «Dengue» که ناقل آن پشه‌های مناطق جنگلی هستند، کشته شده‌اند.

به مناسبت ۸ مه سالروز پیروزی بر فاشیسم

### ۹ بار

## خواهرانم را از گور بیرون کشیدم

فکر می‌کردند خون بچه گرسنه برای سرباز زخمی مفیدتر است. پسر بچه‌ها عادت به دزدی کرده بودند و هرچه به دستشان می‌رسید می‌دزدیدند. مجازات این عمل در صورت گیر افتادن تیرباران بود. هنگامی که برای نخستین بار ۳ پسر بچه را در مقابل چشمان ما تیرباران کردند، از وحشت چشمپایمان را بستیم و در زیر تخت‌هایمان پناه گرفتیم. ما بچه‌ها که همیشه گرسنه بودیم، اغلب در آشپزخانه جمع می‌شدیم. آشپز چند تا از بچه‌ها را داخل دیگ‌های خیلی بزرگی که در آن‌ها غذا می‌پختند می‌گذاشت تا سوخته‌های ته دیگ را تمیز کنند و همین سوخته‌ها را جلوی ما می‌ریخت تا بخوریم.

بالاخره ۳ آگوست سال ۱۹۴۳ فرا رسید و سربازان ما «پلیس‌های» روسی را از مخفیگاه‌هایشان بیرون کشیدند، آنها ضجه‌کنان طلب بخشش می‌کردند. ما بچه‌ها برای سربازان مان تعریف می‌کردیم که آنها چه رفتاری با ما داشتند و چگونه با شلاق‌هایی که معمولاً ترکش توپ یا پوکه فشنگ بر سر آن می‌بستند که بیشتر دردمان را اعدام کردند. ما فقط عمو واسیلی را نجات دادیم و نگذاشتیم او را اعدام کنند. چون واسیلی همیشه مراقب ما بود و برای ما بچه‌ها غذا می‌آورد. عمو واسیلی از آنجا راهی جبهه شد. در سال ۱۹۹۱ من به منطقه‌ای که اردوگاه سربازان آلمانی قرار داشت سر زدم. بچه مدرسه‌ای‌ها در آنجا هنوز هم هنگام بازی بقایای اسکلت کودکان را پیدا می‌کنند.

نویسنده: خانم آ.گ. شمیاکینا مترجم: سیامک، م از هفته نامه «فاکتها» و شواهد چاپ مسکو

در سپتامبر سال ۱۹۴۱ نازی‌ها ما را «بی‌ای» استارتسوا» را به آلمان فرستادند و مرا به همراه خواهرانم والیا (۵ ساله)، تامارا (۲ ساله) و برادرم گنادی (۱ ساله) راهی بیمارستان سربازان آلمانی نمودند. من در آن زمان ۶ ساله بودم و خیلی زود متوجه شدم که چون بزرگتر هستم حفظ و نگهداری خواهرانم و برادرم بر عهده من است.

از ما بچه‌ها خون می‌گرفتند و به سربازان زخمی آلمانی می‌دادند. بیشتر مواقع انتقال خون به صورت مستقیم انجام می‌گرفت. اگر بچه‌ها بعد از انتقال خون و به علت ضعف قادر به حرکت نبودند، «پلیس‌های روسی» (روس‌هایی که به خدمت فاشیست‌ها درآمده بودند) آنان را کشتن‌کشان می‌بردند و در جلوی درب خروچی، روی تلباری از بچه‌های نیمه‌جان پرت می‌کردند. وقتی که تعداد بچه‌ها زیاد می‌شد، آنها را بار ماشین می‌کردند و در گور دسته جمعی که در ۳ کیلومتری شیر برای همین منظور کنده شده بود، می‌ریختند. من از این گودال ۲ بار والیا و ۷ بار تامارا را بیرون کشیدم. بعد از این که از عدم حضور پلیس و سگ‌ها اطمینان می‌یافتیم، از اردوگاه خارج شده و برای نجات خواهرکام به طرف این گودال می‌رفتم. با استفاده از فورفتگی زمین که زیر حصار سیم خاردار ایجاد شده بود به درون گودال می‌رفتم. در این بیمارستان گنادی مُرد. از شاهرگ او مستقیماً خون گرفتند و او در خون خود خفه شد.

پزشکان آلمانی به زخمی‌های خود توجه فراوان داشتند و هرگاه از آنان فارغ می‌شدند خود را با بچه‌ها مشغول می‌کردند: آنان انواع بیماری‌های سخت و دردناک را بر روی ما آزمایش می‌کردند. عمداً به ما غذا نمی‌دادند، زیرا

آفریقا و اسیوی، خاور میانه، اروپا، آمریکا، اروپای شرقی و روسیه، این کشور به جزایر فرهنگ‌ها مبدل شده است و شاهد نوعی جنگ فرهنگ‌هاست. اینک روس‌های مهاجر یک پنجم جمعیت اسرائیل را تشکیل می‌دهند.

با انتخاب راه صلح از سوی دولت رابین تعادل قومیت و مذهب در اسرائیل که همیشه به نفع گرایش غیر سکولار عمل می‌کرد، عملاً به هم ریخت. جامعه اسرائیل اینک بر سر دو راهی انتخاب قومیت و مذهب از یک سو و سکولاریزم از سوی دیگر قرار دارد. ارتدکس‌های یهودی با شعار بازگشت به مذهب، تا به دندان مسلح هستند. به علت تلمیذ تورات از پرداخت مالیات خودداری می‌کنند، در عوض کمک دولتی دریافت می‌دارند. دولت اسرائیل و مقررات دولتی آن را قبول ندارند و راسیسم یهودیشان امر به «دریا ریختن» همه اعراب می‌کند. زمانی فیلسوف مشهور اسرائیلی «یشاهو لای-بویوتز»

## בה זרה שש 777

### «بازگشت به مذهب»؟

به مناسبت پنجاهمین سالگرد تأسیس دولت اسرائیل

محمود صالحی

یهودیان خاورمیانه‌ای ۱۳/۲ ملل در مورد بحران خاورمیانه را نادیده می‌گیرد. روند صلح دچار سکنه شده است و توافق‌های انجام شده در اسلو نادیده گرفته می‌شود. رابطه اسرائیل با همسایگانش دیگر خصمانه نیست اما دوستانه هم نیست.

۲ - جامعه اسرائیل: رهبر حزب کارگر «اهود» باراک» چندی پیش از یهودیان خاورمیانه‌ای رسماً عذرخواهی نمود. یهودیانی که از اروپا و آمریکا به اسرائیل آمدند با قدرت اقتصادی خود سالها تعیین کننده همه سیاست‌های این کشور بودند. درصد بیکاری در میان

فلسطینی‌ها پس دادند. قربانیان دیروز، ظالمان امروز شدند. بی دلیل نیست که فلسطینیان از این روز به عنوان فاجعه «الکبه» یاد می‌کنند.

اسرائیل بعد از ۵ جنگ با همسایگان خود، اشغال سرزمینهای آنان، محروم نمودن فلسطینیان از حقوق خود، دارای ثبات اقتصادی، حکومت جمهوری، پارلماناریسم، دموکراسی و عضو جامعه ملل است. اسرائیل در چه شرایطی پنجاهمین سال تأسیس خود را جشن می‌گیرد؟

۱ - در عرصه بین‌المللی: اسرائیل هنوز هم با قلدری،

هفته آینده پنجاه سال از تأسیس دولت اسرائیل می‌گذرد. تأسیس این دولت نتیجه هزاران سال فقر فرهنگی بشریت و آنتی زمیتیم است. تا زمان تأسیس دولت اسرائیل، قوم یهود یکی از مظلوم‌ترین و محروم‌ترین اقوام تاریخ بشر بود. به لحاظ تاریخی آغاز رنج قوم یهود به دوران به رسمیت نشناختن حضرت عیسی به عنوان «مسیح» و تحویل او به سربازان روم باز می‌گردد. یهودیان قرن‌ها در اروپا مورد اذیت و آزار قرار گرفتند. آنان را از ازدواج با مسیحیان منع نمودند، اجازه نداشتند بسیاری از مشاغل را انجام دهند، فروش زمین به یهودیان ممنوع بود و مسیحیان حتی از سر یک سفره نشستن با آنان نیز خودداری می‌کردند. در سال ۱۲۶۷ میلادی کلیسای «برزلا» فرمان جداسازی کامل یهودیان را صادر نمود و آنان از آن پس مجبور به زندگی در محلات یهودی‌نشین شدند. هر چند با انقلاب کبیر فرانسه حقوق شهروندی اعضای جامعه سواي تعلقات سیاسی، مذهبی

رابطه دولت - سکولارها و ارتدکس‌های مذهبی را اینگونه تشبیه می‌کرد: «رابی‌ها» میر حلال «کوشر» بودن را بر آنان می‌زندان. «جشن» ترور اسحاق رابین معمار قرارداد صلح با فلسطینیان توسط ارتدکس‌ها عملاً پایان این رابطه بود.

شهرک بیست هزار نفری «مرداین» این روزها مبدل به پناهگاه سکولارهای فراری از اورشلیم شده است. ارتدکس‌های یهودی، اورشلیم را مبدل به جهنمی برای شهروندان اسرائیل نموده‌اند. این جهنم برای فلسطینیان صد البته داغ‌تر است. در آغاز تشکیل دولت اسرائیل، ارتدکس‌ها از سیاست دوری می‌جستند. امروز این امر بکلی تغییر یافته است. رابی اورشلیم «داوید هارتمن» می‌گوید: امروز ما قدرت سیاسی داریم و جامعه ما به یهودی‌تر شدن و بازگشت به مذهب تمایل بیشتری نشان می‌دهد.

بعد از مرگ رابین سکولاریست‌های اسرائیل خاموش شده‌اند!

## برقراری و استمرار آزادی‌های سیاسی در جامعه نیاز حیاتی طبقه کارگر است

طبقه کارگر و زحمتکشان مزد بگیر در حال حاضر از داشتن شکل‌های اتحادیه‌های مستقل و آزاد محرومند. در این که چرا چنین است، چرا با حدود ۸۰ سال سابقه جنبش کارگری هنوز زحمتکشان کشور ما از داشتن اتحادیه‌های مستقل و دموکراتیک محرومند، اظهار نظرهای گوناگونی به وسیله افراد صالح و علاقمند به این موضوع صورت گرفته است. ما همواره معتقد بوده و هستیم که علت اصلی محروم بودن زحمتکشان ایران از اتحادیه‌های مستقل و دموکراتیک، وجود دیکتاتوری‌های خشن حاکم بر ایران بوده است. مطالعه تاریخ مبارزات جنبش کارگری و همچنین تجربیات فراوان ما را به این برداشت می‌رساند و از این روی بر این باوریم که وجود آزادی‌های سیاسی پایدار در کشور، برای تشکیل و ادامه حیات شکل‌های اتحادیه‌ای از اهمیت اساسی برخوردار است.

### مروری بر شواهد و فاکت‌های تاریخی

زمانی که تاریخ مبارزات گذشته جنبش کارگری را از ابتدا تا کنون مرور می‌کنیم، متوجه این مطلب جالب نیز می‌شویم که هر زمان و بنا به هر عللی که در جامعه ما اندکی آزادی به وجود آمده است، طبقه کارگر و سایر زحمتکشان توانسته‌اند با استفاده از آزادی‌های موجود، سازمان‌های سیاسی و حرفه‌ای خود را تشکیل داده و گام‌های موثری را در رابطه با تحقق خواست‌های حق طلبانه خود به جلو بردارند. از مطالعه دوران نخست تاریخ جنبش کارگری که شرح چگونگی تکوین و سازمان‌یابی اولیه طبقه کارگر می‌باشد و همزمان با انقلاب مشروطیت است، درمی‌یابیم که در اثر حوادث مربوط به انقلاب مشروطه، فضای سیاسی باز و نسبتاً آزادی در کشور ایجاد می‌شود و در پرتو فضای ناشی از تحولات دوران انقلاب مشروطیت، نخستین شکل‌های سیاسی و اتحادیه‌ای طبقه کارگر و همچنین مطبوعات و ادبیات کارگری شکل گرفته و آغاز به رشد می‌کند. همین طور که حوادث را رو به جلو مرور می‌کنیم، به دوره‌ای می‌رسیم که انقلاب مشروطه سرکوب می‌شود و تدریجاً پس از کشاکش‌ها و تنش‌های سیاسی در جامعه، رضا خان قلدر روی کار می‌آید. او پس از تثبیت قدرت خود، نگران از رشد دم افزون جنبش کارگری، با تصویب قوانین ضد کارگری و استقرار دیکتاتوری خشن سلطنتی که با قتل و شکنجه و زندانی کردن رهبران جنبش کارگری توأم است، جنبش کارگری دچار رکود می‌شود. مجدداً از این مقطع به بعد با تاریخ به جلو می‌آییم تا سقوط رضا شاه و برقراری آزادی‌های نیم بند سال‌های دهه ۲۰. مشاهده می‌کنیم که جنبش کارگری سرکوب شده، با استفاده از آزادی‌های سیاسی موجود، مجدداً خود را سازمان داده و در همان دوران کوتاه در پرتو همان آزادی‌های نیم‌بندی که به وجود آمده، به چنان رشد عظیمی نایل می‌شود که طبقه کارگر یکی از نقش آفرینان حوادث سیاسی آن دوران می‌گردد و تا این‌که کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد پیش می‌آید و در نتیجه آن مسجدها دیکتاتوری رژیم سلطنتی شاه برقرار گردیده و سازمان‌های سیاسی و اتحادیه‌ای و همچنین مطبوعات کارگری به شکل بیرحمانه‌ای قلع و قمع و نابود می‌گردند. به آستانه انقلاب بهمن می‌رسیم و مشاهده می‌کنیم که در اثر پیدایش مجدد آزادی‌های سیاسی در جامعه، سازمان‌های سیاسی و شورایی و سندیکایی طبقه کارگر با شتابی باور نکردنی تشکیل گردیده و رشد می‌کنند و به نیروی عظیم و موثری در جامعه تبدیل می‌گردند. این روند پس از انقلاب همچنان تا برقراری سیطره و تسلط دیکتاتوری مذهبی ادامه پیدا می‌کند. به دنبال استقرار و تسلط دیکتاتوری مذهبی در جامعه، طبقه کارگر بار دیگر و با شدتی که در جنبش کارگری بی‌سابقه است مورد یورش‌های وحشیانه قرار می‌گیرد. در این دوره کلیه سازمان‌های سیاسی و صنفی قلع و قمع می‌شوند و ده‌ها هزار نفر از مبارزین طبقه کارگر زندانی، شکنجه، اعدام و تبعید می‌شوند.

یکی از درس‌هایی که ما از مرور این تاریخ می‌گیریم این است که برقراری و استمرار آزادی‌های سیاسی در جامعه، نیاز حیاتی طبقه کارگر برای سازمان‌یابی و مبارزه سازمان یافته است. به همین دلیل به عقیده ما باید تمام مبارزان اصیل جنبش کارگری همدوش با سایر نیروهای آزادی‌خواه، همت خود را در این مرحله معطوف به آن کنند تا در جامعه شرایط استقرار آزادی‌های سیاسی فراهم گردد.

### فعالین کارگری

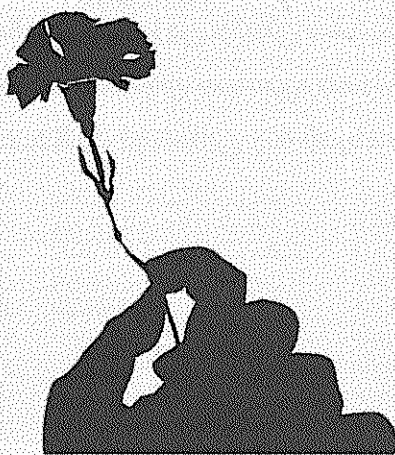
#### همچنان شکنجه می‌شوند و به قتل می‌رسند

بر اساس گزارشاتی که کنفرانس «وضعیت حقوق اتحادیه‌ای» منتشر کرده است، در یک ساله گذشته ۲۴۶ نفر از فعالین اتحادیه‌های کارگری جهان به خاطر فعالیت‌های خود در راه طبقه کارگر، به قتل رسیده‌اند. این کنفرانس به تازگی در ناپروبی پایتخت کنیا برگزار شد. بر اساس این گزارشات، ۲۴۶۴ فعال اتحادیه‌ای تحت پیگرد و بازجویی قرار گرفته و شکنجه شده‌اند. بر اساس گزارشاتی که به این کنفرانس ارائه گردید، گفته شده که در سال گذشته ۷۶۰ نفر از فعالین جنبش

بر اساس گزارشاتی که کنفرانس «وضعیت حقوق اتحادیه‌ای» منتشر کرده است، در یک ساله گذشته ۲۴۶ نفر از فعالین اتحادیه‌های کارگری جهان به خاطر فعالیت‌های خود در راه طبقه کارگر، به قتل رسیده‌اند. این کنفرانس به تازگی در ناپروبی پایتخت کنیا برگزار شد. بر اساس این گزارشات، ۲۴۶۴ فعال اتحادیه‌ای تحت پیگرد و بازجویی قرار گرفته و شکنجه شده‌اند. بر اساس گزارشاتی که به این کنفرانس ارائه گردید، گفته شده که در سال گذشته ۷۶۰ نفر از فعالین جنبش

بسیل یوردان، دبیر کل اتحادیه‌های کارگری آزاد گفت: چین و کشورهای آسیایی دارای مناطق آزاد تجاری، به هیچ وجه حاضر به شناسایی حقوق اتحادیه‌های کارگران نیستند.

# اول ماه مه روز جهانی کارگر خجسته باد!



## پیام شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) به مناسبت اول ماه مه اول ماه مه روز جهانی کارگر، گرامی باد!

در سال گذشته کارگران گام در مبارزه‌ای پیگیر برای کسب مطالبات خود گذاشتند. اعتصابات کارگران نورد اهواز برای افزایش دست‌مزدها و برخورداری از بیمه حوادث، اعتصاب چهار هزار کارگر ماشین سازی اراک برای افزایش دست‌مزد، اعتصاب هفت هزار کارگر گروه صنعتی ملی برای افزایش دست‌مزد به مدت ۵ هفته و اعتصاب ۱۴۰۰ کارگر کارخانه ریسندگی بافتان اصفهان در اعتراض به تصمیم مدیریت مبنی بر اخراج تعدادی از کارگران، از نمونه‌های مبارزات کارگران در سال ۷۶ است. در همین روزهای اخیر شاهد حرکت اعتراضی کارگران کارخانه پارسان در رشت و تجمع اعتراضی مجدد کارگران چیت سازی بهشهر بودیم.

دامنه اعتصابات کارگری در سال گذشته آن چنان وسیع بود که اخبار آن به مطبوعات راه یافت و در سطح جامعه پخش شد. اعتصابات کارگری سال گذشته، حاکی از تحرک جدید کارگری در جنبش کارگری است. در راس خواسته‌های کارگران، افزایش دست‌مزد و مبارزه علیه اخراج‌های کارگری قرار دارد. در عین حال کارگران برای اجرای طبقه بندی مشاغل، قرار دادهای جمعی و بهبود شرایط محیط کار، مبارزه می‌کنند.

ضعف بزرگ جنبش کارگری، هم چنان سازمان نیافتگی آن و نبود شکل‌های مستقل کارگری است. به همین خاطر حرکات کارگری هم چون جزایر تک افتاده می‌ماند تا زنجیر به هم پیوسته. اکنون تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌ها کارگری در راس وظایف جنبش صنفی کارگری قرار دارد. این امر می‌تواند با تشکیل سندیکاها و یا از طریق تبدیل شکل‌های موجود در کارخانه‌ها به سندیکاها، مستقل، تحقق پذیرد.

### کارگران و زحمتکشان!

در شرایط کنونی، میهن ما درگیر مبارزه‌ای گسترده برای استقرار جامعه مدنی و تامین آزادی‌های سیاسی و مبارزه علیه رژیم ولایت فقیه است. شما کارگران در این مبارزه و استقرار آزادی‌های سیاسی در کشور بیش از هر قشر و طبقه دیگری نفع دارید. بدون آزادی‌های سیاسی، آزادی تشکلی‌های کارگری و دفاع مشکل و قدرت‌مندانه از خواسته‌های صنفی نیز ناممکن خواهد بود. برای استقرار آزادی، برای آزادی تشکلی‌های کارگری خود، متحد شوید و مبارزه کنید!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
اردیبهشت ماه سال ۱۳۷۷

### کارگران و زحمتکشان ایران!

شورای مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، روز جهانی کارگر را به شما شادباش می‌گوید و یاد همه مبارزانی را که طی یک قرن اخیر به خاطر آماج‌های انسانی اول ماه مه رزمیده‌اند، پاس می‌دارد.

اول ماه مه، سمبل همبستگی و پیکار کارگران و زحمتکشان علیه ستم سرمایه و بی‌عدالتی اجتماعی و برای دستیابی به جامعه‌ای عادلانه و انسانی است. اردوی کار در این پیکار تاریخی در دو قرن اخیر به موفقیت‌های شایانی دست یافته و سرمایه‌داری را گام به گام در این یا آن عرصه عقب نشانده است. آن چه کارگران و زحمتکشان به دست آورده‌اند نه حاصل عقلایی شدن سرمایه‌داری، بلکه نتیجه مبارزه سنگین و بی‌وقفه آن‌هاست. در دو دهه اخیر، بار دیگر سرمایه‌داری برای پس گرفتن آن چه در دهه‌های بعد از جنگ جهانی دوم از دست داده بود، پا به میدان گذاشت و به تهاجم سنگینی دست یازید و بخشی از آن‌ها را باز ستاند. اما سرانجام جریان محافظه کاری نو در مراکز اصلی آن شکست خورد و جای خود را به احزاب میانه و چپ داد. اکنون جنبش کارگری موضع تدافعی خود را پشت سر گذاشته است و مبارزه همه جانبه‌ای برای بازگرداندن حقوق پای‌مال شده زحمتکشان و حل معضل بیکاری توده‌ای، کشورهای سرمایه‌داری را فرا گرفته است.

در شرایط کنونی، پیکار علیه ستم سرمایه با مبارزات دموکراتیک، از جمله مبارزه برای حفظ محیط زیست و شکاف میان شمال و جنوب گره خورده است و زمینه گشایش جبهه وسیعی برای مبارزه با اردوی سرمایه و شکل‌گیری همبستگی جهانی برای راه‌یابی جهت حل معضلات جامعه انسانی فراهم ساخته است.

### کارگران و زحمتکشان ایران!

در کشور ما در سال گذشته بر اثر رکود اقتصادی، کمبود ارز و کاهش ظرفیت تولیدی کارخانه‌ها، موج اخراج‌ها تداوم یافت، تورم لجام گسیخته دست‌رنج ناچیز کارگران را ربود و بر فقر و فلاکت آن‌ها افزود و سطح زندگی و قدرت خرید کارگران باز هم کاهش یافت و در مقابل، لایه نازکی از جامعه بر ثروت‌های افسانه‌ای خود افزودند و دست‌رنج زحمتکشان و ثروت ملی را غارت کردند. بنا بر آمار بانک مرکزی، بیش از نیمی از خانواده‌های شهری در زیر خط فقر به سر می‌برند، فاصله عمیقی بین لایه نازکی از جامعه با اکثریت عظیم آن به وجود آمده است.

## چاره رنجبران وحدت و تشکیلات است

اوج‌گیری و گسترش اعتصابات و اعتراضات کارگری در ماه‌های پایانی سال گذشته حکایت از آن دارد که طبقه کارگر بردباری و تحمل عذاب در سایه دیکتاتوری و استبداد حاکم را از خواسته‌ها و مبارزات خود پیش از پیش به مبارزه روی می‌آورد. تا زمانی که وضعیت چنین است و تحوّل اساسی در اوضاع اقتصادی کشور صورت نگرفته است، نه تنها نمی‌توان به بهبود اوضاع اقتصادی کشور امیدوار بود، بلکه باید منتظر وخیم‌تر شدن وضع ماند. گسترش باز هم بیشتر مبارزات، اعتصابات و اعتراضات کارگران در این شرایط اجتناب‌ناپذیر خواهد بود.

در جریان این مبارزات است که کارگران به نقش و اهمیت تشکلی‌های مستقل کارگری و قدرت اعتصاب پی می‌برند. رژیم تا به امروز با توسل به انواع شگردهای مختلف، از جمله توسل به روش‌های سرکوب‌گرانه کوشیده است مانع ایجاد تشکلی‌های مستقل کارگری شود و کارگران را از مهمترین سلاح ادامه در صفحه ۴ و ویژه‌نامه

گرفته‌اند تا همین کرده و پرداخت کنند. اخذ وام از این موسسات نه بر پایه نیازهای واقعی کشور، بلکه در جهت سیاست‌های مصرفی و بی‌فایده و بحران‌زا صورت گرفته و بخش عمده‌ای از این وام‌ها به دلیل ندامت‌کاری‌ها و سوءاستفاده‌های کلان وابستگان درجه اول حکومت حیف و میل شده و از میان رفته است. رژیم در طول نوزده سال گذشته، علیرغم فرصت‌ها و امکاناتی که در اختیار داشته است، برنامهریزی و سیاست‌گذاری مناسبی برای تحول در اقتصاد تک محصولی نفت صورت نداده است. دولت به جای صرف درآمدهای نفتی در امور تولید و توسعه و خدمات اجتماعی، مقادیر هنگفتی از این درآمدها را صرف ارتش و نیروهای مسلح و مقاصد امنیتی و سرکوب‌گرانه کرده است. مجموعه این سیاست‌های ضد مردمی، دست به دست هم داده و وضعیتی را به وجود آورده که جان توده زحمتکش را به لب رسانده است. از این روست که ما شاهد گسترش مبارزات مردمی به خصوص مبارزات کارگری هستیم.

ورشکستگی و فلاکت قرار گرفته است. میهن ما طی این سال‌ها جولان‌گاه سرمایه‌داران بازار و دلالتان و عوامل بالای رژیم بوده است. سران رژیم در سال‌های گذشته با گرفتن وام‌های کلان از موسسات بین‌المللی به منظور تامین هزینه‌های مالی خود و پذیرش شرایط ظالمانه و اسارت‌بار این موسسات، ایران را در زمره کشورهای بدهکار جهان قرار داده‌اند. در قبال گرفتن وام از صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، رژیم تعهداتی سپرده است که اجرای آن‌ها حتی در کشورهایی که شرایط بهتری از ایران دارند، باعث فلاکت و بدبختی مردم شده است. در جهت اجرای همین تعهدات، سران رژیم به تدریج سوسپید مایحتاج عمومی و سودجه خدمات عمومی، بهداشتی، آموزشی و عمرانی را کاهش داده‌اند و برای صرفه جویی در هزینه‌های دولتی، سیاست واگذاری موسسات مهم و کلیدی را به بخش خصوصی و کاهش کارکنان موسسات دولتی را اتخاذ کرده‌اند. آن‌ها امیدوارند از این طریق بهره‌ام‌های کلانی را که از موسسات بین‌المللی

مناسبت‌های مختلف به آن اعتراف می‌کنند و می‌کوشند با وعده و وعیدهای توخالی از قلیان خشم کارگران و کارمندان جلوگیری کنند. سرفه‌های زحمتکشان چنان خسالی است که آن‌ها به اضافه‌کاری‌های طولانی تن می‌دهند و ساعات طولانی در چند شیفت در مکان‌های مختلف کار می‌کنند، اما باز گرانی و تورم همه دستمزد آنان را می‌بلعد و قادر نیستند از پس هزینه‌های کمرشکن زندگی برآیند. گرانی مایحتاج عمومی، کمبود مسکن، هزینه‌های بالای بهداشتی و آموزشی، بیکاری و سایر مشکلات اجتماعی و همچنین فشارهای بی‌حدی که از جانب حکومت اسلامی و سرمایه‌داران بر کارگران وارد می‌شود، توده زحمتکش ایران را در جهشی گرفتار کرده است که نامش جمهوری اسلامی است. با وجود چنین شرایطی، راهی جز اعتراض و اعتصاب برای کارگران باقی نمانده است.

اقتصاد کشور در سیاست‌های اقتصادی رژیم، به خصوص در زمان ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی، اینک در آستانه

اسمال در حالی به استقبال اول ماه مه، روز همبستگی کارگران جهان می‌رویم، که از سویی شاهد اوج‌گیری شتابان مبارزات صنفی کارگران و زحمتکشان هستیم و از سویی دیگر مشاهده می‌کنیم که وضعیت زندگی و معیشت کارگران و زحمتکشان در مقایسه با سال گذشته آشکارا به وخامت گراییده است. بنا به گفته دست‌اندرکاران حکومت در امور کارگری، از تعداد ۵ میلیون کارگری که در ایران وجود دارند، قریب به دو میلیون نفر آنان بیکارند. علاوه بر آن هر سال صدها هزار به خیل بیکاران اضافه می‌شود. یکی از علل عمده اعتصابات و اعتراضات کارگری به ویژه در سال گذشته، عدم دریافت به موقع دستمزد و حقوق‌ها بوده است. گرانی و تورم در جامعه پدید می‌آید و علیرغم افزایش دستمزد کارگران و کارمندان، میزان افزایش و سطح نازل دستمزد‌ها به هیچ وجه با بهای مایحتاج عمومی و رشد دم‌افزون قیمت‌ها و هزینه‌ها تطابق ندارد. وضعیت اقتصادی زحمتکشان آن قدر به وخامت گراییده است که مسئولین رژیم نیز به



## به سوی ایجاد تشکل های مستقل کارگری

تشکیل اتحادیه های دموکراتیک و مستقل کارگری، پیوسته یکی از هدف های مهم فعالین و مبارزین جنبش کارگری ایران بوده است. در دهه های گذشته تلاش های زیادی به وسیله فعالین و مبارزین اصیل این جنبش برای تحقق این هدف صورت گرفته که در مقاطعی تلاش های مذکور به ثمر رسیده و حاصل آن ها تشکیل اتحادیه های مستقل کارگری بوده است. اما کلیه اتحادیه های شکل گرفته، پس از مدت کوتاهی فعالیت، یکی پس از دیگری توسط رژیم های دیکتاتوری حاکم بر ایران منحل و غیر قانونی گردیده و اعضا، فعالین و رهبران آن ها مورد تعقیب و پیگرد و شکنجه قرار گرفته و حتی اعدام شده اند.

مبارزان و فعالان جنبش کارگری ایران اساسا هیچگاه مایل به تشکیل اتحادیه های کارگری مخفی نبوده و نیستند و پیوسته نهایت تلاش خود را صرف ایجاد شرایط لازم جهت تشکیل اتحادیه های کارگری مستقل و علنی کرده اند. تنها در مقاطعی از تاریخ جنبش کارگری که هیچ امکانی باقی نمانده، مبارزان و فعالان این جنبش مجبور به فعالیت ها و ارتباط های مخفی شده و هسته های مخفی اتحادیه های ایجاد کرده اند.

با توجه به شرایط جدیدی که در اثر تحولات و رخداد های پرشتاب ماه های اخیر در کشور به وجود آمده است، کارگران امکان یافته اند با استفاده از فضای موجود و بهره گیری از تمام امکانات و تجربیات، سازمان دهی تشکل های علنی و مستقل کارگری را جزو خواسته های مطالباتی خود قرار داده و برای آن مبارزه کنند.

اکنون برای مبارزه در راه تشکل های کارگری، فرصت ها و امکانات تازه ای پدید آمده است که باید از آن ها به درستی استفاده کرد. مطالبه ایجاد سندیکاها و سایر تشکل های کارگری، امروز هم در میان کارگران نیروی بزرگی دارد و هم در شرایط جامعه امکان طرح گسترده و وسیع آن را فراهم آورده است.

مبارزه برای ایجاد سندیکاها، باید یکی از هدف های اصلی و یکی از شعار های مهم فعالین کارگری در شرایط تازه ای که پیش آمده است، باشد. مبارزه فعالین جنبش کارگری برای سازمان دادن مبارزات کارگران و ایجاد سازمان های صنفی و سندیکایی کارگران، هم گام مستقیمی است برای دفاع از خواسته ها و مطالبات فوری کارگران و هم تلاشی است برای این که این نیروی عظیم را بهتر سازمان دهی کرد و در خدمت جنبش دموکراسی در کشور درآورد.

## یادنامه برخی از فعالین و مبارزین جنبش سندیکایی ایران که در جریان فاجعه کشتار زندانیان سیاسی، همراه با مبارزان دیگر راه آزادی و عدالت اجتماعی به شهادت رسیدند

رفیق توفیق از اعضا هیئت مدیره سندیکای کارگران چاپ و کتابفروشی بود و در میان اعضای این صنف محبوبیت فراوانی داشت. توفیق یکی از سازمان دهندگان اعتصاب موسسه انتشاراتی امیرکبیر بود و نشریه «کتابفروش» را، که یک نشریه سندیکایی پرطرفدار بود منتشر می کرد. رفیق توفیق جزو اولین کسانی بود که در یورش های زنجیره ای سال ۶۵ دستگیر شد و پس از مقاومت های سلحشورانه در زیر شکنجه دژخیما، همراه با رفقای هموزم خود در جریان فاجعه ملی سال ۱۳۶۷ اعدام شد.

رفیق هدایت الله معلم یکی از مبارزین کهنسال جنبش کارگری ایران از دوران شورای متحده مرکزی به بعد به شمار می رفت. او عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران فلزکار مکانیک تهران بود و بیش از یک سوم عمر خود را در زندان های دو رژیم شاه و خینی گذراند. رفیق هدایت الله همواره یکی از پرروحیه ترین

مبارزین جنبش کارگری بود و پس از مقاومت های دلیرانه در زندان که از کسی با سن و سال او بعید بود، در جریان فاجعه ملی به شهادت رسید.

رفیق بندعلی مرادپور (سیفی) از سازمان دهندگان با نفوذ تعدادی از سندیکاهای صنوف پس از انقلاب بود. او مدتی را نیز زندانی رژیم شاه بود. رفیق بندعلی در ضربات سال ۶۵ به فعالین سیاسی، دستگیر شد و پس از شکنجه های فراوان، در جریان کشتار ملی در سال ۱۳۶۷ اعدام شد. شکنجه گران رژیم اسلامی برای دست یافتن به اطلاعات گسترده ای که از فعالین مبارزین جنبش سندیکایی داشت، تا دم مرگ او را شکنجه کردند، اما سیفی نازلی وار زبان به سخن ننگشود.

رفیق پیروز الهی از سازمان دهندگان فعال هسته های مخفی و تشکل های علنی کارگری در تهران و قزوین بود. او مبارزی بسیار پرشور بود و به

مردم زحمتکش و کارگران علاقه ای بزرگ داشت. با وجود این که ماه ها پیش از دستگیری اش فهمیده بود که تحت تعقیب پلیس قرار دارد، اما حاضر به ترک ایران نشد و سرانجام در یورش های گسترده و زنجیره ای پلیس به فعالین سیاسی در سال ۶۵، دستگیر شد. رفیق پیروز نیز از آنانی بود که در ۶۷ همراه به شمار یارانش تیرباران شد.

رفیق حسن جلالی عضو هیئت مدیره سندیکای کارگران چاپ تهران بود و مدتی را نیز در زندان های رژیم شاه به سر برده بود. به توصیف دوستانش، او یکی از خلاق ترین رهبران سندیکایی پس از انقلاب بود و مدت ها پیش از هجوم رژیم به مبارزین جنبش کارگری، این هجوم را پیش بینی کرده و معتقد به سازمان دهی مخفی مبارزات کارگری بود. رفیق حسن نیز به همراه انبویه یارانش در سال ۱۳۶۷ اعدام شد.

## اول ماه مه

ارنست فیشر

چیز تهی نیست، تنها یکی از ما تنها حیات حقیر انسانی، ویران شده تنها ذره ای ناچیز از جهان در جهنم ماشین ها، کارخانه ها و خرده پاش ها در هم شکسته است، خرد شده است، متلاشی شده است...

بگذار خدا نداند و تاز از بود زندگی بگذرد به ندای بیزار، ناگاه الهی ای پر حرارت آنان را گرفته برافروخته است در جهشی ناگهانی از عشق در خیزی از نوبت پس مانده های با مال شده به یکدیگر در آمیخته اند به توفانی سوزان و آتش فشانی جوشان و راز آمیز، تبدیل شده اند و امروز، اینک! آن توده، مانیم جوانی ما - که دبری است از یاد رفته در نهان به گمان در یافته و هرگز تصاحب نشده ایم! ما - که به تدریج از دست رفته اند روزی های ما - که هرگز تاجی از پیروزی بر سر نینداخته اند زندگی ما - دستخوش تیره روزی و شرمساری همه ناگاه از این حرارت سوزان شعله ور می شوند و بلند و تابناک زبانه می کشند هر چند اکنون به وضوح نمی توانیم شادی کنیم و نمی توانیم در آرامش بسوی هدف های تجیب خویش گام برداریم با این همه، ما خداوند سرنوشت خویشیم بهاریم، جوانی هستیم، سینه دمییم و نخستین روز مه، روز ناست، از آن ناست

## نخستین «اول ماه مه» من!

رضا کریمی



کردند و به همین علت وقت زیادی داشتیم تا با اوستا باشیم. اوستا علی از اتحاد کارگران و مبارزه و این جور چیزها حرف می زد، او از دنیای دیگری برای صحبت کرد که در آن از بیکاری خبری نیست و هر کارگری خانه ای دارد مثل خانه ثروتمند اصفهانی، همان جا که من مدتی نگهبان بودم. اتاق های متعدد، سالن نشیمن، نهارخوری، آشپزخانه بزرگ دود نکرده که همیشه خدا بوی غذای خوشمزه از آن می آید، حیاط دراندشت پر گل و چمن با استخری در انتهای آن که خانه صاحبخانه با دو دخترش جلو چشم هر محرم و نامحرم در آن تن به آب می زدند. دلم نیامد به اوستا بگویم خانه آرزویی من به خانه ثروتمند اصفهانی شبیه نیست، دلم می خواست خانه ای مثل خانه کارگران شرکت نفت در میان کوه آغاچاری می داشتم با دو اتاق دراز با پنکه ای برقی آویزان بر سقف که یکی از اتاق ها درش به حیاطی باز شود که در آن سبزی کاشته شده و دورش توری سیبی باشد. اتاق دیگر درش رو به حیاط سنتی باشد که در انتهای یک سمت آن آشپزخانه ای با لوله کشی گاز و سمت دیگر دستشویی و دوش آب و دری به کوچه داشته باشد.

یک روز مانده به اول ماه، اوستا پیشنهاد کرد که فردا همراه او و دوستان دیگرش جشن اول ماه مه را برگزار کنیم. سفارش کرد با سر و وضع مرتبی در جشن ادامه در صفحه ۴ ویژه نامه

آن روزها کارگر روزمزد بودم، چند روزی در این کارگاه و چند ماهی در آن کارخانه مشغول می شدم و بعد هم تسویه حساب تازه. مدتی به استخدام یکی از کارخانه های بافندگی اصفهان در آمدم. حقوقش خیلی کم بود اما این امید وجود داشت که استخدام دایم شوم. همین به من دلگرمی می داد. با تازه استخدامی ها شرط گذاشتند که در صورت رضایت سرپرست بخش، بعد از شش ماه استخدام رسمی خواهند شد. کار بسیار طاقت فرسا بود. چندین برابر کارگرانی که استخدام دایم بودند از ما کار می کشیدند، اما من و یک نفر از هم ولایتی هایم که جسم و تن سالم و قرص و قایمی داشتیم، بیشتر از دیگران هم کار می کردیم. می خواستیم رضایت سرپرست را به دست بیاوریم. کارگران اصفهانی ما را دست می انداختند. فارسی صحبت کردن ما بدون لهجه اصفهانی، گزگ دست آن ها می داد تا خوددیشی های ما پیش سرپرست را تلافی کنند. ما از پس زبان آن ها بر نمی آمدیم. از مشت و لگد هم نمی توانستیم استفاده کنیم. روی دنده لیج افتاده بودیم و چند برابر بقیه کار می کردیم. سرپرست از کار ما راضی بود اما کارگران دیگر از ما بدشان می آمد.

یکی از روزها که با هم ولایتی ام در سایه دیوار نان و پنیر نهار می خوردیم، یکی از کارگران که به اوستا محمدعلی معروف بود، آمد پیش ما نشست و قابلمه پر از پلو و خورش خود را روی بقیه نان ما گذاشت. با اصرار او غذا را قبول کردیم و دوست من گفت: من غذای نذری نمی خورم. اوستا خندید و گفت: نذری نیست، امروز جشن اول ماه مه است و ادامه داد: به جز ملکیت ما، در تمام کشورهای دنیا این روز را جشن می گیرند. ما را هم نوبت کرد که به اندازه دیگران کار کنیم و گفت که به شما دروغ گفته اند، هیچ کارگر جدیدی استخدام

## گزارشی از زنان قالیبافی که بزرگ ترین قالی دنیا را می بافند

### گرانی است، مشکل زیاد داریم، دوازده نفریم...

همون اولی که دار قالی بالا رفت. روزی چقدر حقوق می گیری؟ روزی سیصد و دوازده تومان! سیصد و دوازده تومان؟! بله خانم جون، تازه از عید امسال حقوقمان زیاد شده، اولش کمتر می گرفتیم، دو رج به کارمان اضافه کردند، حقوقمان هم بیشتر شده... چند تا بچه داری؟

## شورای نگهبان فقط صلاحیت ها را رد نمی کند...

طبق قانون کار جمهوری اسلامی، زنان کار بیمه شده، در زمان کار حق بازتستگی و کلیه کسورات مربوطه را پرداخت می کنند، اما در صورت فوت، فرزندان صغیر آنها از دریافت حقوق بازتستگی صرفا به این دلیل که شخص بیمه شده مادر آن ها و زن بوده است، محروم هستند.

در اواخر خرداد ماه سال گذشته، پس از دو بار رد شدن، طرح «برخوردری بازماندگان زنان بیمه شده»، تصویب شد. طبق طرح مذکور، چنان چه زن بیمه شده فوت کند، فرزندان ذکور او، در صورتی که سن آن ها کمتر از ۱۸ سال تمام باشد یا منحصرا به تحصیل اشتغال داشته باشند، تا پایان تحصیل از مستمری بازماندگان استفاده خواهند کرد. فرزندان دختر در صورتی که شوهر نداشته باشند و دارای شغل و حرفه نباشند، مستمری دریافت خواهند کرد.

این طرح پس از تصویب مجلس به شورای نگهبان ارایه شد. شورای نگهبان این طرح را به دلیل «بار مالی» آن رد کرد.

می بانی؟ نه، بودجه نداریم. زنی میان سال، در گل وسط فرش، درست لابلای نخ آبی فیروزه ای نشسته است: وقتی می آیی این جا، بچه های ما چکار می کنی؟ به امید هم دیگر... به امید خدا. چقدر حقوق می گیری؟ ماهی شش هزار تومان، نسیقه زن ها هشت تومان می گیرند. راضی هستی؟ ... خوب شما هنرمند هستید.

پنج تا از ساعت چند میایی اینجا؟ از صبح تا ساعت دوازده زن قیچی به دست دیگری، کسی دورتر با لهجه ترکی می گوید: ما می ریم، بعد به عده دیگه میان، اون ها هستن تا شش بعد از ظهر. دو سه دختر جوان درست وسط فرش نشسته اند: چند سال داری؟ شانزده سال! از تو کوچک تر هم این جا کار می کنن؟ نه، من از همه

روستایی به نام «بن»، روستایی در چهار محال بختیاری که تازه نام شهر بر آن گذاشته اند. در این روستا بزرگترین فرش جهان را بر دار برده اند. فرش ۱۵۰ متری که از سال ۷۴ در دار شده است و گفته بودند در خرداد ماه امسال به پایان خواهد رسید. این فرش را ۱۲۰ زن و دختری چهارمعالی می بافند. چگونه؟ گزارشگر مجله «زن روز» در این مورد می نویسد: به طرف کارگاه حرکت می کنیم و خیلی زود درمی یابیم که اصلا کارگاه فرشی در میان نیست، بلکه این سالن و انبار آتش نشانی است که به جای پذیرفتن ماشین های آبپاش قرمز، دار بزرگ قالی را در خود جای داده است. وقتی در چهارچوب در بزرگ کارگاه قرار می گیریم، برای لحظه ای عظمت دار و بزرگی فرشی که لوله شده است ما را در جا میخکوب می کند. تی... تی... تی... تی... تی... تی... که در این کارگاه به گوش می رسد، ابتدا جز سایه هایی از زنان بافنده پشت تار چیزی ندیدیم، فقط ۳۰ سایه. بعد ناگهان هشتاد دست و چهل صورت از پشت تارهای کنار زده شده، به ما خیره شد. زنان قالی باف با احتیاط گوشه هایی از رنج هایشان را برای خبرنگار می گویند، می ترسند که همان لقمه نان شان را نیز از دست دهند: خانم، به کسی نگویی که این حرف ها را زده ایم... شوهر من بیکار است. اگر همین شش هفت هزار تومان را هم خانه نبریم، بیچاره ایم! مگر تا به حال مشکلی پیش آمده؟ ... قالی بافان چه گفته اند که اینک نگران عواقبش هستند؟ چند سال است که این جا کار می کنی؟ نزدیک سه ساله، از





اقتصاد جهانی سوار ارایه‌های قدرت‌مند خویش سده بیستم را در می‌نوردد و با سپاه نیرومندی قرن بیست و یکم را نشانده رفته است. جهان زیر چرخ‌های همواره در حرکت این ارایه‌ها حیران‌سازنده است. ارایه‌های اقتصاد جهانی جواز عبور آزاد از تمام مرزهای رسمی و غیررسمی را در ید قدرت خویش دارند، نه پیشه‌ی اسلام فقها، نه تانک‌های طالبان، نه قادیسیه‌ی صدام را یارای مقابله با سم ستوران این ارایه نیست. ارایه‌ی روان اقتصاد جهانی می‌تازد و در برابر خویش هر مانعی را نابود می‌کند.

این ارایه‌ها از مناطق پرواز ممنوع به راحتی عبور می‌کنند، میدان‌های نبرد را زیر پا می‌گذارند و با آزادی تمام هر جا که بخواهند گام می‌گذارند. حتا در پشت جبهه‌های مستخاصمان حاضر می‌شوند و با کارناوال رزمی خویش جنگ‌افزارها و آلات جنگی طرفین را روغن‌کاری می‌کنند و بر طبل جنگ می‌کوبند. این ارایه‌ها اجازه دارند به دور از ممنوعیت‌های دولت‌مداران وارد صحنه‌های اقتصاد جهانی شوند و با فراغ خاطر یک‌تازی کنند. این ارایه‌ها را می‌توان ابزار «استعمار سوپر نو» نامید. سواران این ارایه‌های سودخوار از شیوه‌ی جان نیروی کار جهانیان ارتزاق می‌کنند.

### نیروی محرکه این ارایه‌ها چیست؟

یکی از موتور محرکه‌های آن، موافقت‌نامه‌ی اقتصادی ام.آ.آی (M.A.I.) است که پیمان اقتصادی چندجانبه در سرمایه‌گذاری‌هاست. Multilateral Agreement on Investments (موافقت‌نامه‌ی ام.آ.آی) افسارگسیخته‌تر از همتای خود ایپک (APEC) در آسیای حوزوی اقیانوس آرام و نفتا (NAFTA) در آمریکای شمالی است. اندیشه‌ی مرکزی شکل‌گیری همچو پیمان‌هایی نه کمک به رشد اقتصادی ممالک محروم، نه مساعدت در بازسازی ویرانه‌ها، نه بهبود وضع زیستی انسان‌ها، نه حفظ محیط زیست و منابع طبیعی برای نسل‌های آتی، بلکه حرکت متحد و سامان‌مند در غارت نیروی کار ارزان و چپاول ذخایر زیر زمینی جهان است.

### «ام.آ.آی»، اعلامیه‌ی حقوق و آزادی‌های بلوک سرمایه

نشریه‌ی لایق حال تعریف زیبا و طنزآلودی از پیمان ام.آ.آی کرده است. به نظر این رسانه که سخنگوی گروه‌های محروم در غرب کانادا می‌باشد، موافقت‌نامه‌ی ام.آ.آی را باید بیانیه‌ی حقوق و آزادی‌های شرکت‌های فراملیتی نامید. این پیمان تلاش گسترده‌ی اردوی سرمایه در غصب بازارهای جهان است. پیمان ام.آ.آی رداورد تازه‌ی اندیشه‌ورزان بازار آزاد برای برده‌کردن نیروی کار می‌باشد. بنابراین این سده‌لوحانه است که این بیانیه‌ها را فقط به‌عنوان یک اقدام اقتصادی انگاشت.

ارایه‌ی اقتصاد جهانی به نیروی ام.آ.آی، ایپک، نفتا، و گات ... می‌چرخد. بر این ارایه صاحبان سرمایه و مدیران اجرایی کاپیتالیسم سوارند. این ارایه هرچند ارایه‌ی جنگی نیست، اما مقدم سازندگان اصلی سلاح‌های کشتار جمعی، برپاکندنگان حمام‌های خون، گردانندگان بانک جهانی و سایر اهرم‌های مالی بر این کجاوه گرامی است. زبان همه‌ی این سواران اقتصاد جهانی زبان بین‌المللی سود و زبان مارک‌های تجارتی است. بی‌جهت نیست که مدیر اجرایی شرکت ژیلت به خبرنگاران گفته بود که من هر جای دنیا که می‌روم احساس تنهایی نمی‌کنم، حتا اگر زبان آنجا را ندانم. این

### حقیقی در مورد قرارداد چندجانبه‌ی سرمایه‌گذاری‌های خارجی (M.A.I.)

## ارابه‌ی ضد بشری

حمید دادیزاده

در ماه میلادی جاری قرار است که قرارداد چندجانبه‌ی سرمایه‌گذاری‌های خارجی (M.A.I.) به امضای اعضای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (O.E.C.D.) برسد. در شماره‌ی ۱۷۷ کار مطلب کوتاهی در این ارتباط درج گردیده بود. آقای حمید دادیزاده به دنبال انتشار این مطلب، مقاله‌ی در مورد این پیمان تهیه کرده‌است که از نظر تان می‌گذرد.

### موافقت‌نامه‌ی ام.آ.آی مدافع منافع

#### هارترین بلوک سرمایه

بیش از دو سال است که نمایندگان ۲۹ کشور با ولایت آمریکا در فرانسه سرگرم کارند تا موافقت‌نامه‌ی چندجانبه در سرمایه‌گذاری‌ها (M.A.I.) را به اتمام رسانند. این اقدامات، به گفته‌ی اغلب پژوهش‌گران در فضای کامل (complete secrecy) صورت گرفته است. تنها سندی که روزنامه‌نگاران مترقی به دست آورده‌اند یک سند ۱۷۰ صفحه‌ی است که در هر برگ آن آزادی غیرمحدود و بی‌لامناهی برای سرمایه‌گذاران تصریح شده است. در فصل اول، بخش چهارم، قسمت اول این قرارداد که زیر عنوان «حفاظت سرمایه‌گذاری» است چنین می‌خوانیم:

«توجه: از هر کشور عضو این قرارداد که امضاءکننده‌ی این متن باشد خواسته خواهد شد تا تمام بخش‌های اقتصادی: شامل منابع طبیعی، مستغلات، و صنعت رسانه‌ی و پخش (رادیو، تلویزیون) خود را برای مالکیت شرکت‌های خارجی باز بگذارد. با سرمایه‌گذاران خارجی موافقت‌نامه‌ی کارخانه‌های داخلی برخورد نماید و هرگونه نیازمندی‌های اجرایی و مقرراتی را که در دسترسی سرمایه‌گذاران به بازار، دست و پاگیر باشد از میان بردارد... هر گونه محدودیت را از گردش سرمایه‌ها کنار بزند... و در صورت از بین رفتن سرمایه‌ی خارجی‌ها چه از طریق توقیف یا از طریق مقررات غیرمعقول، کل سرمایه‌ها را بازپس دهد.

...هر کشور عضو باید اطمینان حاصل کند که دولت‌های ناحیه‌ی و مسئولان محلی خود را با مقررات «ام.آ.آی» هم‌آهنگ سازند... با اجرای این موافقت‌نامه اگر سرمایه‌گذاری در یک کشور مشخص عضو تصمصم بگیرد که از حداقل دست‌مزد دولتی مزد کمتری به نیروی کار بدهد، مسئولان ناحیه باید بپذیرند و هیچ‌گونه اعتراضی علیه این سرمایه‌گذاران نکنند.

در پرتو اجرای این قرارداد، دولت‌ها در واقع به زانیده‌ی دست سرمایه تبدیل می‌شوند. منتقدان بر این باورند که ارایه‌ی سوپر استعماری سرمایه، تهاجم آشکار خود را به بنیانی‌ترین حقوق انسان‌ها آغاز کرده است. با توجه به ترکیب سواران این ارایه روشن می‌شود که ارتجاع جهانی با هارترین بلوک سرمایه آمیزش کرده است. موافقت‌نامه‌ی «ام.آ.آی» سندی یک‌سویه علیه نسل کارگران فرداست.

### پی‌آمدهای اجرای «ام.آ.آی»

#### در زندگی مردم

اگر این سند، که حاصل اندیشه‌ی سواران ارایه‌ی سودخوار است به مرحله‌ی اجرا در بیاید

اطاق بازرگانی به بهترین شکلی از این هیئت پذیرائی می‌کنند. بانک تجارت کانادا (CIBC) یکی از حمایت‌کنندگان این دیدار است، به گزارش لانسیت حال در سال ۱۹۷۷ همراه بانک‌های دیگر کانادا بیش از ۷ بیلیون دلار سود خالص نصیب سهام‌داران خود کرد. آیا بانک تجارت کانادا و سایر سواران ارایه‌ی سودخوار که اعضای پیمان ام.آ.آی و ایپک هستند، این پار چشم به منابع اقتصادی ایران دوخته‌اند؟ آنجا که سخن از همکاری‌های اقتصادی است ایران، اندونزی، فیلیپین و نیجریه... از جانب سرمایه‌داران کشورهای صنعتی به همکاری دعوت می‌شوند و سخنی از نقض حقوق بشر در ایران و این‌گونه کشورها به میان نمی‌آید. هیچ نماینده‌ی این‌ها که رهبران این رژیم در دادگاه می‌کنوس به عنوان عاملان ترور رهبران حزب دموکرات گردستان شناخته شدند، سخنی نراند. اینجا حرفی از دموکراسی در میان نیست. ارایه‌ی روان اقتصاد جهانی در پی تصویب نهائی موافقت‌نامه‌ی ام.آ.آی است. رهبری این ستارو به دست آمریکاست.

### پیمان ام.آ.آی

#### و کشورهای در حال رشد

پی‌آمدهای درازمدت اجرای موافقت‌نامه‌ی ام.آ.آی در کشورهای محروم تکان‌دهنده است. با توجه به تکنولوژی پیشرفته‌ی که در دسترس این شرکت‌های فراملیتی است، منابع طبیعی، نیروی انسانی و سرمایه‌های این ممالک در معرض غارت سریع قرار خواهند گرفت. در پرتو این موافقت‌نامه‌هاست که استثمارگران دیروز با چهره‌های بزرگ کرده و «متمدن» و زیر لعاب دموکراسی کاخ سفیدی به میدان می‌آیند. استعمار سوپر نو قانونی می‌شود و در نهایت جهان به مستعمره‌ی سرمایه بدل می‌شود. تجربه‌ی تاریخی مردم جهان از عمل‌کرد سرمایه‌گذاران این درس را آموخته که در این میدان حرفی از رشد اقتصادی و استقلال ملی در میان نیست. اماج نهائی شکار نیروی کار ارزان، استثمار منابع معدنی و انسانی، تبلیغ ایدئولوژی بازار آزاد و هویت‌زدائی است. تجربه‌ی کارکرد این شرکت‌ها نشان داده که با وجود زرق و برق‌های فریبنده و خیره‌کننده که سواران ارایه‌ی سودخوار با خود حمل می‌کنند، آنها جز بردگی کار مزدوری و بردگی جنسی چیزی نصیب این کشورها نمی‌کنند. برای اقتصاد جهانی و گردانندگان ام.آ.آی، ایپک، گات، و نفتا سود خدا و استثمار شریعت است. در این بازار تئوکراسی و دموکراسی به سرمایه‌گرایی فرامی‌روید و رهاوردی جز بی‌عدالتی و ویرانی نخواهد داشت. بنابراین اگر عقلانیت و راسیولانیسم سرمایه به مفهوم تیردروزی نوع بشر باشد که هست، این توحشی بیش نیست.

### اقتصاد جهانی

#### در جستجوی هم‌پیمان

ارابه‌ی روان سرمایه در حرکت خویش به سوی سده‌ی ۲۱ در پی اعمال سلطه‌ی مالی بر جهان است. و ما شاهدیم که تجارت‌ورزان جمهوری اسلامی در ونکوور مورد استقبال قرار می‌گیرند و بانک (CIBC) کانادا و اعضای

انتظار می‌رود که وضعیت ایمنی کار، بهداشت، و دست‌مزد کارگران به وضعیت اسف‌بارتری سقوط کند. چرا که مفاد این موتور محرکه‌ی ارایه‌سواران بی‌رحمش اجازه می‌دهد که در برابر مقررات (Regulations) موجود مقررات دیگری را وضع کنند که در متن موافقت‌نامه با واژه (Deregulation) از آن نام می‌برند. در ضمن باید اشاره کنم که دولت‌های عضو مجاز نخواهند بود هیچ‌گونه دعوی حقوقی علیه این سرمایه‌گذاران نکنند و در صورت اقدام به این کار، مفاد موافقت‌نامه‌ی «ام.آ.آی» این سرمایه‌گذاران را مختار می‌سازد که به دادگاه بین‌المللی علیه آن دولت شکایت کنند.

از آن چه که گفته شد بر می‌آید که موافقت‌نامه‌ی «ام.آ.آی» طوق بردگی کار مزدوری را هر چه تنگ‌تر بر گردن نیروی کار می‌اندازد. علاوه بر استثمار نیروی کار به هویت‌زدائی فرهنگی مردم نیز می‌پردازد. برای آشنا شدن با بی‌آمدهای کار این قبیل مؤسسات کافی است نظری به فیلیپین و تایلند و اندونزی بیاندازیم. معروف است که این قبیل از شرکت‌ها پس از اتمام کارشان زمین‌های سوخته از خود بر جای می‌گذارند.

نکته‌ی پایانی این است که هم‌پیمانان موافقت‌نامه‌ی «ام.آ.آی» که از طراحان و اندیشه‌ورزان بازار آزاد هستند به کمک مبلغان فکری خویش در رسانه‌ها و کانال‌های تلویزیونی، اینک اندیشه‌ی خصوصی‌سازی را در ابعاد وسیع مطرح ساخته‌اند. این اندیشه چنین استدلال می‌کند که خصوصی‌سازی کارائی را بیشتر می‌کند و با این منطق در پی تبلیغ خصوصی‌سازی صنعت برق و گاز، بهداشت همگانی، و آموزش هستند. ائتلاف‌های بزرگ مالی و اندیشه‌ی ادغام بانک‌ها همه در این راستا صورت می‌گیرد که بلوک سرمایه، قدرت مطلق خود را به نمایش بگذارد. در واقع جهان با ولایت مطلقه‌ی سرمایه روبروست.

ارابه‌ی سودخوار ایپک در پی تصویب نهائی موافقت‌نامه‌ی «ام.آ.آی» است. رسانه‌ها و مردم از جزئیات این موافقت‌نامه تاکنون بی‌خبر نگه‌داشته شده‌اند. دولت‌هایی که با تیختر خود را برگرزیده‌ی مردم می‌دانند و ادعا می‌کنند به آئین‌های دموکراسی وفادارند در عمل منافع اکثریت مردم را فدای مطامع ضدبشری سرمایه می‌کنند. بانک جهانی، صندوق مالی بین‌الملل و سایر اهرم‌های سرمایه در یک ارکستر یک‌پارچه سرود پیروزی پایان تاریخ را می‌خوانند و برآند قبائی را که تافلرها، فوک‌یاماها و پوپرها طراحی کرده‌اند با نیروی بوروکراسی و میلیتاریسم خویش بر جامعه‌ی جهانی قالب کنند. سالی که نکوست از بهارش پیداست، عمل‌کرد نفتا که به تیردروزی مردم مکزیک منتهی شده، تنها یک نمونه‌ی ساده است.

ارابه‌ی سودخوار سرمایه با منطق بشری سرسازگاری ندارد. این واقعیت را خود طراحان نظم نوین دانسته‌اند. تدارک زرادخانه‌های غول پیکر و نیروی عظیم نظامی و ضد شورش از همین ورشکستگی اندیشه‌ی ارایه‌ی سودخوار ناشی شده است. روشن است که نیروهای کار و زحمت و انسان‌های شریف که به آینه‌ی بشریت و به زندگی عادلانه برای نوع بشر می‌اندیشند، صوف خود را در برابر ارایه‌رانان سرمایه قوی‌تر خواهند کرد. سخن پایانی این که «ام.آ.آی» به گفته شان (Shaun) یک قرارداد ضد بشری است. باید این ارایه را از حرکت بازداشت.

منبع: در تهیه‌ی این نوشتار از مقاله‌ی شان (Shaun) از انترنت سود بردم.

سال پیش بین کارگران و صاحبان کارخانه‌ها در آمریکا روی مقدار دستمزد و ساعت کار اختلاف جدی به وجود آمد بود. عده‌ای کارگر و غیر کارگر، ولی طرفدار کارگر، جمع شدند تا کارگران را سازمان‌دهی کنند و با اعتصاب و تظاهرات کارفرمایان را مجبور به قبول خواسته‌های کارگران بکنند. از آن طرف هم کارفرمایان بیکار نشستند و با آوردن رعیت‌ها و مزدبگیرها و تفتنگی‌های خود و دیدن دم رئیس پاسگاه و هنگ ژاندارمری تصمصم گرفتند که اگر کارگران خواستند بیایند وسط شهر و در شهر معرکه‌گیری کنند، آدم‌های کارفرمایان با پشتیبانی ژاندارم‌ها بزنند لت و پارشان کنند. کارگران اعتصاب به تصمصم رهبرانشان در اول ماه مه آن سال در صف منظم بدون بلباگری به همراه زن و بچه‌هایشان که جمعا چند ده هزار نفری می‌شدند، راهی میدان بزرگ شهر شیکاگو شدند. آدم‌های کارفرمایان با کمک ژاندارم‌ها به کارگران حمله کردند، آن‌ها را فراری دادند و رهبرانشان را دستگیر کردند. آن کارگری که این‌ها را تعریف می‌کرد گفت که اول ماه مه این جور درست شد.

نهار و عرق خوری جشن از همه جالب‌تر بود. هر کس به جز من که دست خالی آمده بودم، غذا برای خورد و خوراک هشت ده نفر آورده بود. عرق ارمنی هشتاد درصد ماما، کاکا، جیره ده نفر برای یک ماه. احتلا هسران رفقا تصور کرده بودند شهرانشان را به سفر قندهار می‌فرستند!

### نخستین «اول ماه...»

ادامه از صفحه ۲ و ویژه...

شرکت کنم، من هم شلوار و پیراهن را با آب حمام نمره‌ای شستم. چرک یقه و سر شانه‌هایم کم را با آب گرم و کیسه حمام حساسی تمیز کردم، همان طور که پدرم هر وقت می‌خواست از ایل به شهر برود، می‌کرد. صبح اول ماه مه، با دوچرخه به محلی که اوستا گفته بود رفتم. اوستا محمدهلی منتظر بود. با هم کنار یکی از جاده‌ای را گرفتیم و به سمت بالا شروع به رکاب زدن کردیم. عاقبت بعد از گذر از بیراهه به جمع چند نفره‌ای که در مکانی دور از دیدرس رهگذران نشسته بودند، پیوستیم. من از همه جوان‌تر بودم. به جز یک نفر دیگر همه میان سال و پیر بودند. گرم صحبت بودند و به سلام ما پاللی گفتند و به صحبت‌هایشان ادامه دادند. به نظرم رسید آن‌ها به زبان دیگری مثل زبان زرگری با سوی ایجاد تشکل‌های مخفی روی بیاورند. با توجه به واقعات بالا می‌توان نتیجه گرفت که زمینه‌های عینی و ذهنی ایجاد تشکل‌های کارگری در سطح جامعه تا حدود قابل ملاحظه‌ای به وجود آمده است. به همین جهت اقدام به ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و ارتقا کمی و کیفی آن‌ها می‌باید به عنوان وظیفه‌ای عاجل در دستور کار کلیه مبارزین و فعالین جنبش کارگری قرار گیرد.

### چاره رنجبران...

ادامه از صفحه ۱ و ویژه...

مبارزاتی برای بهبود وضعیت خویش محروم سازد. اما کارگران با مبارزات اعتصابی خود در ماه‌های اخیر نشان داده‌اند که به این توطئه‌های رژیم آشنا شده‌اند و دیگر نه وعده‌های توحالی و نه حتی سرکوب، آن‌ها را مرعوب و از پیگیری مطالبات خود منصرف نمی‌کند. تصادفی نیست که یکی از درخواست‌های اصلی کارگران اعتصابی نفت و همچنین سایر اعتراضات و اعتراضات کارگری در سال گذشته، حق ایجاد آزادانه تشکل‌های صنفی کارگران بوده است. این خواست اکنون آن قدر جدی شده است که برخی از عوامل رژیم در امور کارگری احتمال داده‌اند با ادامه مخالفت حکومت با ایجاد تشکل‌های کارگری، کارگران بیشتر به سوی ایجاد تشکل‌های مخفی روی بیاورند. با توجه به واقعات بالا می‌توان نتیجه گرفت که زمینه‌های عینی و ذهنی ایجاد تشکل‌های کارگری در سطح جامعه تا حدود قابل ملاحظه‌ای به وجود آمده است. به همین جهت اقدام به ایجاد تشکل‌های مستقل کارگری و ارتقا کمی و کیفی آن‌ها می‌باید به عنوان وظیفه‌ای عاجل در دستور کار کلیه مبارزین و فعالین جنبش کارگری قرار گیرد.

○ خدا آن‌ها را ببخشد، همسر تان چکاره است؟  
● همسر من جانباز است. جانباز سی و پنج درصد شیمیایی...  
خانم خبرنگار توضیح می‌دهد که زانوهایش خم شده و همان جا نشسته و با ناباوری پرسیده است:  
○ واقعا شما همسر جانباز هستید، پس این جا چه می‌کنید؟  
● فرش می‌بافم!  
○ چرا می‌آید این جا کار می‌کنید، مگر به ار حقوقی تعلق نمی‌گیرد؟  
● چرا، پنج هزار تومان می‌گیرد، اما کم است.  
○ شما به عنوان همسر جانباز چه توقعی دارید؟  
● بچه‌ها... بچه‌ها می‌کارن... دخترم، پسر، خرج خیلی زیاد است...  
○ در خانه چه کم و کسری داری؟  
● همه چی، فقط یک خانه داریم و دیگر هیچ چی... بچه‌ها یمان بزرگ شده‌اند.  
○ دوست داشتی چند تا بچه داشتی؟  
● دو تا... یا خیلی باشد، چهار تا.  
○ حرف آخرت؟  
● گرانی است، مشکل زیاد داریم، دوازده نفریم.  
○ وزن باز مشغول می‌شود. ظهر گذشته است، اما او هنوز کارش را تمام نکرده است، هنوز به ردیف دوازدهم نرسیده است...

### گزارشی از زنان ...

ادامه از صفحه ۲ و ویژه...  
● نه!  
● نه!  
○ خانوم چون راحت کنم، هیچ کس این جا کاغذی نداره!  
○ چه می‌گویند؟  
● گفته که کارت‌های عضویت سهام شما دست ماست، اگر آن را به شما بدهیم، شما آن را گم می‌کنید...  
● شینت صیغ تمام شده است و کارگران خداحافظی می‌کنند و می‌روند، سه یا چهار زن هنوز پشت کارگاه نشسته‌اند، آن‌ها کسانی هستند که کندتر از دیگران کار کرده‌اند، کسی چه می‌داند شاید در ردیف یازدهم گیر افتاده‌اند. خانم خبرنگار به سراغ یکی از آن‌ها می‌رود:  
○ خسته نیابید، شما دیرتر از بقیه کارتان را تمام کرده‌اید، چرا؟  
○ زن محبوب‌تر از آن است که جواب بدهد، فقط لبخند می‌زند. زن کنار دستی او با چشم و آبرو به خانم خبرنگار اشاره می‌کند که با او حرف بزند. با اشاره می‌گوید بی‌رسی چند تا بچه داره!  
○ شما چند تا بچه دارید؟  
● نه تا!